



## فهرست مطالب

- صراط مبین ..... ۲
- سرآغاز کلام ..... ۷
- تمدن سازی نوین اسلامی ..... ۹
- ترسیم الگوی خانواده اسلامی ایرانی ..... ۱۵
- نگاهی بر سیره ی خانوادگی حضرت امام خمینی (ره) ..... ۲۱
- سیره زندگی در سلوک حضرت فاطمه زهرا (سلام .. علیها) ..... ۳۷
- سبک زندگی خانواده اسلامی از نگاه رهبر معظم انقلاب ..... ۵۱
- مسئولیت والدین و فرزندان در برابر یکدیگر ..... ۵۵
- پرسمان پیرامون فرزندان پر سش از شما: پاسخ از معصوم (علیه السلام) ..... ۵۹
- گفت و گو با فاطمه حسینی، بانوی خانواده ای با اخلاق متعالی ..... ۶۱
- سبک زندگی اسلامی و تحولات جمعیتی جامعه ی ایرانی ..... ۶۳
- سبک زندگی مدرن؛ عامل کاهش جمعیت در ایران ..... ۶۵
- گفت و گو با مادر پر جمعیت ترین خانواده جوان ایرانی ..... ۷۱
- سبک زندگی اسلامی و نسبت فرهنگ تجمل گرایی با اقتصاد مقاومتی ..... ۷۵
- گفت و گو با دکتر زهرامین مجددر تبیین سبک زندگی اسلامی ..... ۷۸
- جایگاه اشتغال زنان در سبک زندگی اسلامی ..... ۸۴
- سبک زندگی در عصر مهدوی ..... ۹۲
- پایان کلام ..... ۹۴



- ♦ صاحب امتیاز: سازمان بسیج جامعه زنان کشور
- ♦ شورای سردبیری: مجموعه مدیریت بررسی و تحلیل
- ♦ با همکاری: حجت الاسلام فرح الله هدایت نیا و طیبه سترگ
- ♦ طرح جلد: حمید مسیبی
- ♦ صفحه آرائی: زهرا جوزی
- ♦ نوبت چاپ: اول / شمارگان: ۲۰۰۰۰
- ♦ آدرس: بزرگراه بسیج، خیابان شهید فهمیده، سازمان بسیج جامعه زنان کشور، مدیریت بررسی و تحلیل
- ♦ تلفن: ۳۵۹۴۹۱۵۵ و ۳۵۹۴۹۵۸۰ - ۰۲۱
- ♦ تارنما: [www.farazeandishe.ir](http://www.farazeandishe.ir)
- ♦ پست الکترونیک: [faraze.andishe@yahoo.com](mailto:faraze.andishe@yahoo.com)



گزیده بیانات رهبر معظم انقلاب  
امام خامنه ای - مد ظله العالی -  
پیرامون «سبک زندگی اسلامی»





# صراط مبین



## چرا باید به «سبک زندگی» اهمیت داد؟

یکی از ابعاد پیشرفت با مفهوم اسلامی عبارت است از سبک زندگی کردن، رفتار اجتماعی، شیوه ی زیستن، این یک بُعد مهم است؛ ما اگر از منظر معنویت نگاه کنیم - که هدف انسان، رستگاری و فلاح و نجات است - باید به سبک زندگی اهمیت دهیم؛ اگر به معنویت و رستگاری معنوی اعتقادی هم نداشته باشیم، برای زندگی راحت، زندگی برخوردار از امنیت روانی و اخلاقی، باز پرداختن به سبک زندگی مهم است. بنابراین مسأله، مسأله ی اساسی و مهمی است.

(دیدار با جوانان استان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۰۷/۲۳)

## سبک زندگی بخش حقیقی و اصلی تمدن اسلامی است

ما اگر پیشرفت همه جانبه را به معنای تمدن سازی نوین اسلامی بگیریم،... دو بخش دارد: یک بخش، بخش ابزاری است؛ یک بخش دیگر، بخش متنی و اصلی و اساسی است. ... بخش ابزاری عبارت است از همین ارزش هایی که ما امروز به عنوان پیشرفت کشور مطرح می کنیم: علم، اختراع، صنعت، سیاست، اقتصاد، اقتدار سیاسی و نظامی، اعتبار بین المللی، تبلیغ و ابزارهای تبلیغ؛ ... البته ما در این بخش در کشور پیشرفت خوبی داشته ایم.

... اما بخش حقیقی، آن چیزهایی است که متن زندگی ما را

تشکیل می دهد؛ که همان سبک زندگی است که عرض کردیم. این، بخش حقیقی و اصلی تمدن است؛ مثل مسأله ی خانواده، سبک ازدواج، نوع مسکن، نوع لباس، الگوی مصرف، نوع خوراک، نوع آشپزی، تفریحات، مسأله ی خط، مسأله ی زبان، مسأله ی کسب و کار، رفتار ما در محل کار، رفتار ما در دانشگاه، رفتار ما در مدرسه، رفتار ما در فعالیت سیاسی، رفتار ما در ورزش، رفتار ما در رسانه ای که در اختیار ماست، رفتار ما با پدر و مادر، رفتار ما با همسر، رفتار ما با فرزندان، رفتار ما با رئیس، رفتار ما با مرئوس، رفتار ما با پلیس، رفتار ما با مأمور دولت، سفرهای ما، نظافت و طهارت ما، رفتار ما با دوست، رفتار ما با دشمن، رفتار ما با بیگانه؛ این ها آن بخش های اصلی تمدن است که متن زندگی انسان است. در انقلاب، در این بخش، پیشرفت ما چشمگیر نیست؛ ... باید آسیب شناسی کنیم؛ چرا ما در این بخش پیشرفت نکردیم؟ (همان)

در ادامه فهرستی از سؤالات مربوط به سبک زندگی خانواده خانواده که معظم له مطرح نموده اند، بیان می گردد:

۱. چرا در برخی از بخش های کشورمان طلاق زیاد است؟
۲. چرا در برخی از بخش های کشورمان روی آوردن جوان ها به مواد مخدر زیاد است؟
۳. چرا صله ی رحم در بین ما ضعیف است؟
۴. آپارتمان نشینی چقدر برای ما ضروری است؟ چقدر درست است؟ چه الزاماتی دارد که باید آن ها را رعایت کرد؟ چقدر آن الزامات را رعایت می کنیم؟
۵. الگوی تفریح سالم چیست؟

# رهبر انقلاب در جمع دانشجویان خراسان شمالی با پیشرفت در سبک زندگی اهداف تمدن اسلامی محقق می شود



۱۴. حد زاد و ولد در جامعه ی ما چیست؟  
۱۵. چرا در بعضی از شهرهای بزرگ، خانه های مجردی وجود دارد؟ این بیماری غربی چگونه در جامعه ی ما نفوذ کرده است؟  
۱۶. تجمل گرایی چیست؟ بد است؟ خوب است؟ چقدرش بد است؟ چقدرش خوب است؟ چه کار کنیم که از حد خوب فراتر نرود، به حد بد نرسد؟ ... این یک فهرستی از آن چیزهایی است که متن تمدن را تشکیل می دهد. قضاوت درباره ی یک تمدن، مبتنی بر اینهاست.

نمی شود یک تمدن را به صرف اینکه ماشین دارد، صنعت دارد، ثروت دارد، قضاوت کرد و تحسین کرد؛ در حالی که در داخل آن، این مشکلات فراوان، سراسر جامعه و زندگی مردم را فرا گرفته، اصل اینهاست؛ آن ها ابزاری است برای اینکه این بخش تأمین شود، تا مردم احساس آسایش کنند، با امید زندگی کنند، با امنیت زندگی کنند، پیش بروند، حرکت کنند، تعالی انسانی مطلوب پیدا کنند. (همان)

۶. طراحی لباسمان چگونه؟  
۷. مسأله ی آرایش در بین مردان و زنان چگونه؟ چقدر درست است؟ چقدر مفید است؟  
۸. چرا پشت سر یکدیگر حرف می زنیم؟  
۹. حقوق افراد را چقدر مراعات می کنیم؟  
۱۰. چرا در بین بسیاری از مردم ما مصرف گرایی رواج دارد؟ آیا مصرف گرایی افتخار است؟ مصرف گرایی یعنی این که ما هر چه گیر می آوریم، صرف اموری کنیم که جزو ضروریات زندگی ما نیست.  
۱۱. چه کنیم که حق همسر و حق فرزندان رعایت شود؟  
۱۲. چه کنیم که طلاق و فروپاشی خانواده، آن چنان که در غرب رایج است، در بین ما رواج پیدا نکند؟  
۱۳. چه کنیم که زن در جامعه ی ما، هم کرامتش حفظ شود و عزت خانوادگی اش محفوظ بماند، هم بتواند وظایف اجتماعی اش را انجام دهد، هم حقوق اجتماعی و خانوادگی اش محفوظ بماند؟ چه کنیم که زن مجبور نباشد بین این چند تا، یکی اش را انتخاب کند؟ اینها جزو مسائل اساسی ماست.

## سبک زندگی تابع تفسیر ما از زندگی است

رفتار اجتماعی و سبک زندگی، تابع تفسیر ما از زندگی است: هدف زندگی چیست؟ هر هدفی که ما برای زندگی معین کنیم، برای خودمان ترسیم کنیم، به طور طبیعی، متناسب با خود، یک سبک زندگی به ما پیشنهاد می‌شود. یک نقطه‌ی اصلی وجود دارد و آن، ایمان است.

یک هدفی را باید ترسیم کنیم - هدف زندگی را - به آن ایمان پیدا کنیم. بدون ایمان، پیشرفت در این بخش‌ها امکان‌پذیر نیست؛ کار درست انجام نمی‌گیرد. حالا آن چیزی که به آن ایمان داریم، می‌تواند لیبرالیسم باشد، می‌تواند کاپیتالیسم باشد، می‌تواند کمونیسم باشد، می‌تواند فاشیسم باشد، می‌تواند توحید ناب باشد.

بالاخره به یک چیزی باید ایمان داشت، اعتقاد داشت، به دنبال این ایمان و اعتقاد پیش رفت. مسأله‌ی ایمان، مهم است. ایمان به یک اصل، ایمان به یک لنگرگاه اصلی اعتقاد؛ یک چنین ایمانی باید وجود داشته باشد. بر اساس این ایمان، سبک زندگی انتخاب خواهد شد. (همان)

برای ساختن این بخش از تمدن نوین اسلامی، به شدت باید از تقلید پرهیز کنیم؛ تقلید از آن کسانی که سعی دارند روش‌های زندگی و سبک و سلوک زندگی را به ملت‌ها تحمیل کنند. امروز مظهر کامل و تنها مظهر این زورگویی و تحمیل، تمدن غربی است.

## تقلید از غرب جز ضرر و فاجعه چیزی به بار نمی‌آورد

برای ساختن این بخش از تمدن نوین اسلامی، به شدت باید از تقلید پرهیز کنیم؛ تقلید از آن کسانی که سعی دارند روش‌های زندگی و سبک و سلوک زندگی را به ملت‌ها تحمیل کنند. امروز مظهر کامل و تنها مظهر این زورگویی و تحمیل، تمدن غربی است... تقلید از غرب برای کشورهایی که این تقلید را برای خودشان روا دانستند و عمل کردند، جز ضرر و فاجعه به بار نیاورده؛ حتی آن کشورهایی که به ظاهر به صنعتی و اختراعی و ثروتی هم رسیدند، اما مقلد بودند. علت این است که فرهنگ غرب، یک فرهنگ مهاجم است. فرهنگ غرب، فرهنگ نابودکننده‌ی فرهنگ هاست. هر جا غربی‌ها وارد شدند، فرهنگ‌های بومی را نابود کردند، بنیان‌های اساسی اجتماعی را از بین بردند؛ تا آنجایی که توانستند، تاریخ ملت‌ها را تغییر دادند، زبان‌ها را تغییر دادند، خط آن‌ها را تغییر دادند. هر جا انگلیس‌ها وارد شدند، زبان مردم بومی را تبدیل کردند به انگلیسی؛ اگر زبان رقیبی وجود داشت، آن را از بین بردند.

باطن فرهنگ غربی، سبک زندگی مادی شهوت‌آلود هویت‌زدا و ضد معنویت است. یکی از خصوصیات فرهنگ غربی، عادی‌سازی گناه است؛ گناه‌های جنسی را عادی می‌کنند. امروز این وضعیت در خود غرب به فضاقت کشیده شده؛ اول در انگلیس، بعد هم در بعضی از کشورهای دیگر و آمریکا. این گناه بزرگ همجنس‌بازی، شده یک ارزش! به فلان سیاستمدار اعتراض می‌کنند که چرا او با همجنس‌بازی مخالف است یا با همجنس‌بازها مخالف است! ببینید انحطاط اخلاقی به کجای رسد. این، فرهنگ غربی است. همچنین فروپاشی خانواده، گسترش مشروبات الکلی، گسترش مواد مخدر.



فرهنگ غربی فقط هواپیما و وسایل آسایش زندگی و وسایل سرعت و سهولت نیست؛ اینها ظواهر فرهنگ غربی است، که تعیین کننده نیست؛ باطن فرهنگ غربی عبارت است از همان سبک زندگی مادی شهوت آلودگانه آلوده‌هویت زدا و ضد معنویت و دشمن معنویت. شرط رسیدن به تمدن اسلامی نوین در درجه‌ی اول این است که از تقلید غربی پرهیز شود.

ما متأسفانه در طول سالهای متمادی، یک چیزهایی را عادت کرده ایم تقلید کنیم. بنده طرفدار این نیستم که حالا در مورد لباس، در مورد مسکن، در مورد سایر چیزها، یکبارہ یک حرکت جمعی و عمومی انجام بگیرد؛ نه، این کارها باید به تدریج انجام بگیرد؛ دستوری هم نیست؛ اینها فرهنگ سازی لازم دارد. همان طور که گفتم، کار نخبگان است، کار فرهنگ سازان است و شما جوان‌ها باید خودتان را برای این آماده کنید؛ این، رسالت اصلی است. (همان)

همه‌ی ما در همه‌ی سطوح باید اول از خودمان شروع کنیم. «**مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ أَمَامَا فَلَيْدًا بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ**». (نهج البلاغه، حکمت (۷)؛ این را ما در بسیج جایندازیم. همین بحث سبک زندگی و اسلوب زندگی به حسب نظر اسلام، این در داخل بسیج می‌تواند یک معیار برای خودشناسی باشد. بحث این نیست که دستگاه‌های برتر و بالاتر بیایند ما را عیار بزنند، ببینند چه جوری است، بحث این است که خودمان، خودمان را عیارسنجی کنیم. رفتار ما در محیط کار چگونه است؟ رفتار ما با همسر و فرزند چگونه است؟ رفتار ما در محیط زندگی و محیط اجتماعی چگونه است؟ رفتار ما با زیر دست چگونه است؟ با کسی که بالادست ماست، رفتار ما چگونه است؟ رفتار ما با دوست چگونه است؟ با دشمن چگونه است؟ اینها همه در اسلام اندازه و معیار دارد. خودمان را بسنجیم. این می‌شود عیار خویش را سنجیدن، خود را درست شناختن. اگر از اینجا شروع کردیم، بنیان زندگی ما، بنیان کار ما در همه‌ی بخش‌ها، بخصوص در بسیج، که حالا محل بحث ماست، تقویت خواهد شد. □

(دیدار با جمعی از بسیجیان و فعالان طرح صالحین ۱۳۹۱/۰۹/۰۱)

سبک زندگی

» سرآغاز کلام «

## حیات طیبه و سبک زندگی خانواده اسلامی

تعبیر درباره ی سبک زندگی در دین مبین اسلام اصطلاح « حیات طیبه » در قرآن کریم است. خداوند در قرآن کریم سبک زندگی آرمانی (ایده آل)، راه دست یابی به آن و نیز ثمره ی آن را به زیبایی نشان داده و فرموده است: «مَنْ عَمِلْ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْفَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (نحل/۹۷)؛

جستجوی عباراتی نظیر «style of life» و «style of living» یا ترکیب جدیدتر «Life style» در محیط اینترنت صحت این ادعا را ثابت می نماید. در مقابل، عنوان می شود که مباحث مربوط به سبک زندگی در کشور ما سابقه چندانی ندارد، لکن واقعیت آن است که این مفهوم جزء مفاهیم فراموش شده در ادبیات دینی ما است. گویاترین

بسیاری می پندارند که بحث «سبک زندگی» در کشور ما یک مفهوم وارداتی است و پیش از ما غربی ها به این موضوع و ضرورت بحث پیرامون آن پی برده اند. این مطلب از جهتی صحیح و از جهتی نادرست است. درست است که می گویند، این بحث ابتدا در غرب مطرح شده و تاکنون مطالب زیادی راجع به آن تولید شده است و نتایج



« هر کس کار شایسته ای انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، در حالی که مؤمن است، او را به حیاتی پاک (طیبه) زنده می‌داریم و پاداش آن‌ها را به بهترین اعمالی که انجام می‌دادند، خواهیم داد. »

مطابق آیه فوق، حیات طیبه و زندگی پاکیزه نصیب و بهره کسی است که مؤمنانه در پی انجام عمل صالح است و

صحیفه اعمال خود را از حسنات پرکرده است. چنین کسی به سبب سعی و تلاش خود فرجامی شایسته خواهد داشت. باری! سخن ما در سبک زندگی خانوادگی است و در حقیقت در پی آن هستیم که حیات طیبه خانوادگی را از منظر قرآن کریم شناخته و بشناسانیم و به پرسش‌هایی از این قبیل پاسخ دهیم.

- ◀ سبک زندگی خانواده اسلامی چیست؟
- ◀ هدف یا اهداف زندگی خانواده از منظر اسلام چیست؟
- ◀ ویژگی‌های زندگی خانواده ی اسلامی کدام است و تمایزات آن با سبک‌های دیگر در چیست؟
- ◀ قواعد حقوقی و اخلاقی سبک زندگی خانواده در اسلام کدام است؟
- ◀ و ....

بدیهی است که پاسخ به این پرسش‌ها به تلاشی گسترده و تحقیقی دامنه دار و تألیف رساله‌ای حجیم در حوزه سبک زندگی اسلامی نیازمند است. لکن می‌توان با بهره‌گیری از آیات قرآن کریم و سیره نقلی و عملی اهل بیت - علیهم السلام -، بهترین شیوه ی زندگی را در تمام ابعاد و بطور خاص در خانواده طراحی، تبیین و معرفی نمود. آنچه در این مجموعه گرد آمده،

تنها گزیده‌ای از ادبیات دینی موجود پیرامون شیوه ی اداره ی خانواده و نحوه ی تعامل با همسر، فرزندان، همسایگان و خویشان است.

از این رو متن حاضر ضمن بررسی، نقد و تبیین لزوم دوری جستن از سبک‌های غلط و رویکردهای جدیدی که بر بستر مدرنیته روییده و تماماً ریشه در اندیشه‌های غیر الهی و تفکرو فرهنگ

مدرن غربی دارند که بعضاً نیز به نام اسلام در زندگی مسلمانان باز تولید شده است، با اصل قرار دادن اسلام ناب محمدی - صلوات الله علیه - و ارائه اصول و الگوهای سازنده سبک زندگی خانواده ی اسلامی - ایرانی، در جهت مقابله با جنگ نرم و هجمه ی فرهنگ مدرن غربی و ضرورت تحکیم و تعالی بنیان خانواده، به عنوان مهد تربیت نسل جدید و اساسی‌ترین رکن جامعه با هدف دستیابی به حیاتی طیبه و زندگی پاک خواهد پرداخت. □

**حیات طیبه و زندگی پاکیزه نصیب و بهره کسی است که مؤمنانه در پی انجام عمل صالح است و صحیفه اعمال خود را از حسنات پرکرده است. چنین کسی به سبب سعی و تلاش خود فرجامی شایسته خواهد داشت.**



## بررسی شاخص های سبک زندگی اسلامی و مدرن غربی

مفهوم «سبک زندگی» از جمله مفاهیم علوم اجتماعی و علم جامعه شناسی و مردم شناسی است که اخیراً و در دهه اخیر بسیار مورد توجه عالمان علوم اجتماعی و مدیران فرهنگی قرار گرفته است؛ سبک زندگی معنایی است که از به هم تنیدگی و پیوند و نظام وارگی و شبکه ای بودن عوامل متعددی که در شیوه های زندگی یا اقلیم های زیستن انسان تأثیر می گذارند، به وجود آمده است.

تقریباً در اکثر تعریف های سبک زندگی می توان دو مفهوم را یافت که در تعریف سبک زندگی در نظر گرفته شده است. اول؛ مفهوم وحدت و جامعیت و دوم؛ مفهوم تمایز و تفارق. به این معنی که سبک زندگی حاکی از مجموعه عوامل و عناصری است که کم و بیش به طور نظام مند با هم ارتباط داشته و یک شاکله ی کلی فرهنگی و اجتماعی را پدید می آورند. همین پیوستگی، اتحاد و نظام مندی این کل را از کل های دیگر متمایز می کند. وجود کلماتی همچون الگو، نظام مندی، کلیت، هویت و تمایز در بیانات رهبر فرزانه انقلاب در حوزه سبک زندگی، خود نیز حاکی از همین مطلب است و به همین دلیل است که امروز از دو مدل و الگوی متمایز و متفاوت سبک زندگی اسلامی و غربی سخن می گوییم. واژگان مترادف

سبک زندگی اسلامی؛ سبک زندگی شیعی، ارزشی، ایدئولوژیک، جهادی، انقلابی، دینی و تعبیر معادل سبک زندگی غربی؛ سبک زندگی اروپایی، آمریکایی و وسترنیزه می باشد. اما آن چه در تعریف های سبک زندگی، جلوه گر می شود آن است که این تعریف قرابت بسیاری با مفهوم هویت پیدا می کند. اما با این تفاوت که علاوه بر هویت، مناسبات و رفتارهای عینی و واقعی زندگی را نیز شامل می شود و می توان مثالها و مصداق هایی از زندگی واقعی را شاهد آورد که رهبر معظم انقلاب نیز به بیش از بیست مورد از آنها اشاره فرمودند.

مفهوم سبک زندگی (Life style) از زمره مفاهیمی است که پژوهشگران حوزه جامعه شناسی و مطالعات فرهنگی برای بیان پاره ای از واقعیت های فرهنگی جامعه، آن را مطرح و به کار می برند و دامنه به کارگیری آن در ادبیات علوم اجتماعی و مطالعات فرهنگی رواج زیادی یافته است تا حدی که بعضی معتقدند که این مفهوم قابلیت جانشینی بسیاری از واژگان موجود از جمله مفهوم طبقه را داراست و می تواند به نحو دقیق تری، گویای واقعیت پیچیده رفتارها و حتی نگرش های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی در جامعه امروز ما باشد و حتی برخی اندیشمندان به کارگیری آن به جای مفاهیم فراگیری چون قومیت و ملیت را مطرح کرده اند. سبک زندگی در رشته مطالعات فرهنگی به مجموعه رفتارها، مدلها و الگوهای کنش های هر فرد اطلاق می شود که معطوف به ابعاد هنجاری، رفتاری و معنایی زندگی اجتماعی او باشد و نشان دهنده کم و کیف نظام باورها و کنش ها و واکنش های فرد و جامعه

می باشد. به عبارتی سبک زندگی دلالت بر ماهیت و محتوای روابط، تعاملات و کنش های اشخاص و آحاد مردم در هر جامعه دارد.

حال باید دانست آیا واژه و مفهوم «سبک زندگی» اصطلاح دقیقی در علوم اجتماعی است یا اصطلاحی خاص و ترکیبی از معنای دو واژه «زندگی» و «سبک» است؟ همان گونه که بیان شد شیوه ی زندگی یا سبک زیستن منعکس کننده ی گرایش ها، تمایلات، رفتارها، عقاید و ارزش های یک فرد یا جامعه است که در کنار مجموعه ای از طرز تلقی ها، عادت ها، نگرش ها، سلیقه ها، معیارهای اخلاقی و سطح اقتصادی، طرز زندگی کردن فرد یا گروهی را می سازند. با عنایت به تعریف دقیق چند سال گذشته رهبر حکیم انقلاب که آن را «باورها» و «رفتارهای برخاسته از باورها» عنوان نمودند مشخص می شود که چرا ایشان دو واژه ی «فرهنگ و سبک زندگی» را در کنار هم به کار می برند.

بی شک در گذر تاریخ، مواجهه ی فرهنگ و جامعه ی ایرانی با فرهنگ و نگرش مدرن غربی و مدرن سبب تحول در سبک زندگی ایرانی شده است و یک زندگی شبه مدرن را که بارقه هایی از سنت نیز در آن وجود دارد، برای جامعه ی ایرانی رقم زده است به گونه ای که با چند دقیقه حضور و نظاره در محیط های اجتماعی و شهری این هویت مونتازی را می توان مشاهده کرد.

به واقع از پایان دوره صفویه و مخصوصاً از دوران قاجاریه تا به امروز، مسأله مواجهه با عالمی جدید و ساحتی نوین به نام غرب و مدرنیته، کم کم در ایران رخ نموده است. غالباً این مواجهه، چند جانبه بوده است اما در هر دوره،

وجهی از آن بر وجوه دیگر غلبه داشته است این مواجهه ابتدا به صورت سلطه جغرافیایی بروز یافته، همانند حضور پرتغالی‌ها در جنوب ایران. پس از قوت صفویه، این مواجهه به عرصه کلام و توسط مسیونرهای مسیحی که حاملان پیام غرب نوین و اروپای متجدد و از بنیان‌گذاران اولین مدارس جدید در ایران هستند قدم می‌گذارد. سپس از دوران پس از صفویه تا استقرار قاجار و حتی تا زمانه‌ی تحریم تنباکو، مواجهه کشور ما بیشتر شکل اقتصادی - استعماری به خود گرفت.

از سویی، جنگ‌های ایران و روس و حضور استعماری انگلیس در ایران و منطقه، حکایت از مواجهه نظامی داشت. از اواسط دوره‌ی قاجار، غرب و غرب‌زدگی و مواجهه کشور با این پدیده، شکلی جدید به خود گرفت. این نحوه

مواجهه‌ی جدید، در حوزه‌ی اندیشه و تفکر و علم و فرهنگ بود به گونه‌ای که غرب‌زدگی گسترده‌ی فرهنگی و علمی را پدیدار کرد. بدین سبب طبقه روشنفکران غیر دینی و فراماسونرها در این دوره، آن هم تحت نظارت و حمایت و هدایت انگلیس و روسیه و بعدها آمریکا شکل گرفت. براساس این شیوه‌ی مواجهه است که کم‌کم سبک زندگی ایرانی دستخوش تغییرات می‌شود؛ تغییراتی که هرچه زمان جلوتر می‌رفت نه تنها سرعت آن سریع‌تر می‌گردید بلکه واکنش آگاهان، روشنفکران دینی، خواص

سیاسی و علما را نیز باعث می‌گشت.

این در حالی بود که سبک زندگی سنتی - دینی مردم که با مایه‌ها و جوهره‌ی شیعی و گرایش‌های اهل بیتی از استحکام دیرینه و پشتوانه‌ای قوی برخوردار بود، جامعه ایرانی را برآن داشت تا چاره‌ای بیاندیشد که چگونه نه این را وانهد و نه آن را رد نماید. پرسشی که هنوز در دوران گذار برای پاسخ به آن هستیم و به سؤال «چه باید کرد» در برابر هجوم اندیشه مدرن غربی، تاکنون صدها پاسخ داده شده است.

هر چند همگان معتقدند که جوهره‌ی شیعی و اسلامی مردم و جوانان ایران اسلامی، لیبرالیزه نمی‌شوند، اما نباید این واقعیت را نادیده انگاشت که سبک زندگی جامعه اسلامی ایران در صد سال اخیر دچار تحولات عمیق و ریشه‌داری شده است و همواره مسأله‌ی تماس، برخورد، پذیرش، طرد،

مقابله و یا همزیستی میان فرهنگ سنتی - اسلامی و ایرانی و ورود فرهنگ غربی و اروپایی که حامل تجدد و مدرنیته به معنای دقیق کلمه است، مطرح بوده و هنوز هم این موضوع در قلب تحولات فکری فرهنگی جامعه قرار دارد. این مسأله برای آگاهان و خواص، آشکار و برای عموم مردم، مسأله رایج و مبتلاهی است که عامه مردم نسبت به آن تا کنون غفلت معرفتی داشته و رهبر گرانقدر انقلاب همواره در رهنمودهای گهربارشان اهتمام ویژه‌ای به غفلت‌زدایی در این ساحت نموده‌اند.



## ■ سبک زندگی اسلامی ایرانی در مواجهه با غرب مدرن

دیگر به نفی مدرنیته و نقد آن روی آوردند. البته هیچ کدام از ایشان به راهکار و راهبردی در خور برای این دوران گذار، دست نیافتند و به مقام پرسش و انتقاد اکتفا کردند.

تاریخ و سنت اسلامی ایرانی ما سودایی دیگر و نگاهی متفاوت و معترض نسبت به غرب دارد. مشکل این است که در عصر حاضر، تاریخ غربی تمام تاریخ بشر را پوشانده و در همه جا درباره گذشته بشر به طور کلی با موازین غربی حکم می شود. اکنون در نگاه غربزدگان عالم دو بخش وجود دارد؛ یک بخش متجدد و یک بخش درگیر شده با سودای تجدد.

متأسفانه جامعه ایرانی علی رغم مقاومت های آگاهانه روحانیت اصیل و مردم دین مدار، با بسیاری

از سنن خویش و امور هویتی و اشکال و قالب های سبک زندگی دینی اش وداع کرد و عرصه را برای غرب زدگی فراهم نمود که منجر به تعریف جدیدی از هویت، زندگی، عالم، علم، دین و دینداری گشت.

باید این نظریه انتقادی رهبر شجاع انقلاب را درک کنیم که مواجهه ی تمدن ایرانی اسلامی با فرهنگ و تمدن غرب که امروزه بر تمام جهان سیطره یافته است، سبب تحولات بسیاری در تمام شئون جامعه ایرانی شد و «چرا» هایی که ایشان مطرح می کنند نیاز به ریشه یابی معرفتی دارد.

غرب مدرن مبتنی بر تفکری فلسفی، فرهنگی پدید آمد که در آن انسان جای خدا را می گیرد و به صورت موجودی صاحب علم و اراده و قدرت و در جایگاه تشریع ظاهر می گردد و همه چیز را در تصرف و تملک خود

در می آورد. غرب مدرن آن چنان که بسیاری از متفکران غربی نیز به آن اذعان کرده اند، کوشیده است تاریخی جدید با نگرش و هویتی جدید را برای نسل انسان رقم زند. امثال نیچه، هایدگر، هانری کربن، رنه گنون، شوان و فوکو هر کدام به نحوی به این تعارض اشاره داشته اند. در مقابل، جامعه ایرانی یک جامعه ی دین دار، دین محور و خدامحور است و در آن پای بندی به دین و سنت تا حدود زیادی یافت می شود. از این رو با ورود نگرش ها و اندیشه های غربی و جلوه های مدرنیته توسط افرادی

چون میرزا ملکم خان، میرزا آقاخان کرمانی و آخوندزاده که از پیشروان آشنایی با تجدد بودند، این تضاد و چالش بین این دو فرهنگ کاملاً متفاوت، بروز پیدا کرد آنچنان که هنوز این چالش ادامه دارد.

عده ای که به جریان روشنفکری غیر دینی شهرت یافته اند با نام پیشرفت و توسعه و نفی عقب ماندگی تاریخی سعی در القای اندیشه های غربی و تجدد حاصل از رشد و گسترش بینش غربی بودند. عده ای دیگر کوشیدند راه های میانه را مطرح کنند و عده ای

غرب مدرن مبتنی بر تفکری فلسفی، فرهنگی پدید آمد که در آن انسان جای خدا را می گیرد و به صورت موجودی صاحب علم و اراده و قدرت و در جایگاه تشریع ظاهر می گردد و همه چیز را در تصرف و تملک خود در می آورد. غرب مدرن آن چنان که بسیاری از متفکران غربی نیز به آن اذعان کرده اند، کوشیده است تاریخی جدید با نگرش و هویتی جدید را برای نسل انسان رقم زند.

این تفکر مرکزی، سبب پدیدار شدن هنر و ادبیات مدرن (رمانتیسم، کلاسیسیسم، رئالیسم، ناتورالیسم، اکسپرسیونیسم، کوبیزم و دادائیسم)، علم مدرن (آمپریسم، ساینتیسم، نگرش تکنیکی و...)، دین مدرن (پوزیتیویسم و دین پراگمات و...)، نظام سیاسی و شهروندی مدرن (ماکیاولیسم و سکولاریسم و شهروندی به جای مفهوم اخوت و برادری)، نظام اقتصادی مدرن (بورژوازی و سوسیالیسم و...)، تفکر مدرن (سوپرکتیویسم، پوزیتیویسم منطقی و...) و نظام اجتماعی مدرن (طبقات اجتماعی مدرن همچون طبقه متوسط و بورژوا، بسط فردیت اجتماعی و...) گردید. تمامی این ها سبب شدند که سبک زندگی بشر زیست کننده در بستر مدرنیسم دگرگون شود و با سبک زندگی پیشین خود و همچنین با سبک زندگی سنتی و دینی فاصله بگیرد. در اینجا لازم است منظور از واژه سنت را بیان نمود.

سنت در ساده ترین تعریفش به امور متعلق به گذشته تعبیر شده است. آن گاه که یک فرهنگ تاریخی می شود و درون مایه ها و بن مایه های یک تمدن می گردد، تاریخی شدن آن فرهنگ و آن تمدن، سبب پدیداری سنت به شمار می آیند. سنت را باید یک کلان فرهنگ تاریخی دانست که به انسان و زمانه اش هویت می بخشد. سنت اسلامی از منظر ما از سرچشمه ی وحی و قرآن و نهج البلاغه و روایات سیراب می شود و امری است قدسی و آسمانی و ملکوتی که مرزهای شفاف و روشنی با خرافه گرایی و تحجر دارد.

به لطف حاکمیت فرهنگ ائمه معصومین بخش عظیمی از تاریخ ما و همچنین فرهنگ جاری ما، متأثر از دین و برآمده از دین است و دین شکل دهنده و پدیدار

جامعه ایرانی همان طور که در برخی هویت و ارزش ها، دچار بحران شده است، در سبک زندگی نیز در ۱۰۰ ساله ی اخیر به ویژه از دوران روی کار آمدن رضاخان و تجدد آمرانه اش، دچار تشتت و تردید بسیار در نگرش ها و گرایش ها، آداب و رسوم، نظامات و سنن اجتماعی، باورها و حتی باورهای دینی خود گشته و سبک زندگی اسلامی ایرانی دچار تضادها و تناقض های بسیار شده است، به نحوی که از جامعه ما یک جامعه شبه مدرن ساخته است که نه می توان آن را سنتی و اسلامی نامید و نه می توان بر آن نام مدرن نهاد. باید از این تردید هویتی نگران بود. نگرانی که در کلام انتقادی ولی امر مسلمین کاملاً قابل درک است.

رهبر انقلاب اسلامی می کوشند تا این فرضیه کلان را اثبات نمایند که زیستن ایرانی در زمانه کنونی، برآمده از مواجهه و نزاع دو سبک زندگی غربی و اسلامی است.

## ■ زمینه های فلسفی و فکری سبک زندگی غربی

تجدد و مدرنیسم یک گفتمان فلسفی و تاریخی است که آغاز آن را باید در عصر رنسانس یعنی قرن های ۱۵ و ۱۶ سراغ گرفت. این گفتمان تاریخی سبب تحول در تمام ساحت های تفکر و زیستن بشر غربی گردید و تاکنون نیز این تحول، هم در جغرافیای کشورهای غربی و هم در عالم شرق، ادامه دارد. هسته و دال مرکزی این مفهوم را می توان مفاهیم در هم تنیده خودبنیادی تفکر بشر، انسان گرایی (اومانیسم و هیومنیسم)، قدسیت زدایی و تقدس زدایی ماده گرا (ماتریالیسم)، تکنیک زدگی افراطی، غیب ستیزی و شریعت ستیزی و وحی ستیزی و متن گریزی دانست.

کننده ی سنت خاص در جامعه ایران بوده است. ضعف آشکار بسیاری از پژوهش ها و تحلیل ها پیرامون سبک زندگی، غفلت از جایگاه دین اسلام و مکتب شیعه در سنت و تاریخ و هویت جامعه ایرانی است، به نظر می رسد به این دلیل در منشور ارائه شده از سوی مقام معظم رهبری تمامی مؤلفه های سبک زندگی اعم از: هویت (فهم از خود، فهم از جامعه، فهم از تاریخ و...)، ارزش ها (هم صفات آرمانی و هم انسان های آرمانی)، معماری شهری و خانگی، نظام آموزش، زبان و ادبیات، هنر، خانواده (نظام و نقش)، روابط اجتماعی، ساختار اجتماعی، دین داری فردی و اجتماعی، نظام اقتصادی فردی و خانواده، نظام تغذیه و طب فردی و خانواده، رسانه، تکنولوژی، نحوه نگرش به عالم، نگرش به نظام سیاسی، اجتماعی با مباحث دینی و اسلامی پیوند خورده است.

عادات و سبک زندگی دینی مردم، امر مهمی است و امروز اندیشمندان غربی هم از شیوه زندگی غربی دفاع نمی کنند و آراستگی به فضائل انسانی و زندگی پرهیزکارانه نیز در نظر همه کس شرط کمال و صورتی از آن است. پس یکی از مشکلات جامعه ما مقایسه و انتخاب میان دو صورت و شیوه زندگی نیست، بلکه در شرایط امکان تحقق آن هاست. برای پاسخ به سؤالات رهبر معظم انقلاب باید به این فرضیه نیز توجه جدی کرد که شیوه زندگی غربی در پناه قدرت تکنیک پدید آمده و در سراسر روی زمین بسط یافته است. بنابراین حکمرانی این قدرت ها اقتضای شیوه زندگی خاص دارد. شیوه ای که برگرفته از اصول، مبانی و الگوهای مبتنی بر دین مداری است. به گونه ای که در آن، تغییر در ظواهر حیات همراه با تغییر در باطن آن باشد. زیرا هیچ گاه ظاهر حیات، جدا و منفک از باطن آن نبوده است، آیا این همه سفارش به عمل

صالح که جلوه ظاهری حیات مؤمن و به مثابه اولین قدم طهارت باطن و نفس است، چیزی جز معنای یگانگی این دو را می رساند؟ بنابراین در کنار پرداختن به ظاهر سبک زندگی باید به سراغ جان (اخلاق و افکار) انسان رفت و آن جا را احیا کرد که اگر چنین شد، سبک زندگی دینی نیز احیا خواهد شد.

تقوی که اولین و آخرین توصیه تمام انبیاء و ائمه - علیهم السلام - و اولیاء الهی بوده است، در مراتب عالیه که سرشار از وجوه معنوی و باطنی است، باز هم با عمل و زندگی تنیده است و پر واضح است که حتی همان وجوه باطنی نیز، پایی در فکر ما و پایی در ذکر ما دارند. این جاست که یکی از کلیدی ترین درس های سبک زندگی از نهج البلاغه امیرالمؤمنین - علیه السلام - استنباط می شود؛ توصیه همزمان و همردیف به رعایت تقوا و نظم، تجلی این معناست که نظم در زندگی و رعایت نظامات اسلامی از تقوا و پرهیزگاری منشأ می یابد و به دیگر تعبیر، نظم ظاهری از تقوای باطنی می آید. حال در مقوله ی تحلیل سبک زندگی شیعی و اسلامی، آیا حرفی بهتر از فرمایش مولا علی - علیه السلام - سراغ دارید؟ توقع تحول رحمانی در نفسانیت نفس اماره که حیات روزمره اش در گرو تعلقات شیطانی است توقعی بیجاست! انبیاء جان ابناء بشر را متعبد درگاه احدیت نموده اند، اما این تعبد نفس، مگر جز با عمل آغاز شده است؟ این ظاهر و باطن است که با هم تحول می پذیرند و بر هم اثر می گذارند؛ بنابراین سودای تحول سبک زندگی انسان نتیجه ای جز تغییر نسبت های نفسانی او در بر نخواهد داشت و صد البته چون جان انسان متوجه امری گردد فعل او تجلی گاه آن خواهد شد. □



# ترسیم الگوی خانواده اسلامی ایرانی

## ضرورت سبک‌گزینی و احیا اصول زندگی دینی

بتوان در رفتار وی مشاهده کرد. به عبارت دیگر، کسی شایسته الگو شدن است که تجسم قرآن کریم باشد و همانا این شخصیت بی همتا، رسول گرامی اسلام - صلی ... علیه و آله - است. او که به فرموده قرآن کریم صاحب خلق عظیم است: «وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ» (قلم/۴) رسول گرامی اسلام و خاندان مطهرش قرآن مجسم هستند. شخصی به نام «سعد بن هشام» روایت کرده است: «به دیدار همسر پیامبر رفتم

الگو را معرفی و فرموده است: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا» (احزاب / ۲۱)؛ «مسلماً برای شما در زندگی رسول خدا سرمشق نیکویی بود، برای آن‌ها که امید به رحمت خدا و روز رستاخیز دارند و خدا را بسیار یاد می‌کنند.»

از نظر اسلام بهترین الگو - بلکه الگوی منحصر - کسی است که کامل و بی نقص باشد و تجلی احکام الهی را

بی گمان برای عامه مردم مقدور نیست که برای انتخاب بهترین روش زندگی خود به مطالعه پرداخته و در تک تک موارد پس از تحقیق و مقایسه، گزینه مطلوب را انتخاب کنند. به همین دلیل اغلب اشخاص در پی آنند تا الگویی برای خود برگزینند و رفتار خود را با وی تطبیق دهند. دنیا در پی الگوسازی و الگوآفرینی است؛ لکن ما مسلمانان نیاز به الگوسازی نداریم، چراکه از بهترین الگوها برخورداریم. قرآن کریم بهترین

و از اخلاق رسول خدا - صلی ... علیه و آله - پرسیدم او گفت آیا قرآن نمی خوانی؟ گفتم چرا. گفت اخلاق رسول خدا - صلی ... علیه و آله - قرآنی است. « بنابراین، ما برای طراحی و تبیین سبک زندگی خانوادگی به سیره ی عملی پیامبر مهربان اسلام رجوع می کنیم، زیرا خدای حیات آفرین فرمود: «... مَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا...»؛ (حشر/۷) آنچه را رسول خدا برای شما آورده بگیرید (و اجرا کنید) و از آنچه نهی کرده خودداری نمایید». سیره ی اهل بیت پیامبر نیز نمونه ی عملی حیات طیبه و سبک زندگی است، زیرا به شهادت قرآن کریم آنان از مقام عصمت برخوردار هستند:

«... إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا»؛ (احزاب / ۳۳) «همانا خداوند می خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد». با نگرش عقیدتی یاد شده، نگارندگان این شماره از فصلنامه کوشیده اند تا بایسته های سبک زندگی خانوادگی را از قرآن کریم استخراج و با استفاده از سیره و رویه ی اهل بیت - علیهم السلام -، آن را به صورت روان و کاربردی تدوین و تقدیم خوانندگان نماید.

نخستین سنگ بنای نهاد مقدس خانواده، با پیوند زن و شوهر گزارد می شود و در نتیجه، اولین مسئولیت نیز از همین پیوند و رابطه شکل می گیرد. زن و شوهر به محض پیوند مشترک، مسئولیت هایی برایشان به وجود می آید که اگر به درستی عمل کنند، محیط خانواده و در نتیجه اجتماع، یکپارچه لبریز صفا و صمیمیت می شود و رنگ معنویت به خود می گیرد.

مقصود از همسر داری، مفهوم عام آن یعنی زن داری و شوهر داری است؛ بنابراین، محتوای این نوشتار، منشوری



برای همه زن و شوهرها، به ویژه برای زوجین جوانی است که تازه تشکیل خانواده داده و در این وادی فاقد تجربه هستند. بنابراین لازم دیده شد پیش از ورود به اصل بحث و تبیین اصول مورد نظر، به طور مختصر بعضی نکات پیرامون ارزش همسر و اهمیت همسر داری بیان گردد.

## ارزش همسر

اسلام برای ازدواج و همسر قداست و منزلت خاصی قائل شده است. تأمل در بعضی آیات قرآن کریم درستی این مطلب را اثبات می نماید. در بعضی آیات از پیوند ازدواج به «پیمان محکم» یاد شده است. در بعضی آیات دیگر، آفرینش همسر برای انسان «آیه» خدای متعال خوانده شده است. همچنین در بعضی آیات دیگر از همسر خوب به «نور چشم» و «نعمت خداوند» یاد شده است. زیرا انسان در کنار همسر خوب به نعمت های با ارزشی دست پیدامی کند

۱. « قال سعد بن هشام: دخلت علی عایشه، فسألتهما عن اخلاق رسول الله صلى الله عليه و آله.

فقالت: إما تقرأ القرآن؟ قلت: بلى، قالت: خلق رسول الله صلى الله عليه و آله القرآن »

سید محمد حسین طباطبائی، سنن النبی ؛ (موسسه نشر اسلامی)، ۱۲۶.

روشن است که اوصاف و کارکردهایی که برای همسر بیان گردید منحصرأ مربوط به همسر خوب، صالح و آشنا به فنون و اصول همسرداری است. چنین همسری است که نمی توان قدر و قیمت وی را تعیین کرد، زیرا همسر بد تنها انسان را آزار می دهد و آرامش وی را سلب می کند. از امام صادق - علیه السلام - روایت شده است که فرمودند: « برای زن خوب و بد قدر و منزلتی نیست. اما همسر خوب، پس ارزش وی طلا و نقره نیست؛ زیرا ارزش او از طلا و نقره بیشتر است. اما همسر بد، پس ارزش وی خاک نیست؛ زیرا خاک بهتر از او است».

روایت فوق اگر چه درباره زن است، لکن در این جهت تفاوتی میان زن و مرد نیست و دانایان می دانند که شوهر خوب و بد نیز قابل ارزش گذاری نیست.

## □ اهمیت همسرداری

شکی نیست که برخی صفات اشخاص ناشی از وراثت یا تربیت خانوادگی است و تغییر آنها دشوار است. از این رو لازم است در مرحله همسرگزینی یا همسریابی دقت زیادی صورت گیرد. لکن بسیاری از مشکلات و تنش های خانوادگی از طریق « فراگیری» و « بکارگیری» فنون، اصول و مهارت های همسرداری مرتفع می گردد. گرچه « فراگیری» این فنون آسان است، ولی « بکارگیری» آن نیاز به عزم و اراده جدی و تلاش مستمر دارد. به همین دلیل از همسرداری در روایات ما به جهاد تعبیر شده است که در ادامه به تفصیل بیان خواهد شد. تشبیه همسرداری به جهاد در راه خدا مبین دو نکته مهم است؛ نخست آنکه همسرداری کاری بسیار مقدس و با

که غیر از همسر، هیچ کس و هیچ چیز نمی تواند آن ها را به انسان اعطا نماید. در ادامه به برخی موارد مهم این نعمت ها اشاره می شود:

**الف.** همسر آرامش دهنده است. به همین دلیل از منزل به اعتبار وجود همسر به « مسکن» تعبیر می شود؛ زیرا مسکن به معنای محل سکون و آرامش است.

**ب.** همسر نیازهای عاطفی و جنسی آدمی را بطور مشروع تأمین می کند و وجود همسر خوب برای انسان آرامش بخش است.

**ج.** همسر کانون و معدن مهر و محبت است و نیاز انسان به دوست داشتن و محبوب واقع شدن را تأمین و تضمین می نماید.

**د.** همسر میل انسان به بقای نسلی متمایز را تضمین می نماید.

به خاطر کارکردهای فوق، « همسر» آفریده ی عزیز خدا و « خانواده» به خاطر وجود وی، یک نهاد بی بدیل و بی نظیر است.



ارزش و در ردیف جهاد فی سبیل الله است. نکته دوم آن است که همسررداری کاری دشوار و مستلزم آگاهی از فنون و مهارت های لازم است. کسی که بدون آگاهی از فنون همسررداری، تشکیل خانواده می دهد، مانند سربازی است که بدون آمادگی و آموزش وارد میدان جهاد می شود و روشن است که شکست می خورد. چنین شخصی یا مجبور به متارکه می شود و یا از روی ناچاری زندگی پر از رنج و زحمت را تحمل می کند و در حقیقت نوعی جدایی خاموش را تجربه می نماید.

از آنچه گذشت ضرورت فراگیری و بکارگیری فنون و اصول همسررداری آشکار می گردد. این نوشتار مختصر، می کوشد تا اصول مهم همسررداری را با تکیه بر آیات قرآن کریم به خوانندگان عزیز، به ویژه زوجین جوان بیاموزد و البته از ذکر بعضی روایات نیز برای تبیین اصول فوق دریغ نخواهد کرد. با اطمینان باید گفت که پایبندی زوجین به اصولی که ذکر می شود، زندگی پر از نشاط و صمیمیت را به ارمغان خواهد آورد. زیرا آنچه بیان می گردد مستند به وحی الهی و روایات نورانی اهل بیت - علیهم السلام - است.

## ■ اصول قرآنی همسررداری

قرآن کریم اصولی را بیان می کند که رعایت آن موجب تقویت و تحکیم پیوندهای خانوادگی و در نهایت کسب سعادت اخروی می شود. عالمان فن تعلیم و تربیت و روانشناسان و مشاوران خانواده بر اساس مطالعات و تجربیات خود اصولی را به زوجین می آموزند که در جای خود باید مورد توجه قرار گیرد، لکن این نوشتار به دلایلی تنها اصولی را ذکر می نماید که مستند به آیات قرآن کریم باشد. نخست آنکه بنای این نوشتار بر اختصار و گزیده گویی است

تا مطالعه ی آن بدون صرف زمان طولانی مقدور باشد. دیگر آنکه اصولی که ذکر می شود از سوی آفریدگار انسان و خالق زن و مرد بیان گردیده است. آن کس که این دو را آفریده است، بهتر از هر کس می داند که آنها چگونه باید با یکدیگر تعامل نمایند. به همین دلیل زوجین می توانند با اطمینان کامل اصول قرآنی همسررداری را مورد توجه و عمل قرار دهند.

## ۱. اصل آرامش بخشی

یکی از اصول مهم همسررداری در قرآن کریم اصل آرامش بخشی است. اصلی که اساسا علت آفرینش همسر بوده و فلسفه ازدواج نیز دست یابی به آن است. قرآن کریم رابطه و نقش تکمیلی زن و مرد در چارچوب نهاد خانواده را مایه سکون و آرامش طرفین در فضایی آکنده از مودت و مهربانی

بر می شمارد:

«وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (روم/۲۱)؛ «و از نشانه های او این است که همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید و در میانتان مودت و رحمت قرار داد. در این نشانه هایی است برای گروهی که تفکر می کنند».



بعضی اشخاص می پندارند آرامش تنها با آسایش به دست می آید؛ به همین دلیل از آرامش خود هزینه می کنند تا به آسایش برسند. غافل از اینکه گم شده ی بشر آرامش است. هیچ کسی منکر نیاز انسان به آسایش نیست، لکن آسایش مقدمه ای برای رسیدن به آرامش است. قرآن کریم راه های رسیدن به آرامش را نشان داده که از جمله این راه ها یاد خداوند است :

« الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ » (رعد/۲۸)؛  
 « آن ها کسانی هستند که ایمان آورده اند و دل هایشان به یاد خدا مطمئن (و آرام) است. آگاه باشید، با یاد خدا دل ها آرامش می یابد. مفسران نوشته اند، مقصود از اطمینان در آیه ی فوق همان سکون و آرامش است. (طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۶، ص ۲۴۹)؛ عجیب است که

قرآن کریم افزون بر یاد خدا، همسر را نیز آرامش بخش نامیده است. تعبیر « لَتَسْكُنُوا إِلَيْهَا » در آیه مذکور، مبین همین معنی می باشد. همچنین در سوره مبارکه اعراف تعبیر دیگری از آرامش بخشی همسر ذکر شده و در آن آمده است:

« هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا... » (اعراف / ۱۸۹)؛ « او خدایی است که (همه ی) شما



را از یک فرد آفرید و همسرش را نیز از جنس او قرار داد، تا در کنار او بیاساید.» انسان نیازهای متنوعی دارد که برخی از آن ها جسمی و بعضی دیگر روحی است. نیاز انسان به امنیت، امید، احترام، محبت و امور جنسی از این جمله اند. آرامش نیز یکی از مهم ترین این نیازها به شمار می آید که نقش همسر در تأمین آن ها چشم گیر و بی نظیر است. بی پاسخ ماندن این نیازها اضطراب، ناامیدی و افسردگی را به دنبال دارد که در این خصوص به روایاتی اشاره می شود. امام علی - علیه السلام - درباره حضرت زهرا - سلام...علیها - فرمود: « من هرگاه به فاطمه نگاه می کردم، غم و غصه هایم زائل می گردید: « وَ لَقَدْ كُنْتُ أَنْظُرُ إِلَيْهَا فَتَنَكِّشِفَ عَنِّي الْهُمُومُ وَ الْأَحْزَانُ ». (علی بن

عیسی اربلی، کشف الغمه، ج ۱، ص ۳۶۲)  
 همچنین امام صادق - علیه السلام - از رسول خدا - صلی... علیه و آله - نقل کرده است که فرمود:  
 « مَا اسْتَفَادَ امْرُؤٌ مُسْلِمٌ فَاِنْدَهُ بَعْدَ الْإِسْلَامِ أَفْضَلَ مِنْ زَوْجَةٍ مُسْلِمَةٍ تَسْرُهُ إِذَا نَظَرَ إِلَيْهَا ». (کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۳۲۷)؛ « مرد مسلمان بعد از اسلام از هیچ چیز بیش از همسر مسلمانی که وقتی به او نگاه می کند شاد شود بهره نمی برد. »  
 عقربه قطب نما بی تاب و بی قرار است و تا زمانی که همسو با قطب نشود، آرام نمی گیرد و این کار هنگامی رخ می دهد که در محیطی آرام و ساکن قرارگیرد؛ اگر نه قطب نمایی که بر زمینی مرتعش یا در دستانی لرزان باشد، هرگز عقربه ی آن آرام و قرار نمی یابد. انسان نیز درست شبیه همان عقربه می ماند، بی قرار و ناآرام است مگر آنکه با خداوند همسو و هم جهت شود و این امکان پذیر نیست جز آنکه در فضایی آرام قرارگیرد و خداوند زوجین را آفرید تا مایه ی آرامش یکدیگر باشند.



## ۲. اصل مهرورزی

مهرورزی در روابط میان همسران یک اصل مهم و یک نیاز ضروری است. مقصود از مهرورزی دوست داشتن و به طور خاص آشکارسازی دوستی ها است. خدای متعال میان زوجین محبت ایجاد کرده است. این مطلب در بخش پایانی سوره مبارکه روم ذکر شده است: «...وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (روم/۲۱) ؛ «و خداوند میان شما (همسران) مودّت و رحمت قرار داد؛ در این نشانه هایی است برای گروهی که تفکر می کنند». مفسران درباره تفاوت مفهومی دو واژه «مودّت» و «رحمت» نوشته اند، مودّت به معنای محبتی است که اثرش در مقام عمل ظاهر باشد؛ و رحمت به معنای نوعی تأثر نفسانی است که از مشاهده محرومیت محرومی که کمالی را ندارد و محتاج به رفع نقص است، در دل پدید می آید و صاحب دل را وادار می کند تا در مقام عمل برآید و او را از محرومیت نجات داده و نقصش را رفع کند. (طباطبایی، المیزان، ج ۱۶، ص ۱۶۶)، بدین ترتیب می توان گفت رحمت؛ مهر قلبی است و مودّت؛ اثری است که در

نتیجه آن بر زبان یا رفتار ظاهر می شود. با توجه به مفهوم دو واژه یاد شده، مودّت و رحمت مجعول خداوند در روابط همسران است. نکته قابل توجه آن است که مطابق آنچه پیش از این ذکر شد، فلسفه آفرینش همسر برای انسان نیل به آرامش است.

روشن است که آرامش در روابط همسران بدون مودت و رحمت به دست نخواهد آمد. به همین دلیل خدای متعال نعمتش را کامل کرده و مودت و رحمت را نیز ایجاد کرده است. بنابراین، نیازی نیست همسران در ایجاد محبت بکوشند؛ بلکه آنان باید بیاموزند و بکوشند این نعمت خدایی را حفظ نمایند و از هر چه آن را کم رنگ و به نفرت تبدیل می کند اجتناب نمایند.

اگر زن و شوهر به یکدیگر مهر ورزند، خانه به محیطی امن، آرام و مناسب برای رشد و کمال خود و فرزندان تبدیل خواهد شد. همه ی دستورهایی که اسلام درباره ی چگونگی صدا کردن یکدیگر، سلام کردن، پیشواز و بدرقه رفتن، خداحافظی کردن، غذای خوب پختن، ایراد نگرفتن از کارهای یکدیگر، تمیزی و نظافت، زینت و خودآرایی، سپاس و قدردانی از یکدیگر، عیب پوشی، تبسم و خوش رویی، خوش زبانی و مسائل دیگری از این قبیل به ما آموخته است، به منظور ایجاد محبت و تحکیم روابط خانوادگی است. امام صادق - علیه السلام - در سخنی زیبا فرمود: «کوشش در زیاد کردن محبت به همسر، در حقیقت کوشش برای افزودن مراتب ایمانی است». حتی تأکید شده است که این محبت را اظهار کنید و بر زبان آورید، دراین صورت است که هرگز از یادشان نمی رود. (مکارم الاخلاق، ص ۵۰)

در این راستا مصاحبه ی فرضی که پیش روی شماست، برداشت ها و برش هایی از فرمایشات و سیره ی خانوادگی دو «پیر مهر» و «واقف بر سر عشق» حضرت امام روح الله (ره) و همسر گرامی شان می باشد که قول و سیره ی زندگی ایشان بهترین الگو و راهنما برای زندگی سعادتمندانه و گرما بخش کانون پر مهر و محبت خانواده هایمان می باشد.



نگاهی بر سیره‌ی خانوادگی  
حضرت امام خمینی (ره)

کتابخانه  
ایمان

## ↪ حضرت امام خمینی (ره):

### ■ منظور از کفویت در ازدواج چه می باشد؟

کفو و هم شأن هرکسی آن است که از نظر معنوی و اعتقادی با او در یک سطح باشد، یا حداقل تفاوت کمتری داشته باشد. انسانی که شیفته ی علم است، کفو او کسی است که به علم احترام گذارد و طلب علم را دوست داشته باشد و از یک خانواده ی علمی و روحانی باشد؛ خانواده ها باید هم مسلک باشند، سنخیت داشته باشند و مؤمن و متعهد باشند.

### ■ به نظر شما مراسم عقد و عروسی چگونه باید باشد؟ خیلی مختصر و معمولی و به دور از تجملات باشد.<sup>۱</sup>

### ■ چه نصیحتی به آقا داماد ها و عروس خانم هایی که در شرف ازدواج هستند، می فرمایید؟

سعی کنید با هم رفیق باشید. اگر مرد هستی و در بیرون از خانه مسأله داری، وقتی به خانه می آیی ناراحتی هایت را پشت در بگذار و سعی کن با لطف و مهربانی داخل خانه شوی. (عروس خانم) تو هم ممکن است در خانه خیلی کار کرده و خسته باشی ولی نباید خستگی خودت را به شوهرت منتقل کنی. به استقبالش برو و زندگی گرمی را برای خودتان درست کنید.<sup>۲</sup>

### ■ نظر حضرت عالی در مورد مقدار مهریه چه می باشد؟ دختر حتماً باید مهریه داشته باشد. اگر کسی برای عقد نزد می آمد و مهریه را مثلاً یک جلد کلام الله مجید ذکر می کرد، قبول می کردم ولی می گفتم که چیزی را به عنوان مهریه تعیین کنند. در مورد تعیین مهریه نیز باید به عرف توجه کرد. به حد دختر، خانواده اش و ملاکی که آنان در نظر دارند، توجه کرد.

### ■ در مورد کار زن در خانه چه توصیه ای به فرزندانان می فرمایید؟

پسرها نباید از زنانشان انتظار کاری داشته باشند و اگر آن ها کار کردند، در واقع در حقشان محبت کرده اند. البته به دخترها نیز توصیه می کنم که کار کنند.

### ■ به نظر شما، شریف ترین شغل در عالم، چه می باشد؟ شریف ترین شغل در عالم، بزرگ کردن یک بچه و تحویل دادن یک انسان به جامعه است. در طول تاریخ از آدم تا خاتم، انبیاء آمدند که انسان درست کنند.

### ■ به نظر حضرت عالی در تربیت فرزند نقش پدر پررنگ تر است یا مادر؟ چرا؟ مسلماً نقش مادر در خانه و تربیت فرزند بسیار تعیین کننده است؛ «اگر کسی بتواند یک نفر را تربیت کند، خدمت بزرگی به جامعه کرده است.

در تربیت فرزند از مرد کاری برنمی آید و این کار بر دوش مادر نهاده شده است؛ چون عاطفه زن بیش تر است و قوام خانواده هم باید براساس محبت و عاطفه باشد. بنابراین اگر مادرها محیط خانواده را یک محیط اسلامی سرشار از محبت کنند، بچه ها نیز خوب بار می آیند.<sup>۳</sup>

### ■ آیا جنابعالی همسران را در نگهداری از کودکانان یاری می کردید؟

بله، شب ها را که فرصتی برای نگهداری بچه ها داشتم، تقسیم کرده بودم. یعنی مثلاً دو ساعت من بچه را ساکت می کردم و خانم می خوابیدند و بعد دو ساعت می خوابیدم و خانم بچه را نگه می داشتند.

### ■ چه کنیم که شوهرانمان (مانند شما) به ما این همه علاقه مند باشند؟

اگر شما هم (مانند خانم) آنقدر فداکاری کنید، همسرانان هم تا آخر همین قدر به شما علاقه خواهند داشت.

### ■ آیا با فرزندانان بازی هم می کردید؟

بعد از تمام شدن درس، ساعتی را به بازی با بچه ها می پرداختم و به این ترتیب در کار تربیت بچه ها به همسر کمک می کردم.

۱. روزنامه ایران، شماره ۱۳۴۳، زهرا مصطفوی

۲. (همان)

۳. سخنرانی در جمع دانشجویان دختر دانشگاه دماوند «خطر اختلاف ها - نسل آینده» ج ۸، ص ۳۶۳

## ❖ خانم ثقفی؛ همسر امام خمینی (ره):



❖ خواسته ی همسران در روزهای آغازین زندگی مشترکتان چه بود؟

در همان اوایل زندگی، حضرت امام به من گفت من در کارهای شخصی تو دخالت نمی کنم. به هر صورت که میل داری لباس بخر و بپوش ... اما آنچه از تو می خواهم این است که واجبات را انجام دهی و از معصیت و گناه بپرهیزی.

❖ امام (ره) جهت حفظ احتراماتان با چه لفظی شما را خطاب می کردند؟  
« خانم » خطاب می کرد.

❖ آیا تا به حال حضرت امام اسائه ادبی به شما کرده اند؟

حضرت امام به من خیلی احترام می گذاشتند و خیلی به من اهمیت می دادند. (به طور مثال تا وقتی سر سفره غذا حاضر نمی شدم، امام دست به غذای خود نمی زد و منتظر آمدنم می ماند. بچه ها نیز از این رفتار پدر درس می گرفتند و به احترام مادر، دست به غذا نمی بردند تا اینکه سرسفره حاضر شوم ). امام حتی در اوج عصبانیت هرگز بی احترامی و اسائه ادب نمی کردند.

❖ نظر شریفان درباره مسائل اعتقادی و تربیت فرزندانمان چه می باشد؟

تربیت ها باید از اول کودکی باشد. از همان کودکی، انسان تحت تربیت قرار بگیرد... همه ی انسان ها با فطرت الهی متولد می شوند و تربیت صحیح مادر و پدر، شخصیت فرزندان را شکل می دهد. کودکان باید تا هفت سالگی آزاد باشند و شیطنت و بازی کنند و تربیت در سنین زیر هفت سال نباید محدود کننده باشد. اما از هفت سالگی به بعد، لازم است که والدین فرزندان را در مواقع لزوم محدود نمایند و فرزندان را با واجبات دین اسلام به ویژه نماز آشنا کنند. البته با سخت گیری و اجبار فرزندان به انجام فرایض دینی مخالفم. مثلاً تنها زمانی فرزندان را برای خواندن نماز صبح بیدار می کردم که آن ها خود از قبل از من این را می خواستند.

❖ صداقت در خانواده چه جایگاهی دارد؟

الگوی بچه، پدر و مادر هستند. اگر با بچه درست رفتار کنید، بچه ها درست بار می آیند. هر حرفی را که به بچه زدید خود ابتدا به آن عمل کنید ❖

پیامبر مهربان اسلام صلی ... علیه و آله فرمودند:

« قَوْلُ الرَّجُلِ لِلْمَرْأَةِ إِنِّي أَحِبُّكَ لَا يَذْهَبُ مِنْ قَلْبِهَا أَبَدًا »

سخن مرد که به همسرش می گوید:

« من تو را دوست دارم هرگز از قلبش نمی رود. »

(کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۵۶۹)



## ■ آیا امام خمینی هیچ گونه توقعی برای انجام کارهای منزل از شما داشتند؟

از آنجا که اسلام، انجام کارهای خانه مثل آشپزی، شستشو و غیره را بر زن واجب نکرده است، هیچ گونه توقعی برای انجام کارهای منزل از من نداشتند؛ امام می گفتند: زن اگر خودش دلش خواست در منزل کار کند ولی مرد حق ندارد بگوید این کار را بکن! یا مثلاً شام درست کن!

(امام) در طول زندگی هیچ گاه حتی یک لیوان آب نیز از من نخواست و همواره خودش برای خوردن آب به آشپزخانه می رفت. درحالی که امام خود برای من و فرزندان آب می آورد و به ما تقدیم می کرد. همیشه در اتاق، جای بهتر را به من تعارف می کردند. دوست نداشتند من در خانه کارکنم و همیشه به دختران و کارگری که بود سفارش می کردند که آن ها کارها را انجام دهند.

## ■ آیا علاقه به شما را نزد فرزندان، اظهار می کرد؟<sup>۱</sup>

## ■ برای احترام به شما، چه سفارشی به فرزندان می کردند؟

با توجه به این که احترام به مادر بسیار مهم است، به آن ها سفارش می کرد که برای مادرشان هدیه ای بخرند.

## ■ از نظر اخلاقی، چه سفارشی به بچه ها و شما داشتند؟ تذکر می دادند که مواظب اخلاق و سیرت خود باشید. خودتان را نگیرید و تکبر نکنید.<sup>۲</sup>



۱. همسر حضرت امام، پا به پای آفتاب، ج ۱، ص ۹۷

۲. سیره امام خمینی، ج ۱؛ پرتوی خورشید / مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)

« باسمه تعالی »

تصدقت شوم؛ الهی قربانت بروم، در این مدت که مبتلای به جدایی از آن نور چشم عزیز و قوت قلبم گردیدم متذکر شما هستم و صورت زیبایت در آینه قلبم منقوش است.

عزیزم، امیدوارم خداوند شما را به سلامت و خوشی در پناه خودش حفظ کند. [حال] من با هر شدتی باشد می‌گذرد ولی به حمدالله تاکنون هرچه پیش آمد خوش بوده و الان در شهر زیبای بیروت هستم. حقیقتاً جای شما خالی است. فقط برای تماشای شهر و دریا خیلی منظره خوش دارد. صد حیف که محبوب عزیزم همراهم نیست که این منظره عالی به دل بچسبد... ایام عمر و عزت مستدام. تصدقت. قربانت؛ روح‌الله(خمینی).

« نامه حضرت امام خمینی (رض) به همسر گرامی شان، صحیفه امام، ج ۱، ص ۲ »



### ۳. اصل سازگاری

آدمیان با یکدیگر تفاوت دارند و اگر بنا باشد با یکدیگر زندگی مشترک داشته باشند، مدارا و سازگاری، یک ضرورت است. این مطلب در مورد زن و شوهر اهمیت بیشتری دارد، زیرا به دلیلی که قبلاً بیان گردید، رابطه آنان با یکدیگر فراتر از ارتباط دو همسایه، همکار و یا دوست است. فقدان اصل مدارا و سازگاری در رابطه میان زن و شوهر، زندگی را بر آنان سخت و غیرقابل تحمل خواهد ساخت. سازگاری در حقیقت از لوازم اصل خطاپوشی است که به عنوان اصل هفتم مورد توجه قرار خواهد گرفت. در ادامه، روایاتی درباره لزوم مدارا با همسر به طور جداگانه ذکر خواهد شد.

۱) امام علی - علیه السلام - در وصیت خود به فرزندش محمد حنفیه درباره مدارای شوهر با همسر فرمود: «...الْمَرْأَةُ رِيحَانَةٌ وَ لَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ فَدَارِهَا عَلَى كُلِّ حَالٍ وَ أَحْسِنِ الصُّحْبَةَ لَهَا لِيُصْفَوْ عَيْشُكَ». (شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۵۵۶)

« زن چون گلی خوشبو است و قهرمان نیست، پس در هر حال با او مدارا کن و با او معاشرت نیکو داشته باش تا زندگیت با صفا گردد».



از روایت فوق استفاده می شود که صفای زندگی در گرو مدارا و سازگاری پیوسته با همسر است.

۲) در قسمتی از حدیث معروف به حدیث نواهی پیامبر اسلام - صلی ... علیه و آله - درباره مدارای زن با شوهر آمده است: «...أَلَا وَ أَيُّمَا امْرَأَةٍ لَمْ تَرْفُقْ بِرُؤُوسِهَا وَ حَمَلَتَهُ عَلَى مَا لَا يَقْدِرُ عَلَيْهِ وَ مَا لَا يَطِيقُ لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ مِنْهَا حَسَنَةً وَ تَلَقَّى اللَّهُ عِزًّا وَ جَلًّا وَ هُوَ عَلَيْهَا غَضَبَانٌ». (همان، ج ۴، ص ۱۵)

« هر زنی که با شوهر مدارا نکند و او را به کاری وادار نماید که بر آن توان و طاقت ندارد، خدای متعال از او حسنه ای را نمی پذیرد و خدا را در حالی ملاقات می کند که بر او غضب کرده است».

۳) صبح یکی از روزها، امام علی - علیه السلام - از همسرش حضرت فاطمه - سلام ... علیها - برای رفع گرسنگی خود غذایی طلب کرد. آن حضرت گفت: « خود دو روز است که چیزی نخورده ام و هر چه در خانه بود برای شما و فرزندان آورده ام».

امام علی - علیه السلام - فرمود: چرا مرا مطلع نکردی تا غذایی تهیه کنم. حضرت زهرا - سلام ... علیها - پاسخ داد: «يَا أَبَا الْحَسَنِ إِنِّي لَأَسْتَخِي مِنْ إِلَهِي أَنْ أَكْلَفَ نَفْسَكَ مَا لَا تَقْدِرُ عَلَيْهِ» (محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۶۰)

« ای پدر حسن، من از خدای خود شرم می کنم چیزی از تو

#### امام علی علیه السلام

« زن چون گلی خوشبو است و قهرمان نیست، پس در هر حال با او مدارا کن و با او معاشرت نیکو داشته باش تا زندگیت با صفا گردد».

بخواهم که انجام آن برای تو دشوار باشد». بنابراین، کم کردن توقعات و اولویت گذاری نیازها به تناسب توان مالی شوهر بسیاری از مشکلات را مرتفع می سازد.

## ۴. اصل خشونت زدایی

مقصود از خشونت در روابط همسران عبارت است از هرگونه رفتار خشن که موجب آسیب شده و یا با احتمال آسیب جسمی یا روانی همراه گردد. مبتنی بر این تعریف، خشونت ممکن است جسمی و روحی یا گفتاری و رفتاری باشد. اسلام دین رحمت و پیامبر عزیز اسلام رسول مهربانی است. با این وجود، وجود خشونت در جامعه اسلامی تعجب برانگیز و در روابط خانوادگی عجیب تر است، زیرا اساس خانواده بر محبت و مودت است و نوع ارتباط میان اعضای خانواده عاطفی است. در این مختصر، تقبیح انواع خشونت خانوادگی در قرآن و روایات مورد توجه قرار می گیرد.

**الف) نفی خشونت گفتاری:** کم ترین درجه خشونت، سخنان ناروا در حریم مقدس خانواده است که قرآن کریم آن را هم تقبیح کرده است. در آیه دوم سوره مبارکه مجادله برای مردی که همسر خود را ظهار می کند کفاره سنگینی پیش بینی گردیده است. مطابق نقل بعضی منابع، این آیه و آیات بعدی آن درباره «اوس بن ثابت» و همسرش «خوله بنت ثعلبه انصاری» نازل شده است. «خوله» در نماز بود و پس از نماز، شوهرش از وی تقاضایی را مطرح کرد ولی وی از اجابت خواسته ی شوهر امتناع کرد. «اوس» که زود خشمگین می شد، بر او غضب کرد و به او گفت: «أَنْتَ عَلَيَّ كَظْهَرِ أُمِّي» یعنی «تو بر من مانند مادرم هستی». در پی این واقعه همسر اوس نزد پیامبر آمد

و از ایشان یاری خواست. آیات اولیه سوره مبارکه مجادله در ارتباط با این ماجرا نازل گردید. در آیه نخست این سوره آمده است: «خداوند سخن زنی را که در باره شوهرش به تو مراجعه کرده بود و به خداوند شکایت می کرد شنید. خداوند گفتگوی شما را با هم می شنود و خداوند شنوا و بینا است». در آیه دوم نیز آمده است: «الَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِنْكُم مِّنْ نِّسَائِهِمْ مَا هُنَّ أُمَّهَاتِهِمْ إِنْ أُمَّهُاتِهِمْ إِلَّا اللَّائِي وَلَدْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَيَقُولُونَ مُنْكَرًا مِنَ الْقَوْلِ وَ زُورًا وَإِنَّ اللَّهَ لَعَفُوٌ غَفُورٌ».

«کسانی از شما که همسرشان را ظهار می کنند، آنان هرگز مادرانشان نیستند. مادرانشان تنها کسانی اند که آن ها را به دنیا آورده اند. آن ها سخنی زشت و باطل می گویند و خداوند بخشنده و آمرزنده است».

«منکر» قول یا فعلی است که عقل سلیم آن را قبیح و ناپسند می داند (حسین بن محمد راغب اصفهانی، مفردات ألفاظ القرآن، ص ۸۲۳) و «زور» به معنی دروغ یا قول باطل و منحرف از حق است. (همان، ص ۳۸۶) بنابراین، از نظر قرآن کریم، سخن مرد در تشبیه همسر به مادر، زشت و منحرف از حق است. کفاره چنین گفتار ناپسندی نیز در آیات ۳ و ۴ بیان گردیده و آن اینکه قبل از هر گونه تماس جنسی، برده ای یا آزاد نموده یا شصت روز، روزه بگیرد و یا شصت فقیر را اطعام نماید.

در روایات منقول از اهل بیت - علیهم السلام - نیز خشونت گفتاری در حریم خانواده تقبیح گردیده و نهی شده است. جابر بن عبد الله انصاری از رسول خدا - صلی الله علیه و آله - نقل کرده است که آن حضرت فرمود: «بدترین مردانتان را به شما خبرندهم؟» گفتیم: «چرا یا رسول الله» فرمود: «أَلَا أَخْبِرُكُمْ بِشَرِّ رِجَالِكُمْ قُلْنَا بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ إِنْ مِنْ شَرِّ رِجَالِكُمُ الْبُهَاتُ الْجَرِيءُ الْفَحَّاشُ الْإِكِلُ وَحَدَّةُ الْوَمَانِعِ رَفْدَةٌ

۱. «لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَّحِيمٌ» (توبه / ۱۲۸)

۲. از نظر فقهی این جمله همان ظهار است. اگر کسی این جمله را خطاب به همسرش بگوید همسرش بر وی حرام می گردد تا کفاره بدهد و همسرش مجدداً بر وی حلال گردد.

و الضَّارِبَ عَبْدَهُ وَ الْمُلْجِیَّ عِيَالَهُ إِلَى غَيْرِهِ» (محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۲۹۲)؛ « بدترین مردان شما، تهمت زننده بی باک فحاشی است که تنها بخورد و از بخشش دریغ کند و بنده اش را بزند و عیالش را به دیگران پناه دهد».

و مطابق ترجمه بعضی منابع، مقصود از تنها خوردن در روایت فوق « الْأَكْلَ وَحْدَهُ » این است که مردی اهل مهمانی دادن نباشد. (اصول کافی، ترجمه محمدباقر کمره ای، ج ۵، ص ۱۷۴) ولی به نظر می رسد که به تناسب مضمون روایت شریف، مقصود از آن مردی باشد که بدون حضور همسر غذا می خورد. مانند بعضی مردان که همسر خود را رها کرده و مکرراً به تنهایی یا با دوستان خود به سفر و تفریح می روند. همچنین در ترجمه عبارت « الْمُلْجِیَّ عِيَالَهُ إِلَى غَيْرِهِ » نوشته اند: « یعنی نسبت به مخارج و حوائج همسر کوتاهی کند تا وی مجبور شود به دیگران پناه برد». (همان)؛ معنای این بخش حدیث شریف نیز می تواند فراتر از معنی مذکور و شامل مردی شود که همسرش به خاطر بدزبانی و تندمزاجی او، به دیگران پناه می برد.

در قسمتی از حدیث مناهی رسول گرامی اسلام - صلی ... علیه و آله - آمده است:

«أَيُّمَا امْرَأَةٍ آذَنْتَ زَوْجَهَا بِلِسَانِهَا لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ مِنْهَا صِرَافًا وَلَا عَدْلًا وَلَا حَسَنَةً مِنْ عَمَلِهَا حَتَّى تَرْضِيَهُ وَإِنْ صَامَتْ نَهَارَهَا وَ قَامَتْ لَيْلَهَا وَ اعْتَقَتِ الرِّقَابَ وَ حَمَلَتْ عَلَى جِيَادِ الْخَيْلِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ كَانَتْ فِي أَوَّلِ مَنْ تَرَدَّ النَّارَ وَ كَذَلِكَ الرَّجُلُ إِذَا كَانَ لَهَا ظَالِمًا...»

(محمد بن حسن حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۲۱۱)

« هر زنی که با زبان، شوهرش را بیازارد، خداوند از او نه توبه و نه کفاره و نه عمل خیر دیگری را نپذیرد تا آنکه شوهر را راضی کند، اگر چه روزها را روزه گیرد و شب ها را به عبادت پردازد، برده ها در راه خدا آزاد کند و سوارانی در راه حق به جبهه ها یا مرزهای مسلمین فرستد، او اوّل کسی باشد

که به آتش داخل شود و همچنین است اگر مرد به زوجه اش ستم کند».

نکته قابل توجه حدیث فوق در بخش پایانی آن است: « شوهری که همسرش را به زبان بیازارد همین مجازات را دارد »؛ « وَكَذَلِكَ الرَّجُلُ ». بنابراین، تقبیح خشونت گفتاری در حدیث، مشترک میان زن و شوهر است.

مناسب است به روایتی از امام علی - علیه السلام - در خصوص روابطش با حضرت زهرا - سلام ... علیها - اشاره شود که فرمود:

« وَ اللَّهُ مَا أَغْضَبْتُهَا وَ لَا أَكْرَهُتُهَا عَلَى أَمْرٍ حَتَّى قَبِضَهَا اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ لَا أَغْضَبْتَنِي وَ لَا عَصَتْ لِي أَمْرًا »؛ (علی بن عیسی اربلی، کشف الغمه، ج ۱، ص ۳۶۳) « به خدا سوگند که من فاطمه را خشمگین نکردم و او را به کاری وادار نکردم تا اینکه خدایش وی را نزد خود برد و او نیز مرا عصبانی نکرد و مرا نافرمانی نکرد».

**ب) خشونت رفتاری؛** بدیهی است که خشونت رفتاری از نظر اسلام قبیح بیشتری نسبت به خشونت گفتاری دارد و به طریق اولی ممنوع است. در اینجا به روایتی از رسول خدا - صلی ... علیه و آله - اشاره می شود که فرمود: « إِنِّي أَتَعَجَّبُ مِمَّنْ يَضْرِبُ امْرَأَتَهُ وَ هُوَ بِالضَّرْبِ أَوْلَى مِنْهَا لَا تَضْرِبُوا نِسَاءَكُمْ بِالْخَشَبِ فَإِنَّ فِيهِ الْقِصَاصَ...» (میرزا حسین نوری طبرسی، مستدرک الوسائل، جلد ۱۴، ص ۲۵۰)

« همانا من تعجب می کنم از کسی که همسرش را می زند و حال آنکه خود وی به تنبیه سزاوارتر است. همسران را با چوب نزنید، زیرا در آن قصاص است».

همچنین آن حضرت فرمود: « هر مردی که به همسرش سیلی بزند، خدای متعال مالک خازن آتش جهنم را فرمان می دهد که در آتش جهنم هفتاد سیلی به صورت او بزند». (همان)

## تکنیک های مقابله با عصبانیت

### ◀ درمان موقت

- ۱- تلقین آثار شوم خشم: مرتب به خود تلقین نماییم که غضب، دنیا و آخرت انسان را به باد فنا داده و ما را در معرض آتش خشم خدا قرار می دهد، غضب عمر را می کاهد.
- ۲- مداومت بر ذکر شریف «اعوذ بالله من الشیطان الرجیم» (المحجۃ البیضاء، ج ۵، ص ۳۰۷)
- ۳- تمسک به ذکر شریف «لا حول و لا قوه الا بالله العلی العظیم» (مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۱۵)
- ۴- فرستان صلوات بر پیامبر اکرم - صلی ... علیه و آله - (همان)
- ۵- سجده کردن: به درگاه خداوند بی همتا سجده کرده و از آن قدرت بی مثال برای فروکش کردن این آتش شیطانی یاری بجوییم. (المحجۃ البیضاء، ج ۵ ص ۳۰۸)
- ۶- تغییر حالت دادن: در روایات دلنشین معصومین - صلوات ... علیهم اجمعین - وارد شده که شخص عصبانی اگر نشسته، بایستد و اگر ایستاده، بنشیند و صورت از آن صحنه برگرداند یا دراز بکشد و یا از محل دور شود و خود را به کار دیگری مشغول سازد. (وسائل الشیعه، کتاب جهاد النفس، حدیث ۵۳۶)
- ۷- تماس بدنی از طریق لمس: این نوع از درمان مربوط به خویشاوندان محرمی است که انسان نسبت به آن ها خشمگین شده است. در این روش آمده که بر بدن شخصی که شما از او به خشم آمده اید دست بزنید و بدن او را لمس نمایید، چرا که از این طریق خشم شما فروکش می نماید و آرام می گیرید. (بحارالانوار، ج ۷۰ ص ۲۷۲)
- ۸- وضوء گرفتن و غسل کردن: شستن دست و صورت و

رساندن آب بر بدن در خاموش نمودن آتش خشم مؤثر است و در این میان، وضوگرفتن و غسل کردن نقش مؤثرتری دارد. (همان)

هنگامی که یک ظرف آب بر روی آتش است و می جوشد، کافی است یک استکان آب سرد به آن اضافه کنی، از جوش می افتد. من و تو هم اگر آتش خشم به سراغ مان آمد و به جوش آمدید، کافی است کمی آب سرد بر سر و صورت خود زنیم؛ بی شک خشم ما فروکش خواهد کرد و این سخن پیامبر - صلی ... علیه و آله - است که فرموده است: «هرگاه عصبانی و خشمگین شدید، قدری آب به سر و صورت خود بزنید».

### ◀ درمان قطعی

این نوع از درمان بستگی به شناخت اسبابی دارد که قوه ی غضب را تحریک می کند که از طریق شناسایی این اسباب



می توان آن ها را ریشه کن کرد و برای همیشه این آتش برخاسته از جان را خاموش نمود. در ادامه به ذکر این اسباب پرداخته می شود:

### الف - حب نفس (خود پسندی)

حب نفس ریشه ی بسیاری از صفات زشت و ناپسند در انسان است و در واقع چون بذری مسموم می باشد که در زمین قلب آدمی کاشته شده و محصولی ندارد جز

میوه ی تلخ مال دوستی، جاه طلبی، تکبر و غرور و ...

انسان خود پسند، بیماری است سرطانی، که غده ی مهلک حب نفس را در کالبد وجودش به همراه دارد، او هر چه سریعتر باید نسبت به ریشه کن نمایی آن اقدام نماید در غیر این صورت سرطان تمام وجودش را گرفته و در نهایت به هلاکت روح ایمانی او می انجامد. چنین انسانی به

شدت برای مقام و منزلت پوشالی و ساختگی خود ارزش قائل است و لذا طبیعی است که برای مال و ثروت و علم و مقام نیز به همین اندازه ارزش قائل باشد، زیرا او مقام و منزلت و بزرگی خود را مرهون همین امور می داند و لذا اگر موقعیت امور یاد شده به خطر بیفتد با جان و دل و با تمام قوا از آن ها دفاع می نماید و به هنگام دفاع به طور غریزی و قهری، قوه ی غضبش شروع به فعالیت نموده و او را تبدیل به یک فرد خشمگین و عصبانی می نماید.

بنابراین بر هر مؤمن خدا باوری لازم و ضروری است که به منظور حفظ ایمان و رهایی از آثار ویرانگر خشم، برای همیشه پا بر روی خواسته ی دل نهاده و حب نفس را از خانه ی قلب خویش بیرون نماید.

### ب - تلقی نمودن عصبانیت به عنوان شجاعت

عده ای در اثر جهل و نادانی عصبانیت را جوانمردی و شجاعت می دانند و از خشم و غضبی که از خود به

نمایش می گذارند تعریف و تمجید می نمایند و همیشه سعی در حفظ این حالت حیوانی دارند، در حالی که میان این دو، تفاوت اساسی وجود دارد. غضب نشانه ی ضعف ایمان و عقیده است بر خلاف شجاعت که نشانه ی قوت ایمان و عقیده است؛ غضب از صفات بسیار زشت شیطانی است که انسان را از درجه ی انسانیت ساقط و او را در زمره ی حیوانات وحشی و درنده قرار می دهد، در حالی که شجاعت از صفات پسندیده بوده و آدمی را به درجه ی والای انسانیت می رساند.

حالی که شجاعت از صفات پسندیده بوده و آدمی را به درجه ی والای انسانیت می رساند؛ انسان غضبناک چون دیوانه ها، چراغ عقلش خاموش گشته و بدون ملاحظه ی عواقب کار افعال زشت و غیر انسانی از او صادر می شود، در حالی که شخص شجاع کارهایش بر اساس عقل است و به هنگام غضب کاملاً بر خود مسلط بوده و به هیچ وجه از خود افعال زشت و ناپسند صادر نمی کند.

## ۵. اصل خلوت گزینی

از دیدگاه علم روان شناسی، این حقیقت ثابت شده است که تماشای صحنه های تحریک آمیز جنسی، تأثیر ویرانگری بر نوجوانان و کودکان دارد و تا پایان زندگی با آنان می ماند و آن ها را دچار عقده های روانی و انحرافات جنسی می سازد. قرآن برای رعایت بهداشت روانی جامعه، حفظ سلامتی روح و اعصاب نونهالان و برای پیش گیری از آفت های روانی، رهنمودهای ارزشمندی ارائه کرده است. از جمله خطاب به مؤمنان آمده است: «کودکانتان که به حد بلوغ نرسیده اند، در سه وقت باید از شما اجازه بگیرند». (نور/۵۸) این اوقات سه گانه عبارتند از:

- ۱) « مِنْ قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ »؛ پیش از نماز صبح
- ۲) « وَ حِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِنَ الظَّهِيرَةِ »؛ نیم روز هنگامی که لباس های معمولی خود را از تن بیرون می آورید.
- ۳) « وَ مِنْ بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ »؛ بعد از نماز عشا

در ادامه آیه و پس از ذکر اوقات فوق چنین آمده است: «...ثَلَاثَ عَوْرَاتٍ لَكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَهُنَّ طَوَافُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ...». «این سه وقت خصوصی برای شما است؛ اما بعد از این سه وقت، گناهی بر شما و بر آنان نیست (که بدون اذن وارد شوند) و برگرد یکدیگر بگردید».

واژه «عورات» جمع «عورة» به چیزی اطلاق می شود که باید پنهان بماند و آشکار شدن آن موجب شرم است. (سیدعلی اکبر قرشی، قاموس قرآن، ج ۵، ص ۶۸) و دیگران نباید بر آن اطلاع و اشراف داشته باشند. (سید محمد حسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۵، ص ۱۶) از آیه فوق نکات فراوانی استنباط

می گردد که ما در اینجا به بعضی نکات مرتبط با بحث اشاره خواهیم کرد:

۱) از لزوم استیذان یا اجازه خواستن فهمیده می شود که محل خواب والدین باید جدا و دور از چشم فرزندان باشد. این امر یک ضرورت است؛ زیرا کودکان نباید شاهد روابط جنسی والدین باشند چرا که این امر عوارض تربیتی زیادی به دنبال خواهد داشت.

۲) از آیه فوق فهمیده می شود که زوجین باید در طول شبانه روز، حداقل سه وقت را برای یکدیگر اختصاص دهند. دلیل این دستور آن است که شرم و حیا از حضور فرزندان، مانع از نزدیک شدن زوجین به یکدیگر و برقراری تعاملات جنسی و عاطفی خواهد شد.

۳) تعبیر «تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ» می فهماند که پوشش زوجین در خلوت باید متفاوت از پوشش آن ها در صحن عمومی خانه باشد. یکی از دلایل خلوت گزینی نیز همین مطلب است.

آیه مذکور درباره لزوم استیذان کودکان نابالغ است و آیه بعدی نظیر این دستور را درباره فرزندان بالغ بیان نموده است. خداوند در آیه ۵۹ سوره مبارکه نور فرموده است:

«وَ إِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمُ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَأْذِنُوا كَمَا اسْتَأْذَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ».

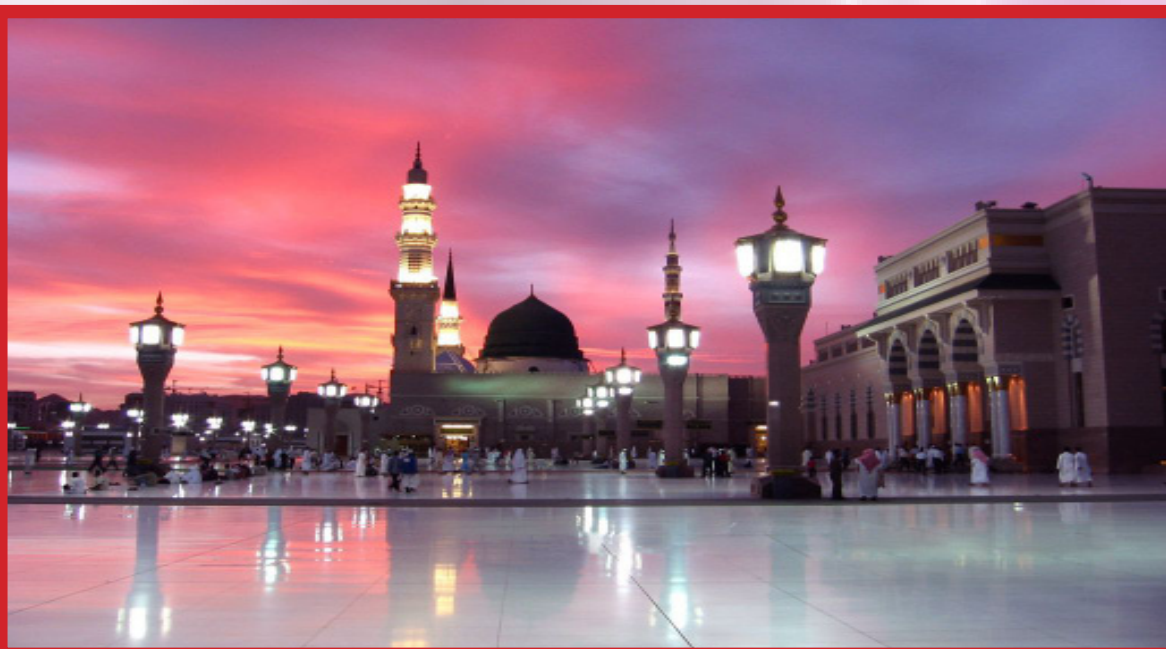
«و هنگامی که اطفال شما به سن بلوغ رسند باید اجازه بگیرند، همان گونه که اشخاصی که پیش از آنان بودند اجازه می گرفتند...». در پایان هر دو آیه، خدای متعال به صفات «علیم» و «حکیم» توصیف شده است. این اوصاف مبین آن است که این احکام عالمانه و حکیمانه است و نباید آن را کم اهمیت تلقی کرد.

بدین ترتیب، از آیات فوق لزوم با هم بودن زن و شوهر در اوقاتی از شبانه روز استنباط می گردد. □

## « تا به حال در مسجد پیامبر اعتکاف کرده ای؟ »

مطابق روایتی از امام رضا - علیه السلام -، توجه زیاد به همسر از اخلاق پیامبران است: «مِنْ أَخْلَاقِ الْأَنْبِيَاءِ... كَثْرَةُ الطَّرِيقَةِ» (همان). واژه «طروقه» به دو شکل ضبط شده است: اگر به فتح طاء (طروقه) باشد به معنای کثرت همسران است و البته بعید است مراد امام - علیه السلام - در روایت فوق این معنی باشد. اما اگر به ضم طاء (طروقه) باشد، به معنی توجه زیاد به همسر است. (محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۶۲، ص ۵) در این صورت، این جمله حضرت رضا - علیه السلام - با روایتی از پیامبر عظیم الشأن اسلام - صلی الله علیه و آله - هماهنگ است که فرمود: «در پیشگاه خداوند تعالی، نشستن مرد در کنار همسر خود، از اعتکاف در این مسجد من محبوب تر است». متن روایت چنین است: «جُلُوسُ الْمَرْءِ عِنْدَ عِيَالِهِ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى مِنْ إِعْتِكَافٍ فِي مَسْجِدِي هَذَا». (ورام بن ابی فراس، مجموعه ورام، ج ۲، ص ۱۲۱)

روشن است که تحقق مطلب فوق تا حدود زیادی به رفتار زن بستگی دارد؛ زیرا زن باید محیط خانه و رفتار و گفتار خود را به گونه ای تنظیم کند که تمایل شوهر برای با او بودن افزایش پیدا نماید. درغیراین صورت، ممکن است شوهر، بودن با سایرین را بر حضور در خانه و نزد همسر ترجیح دهد. □



## ۶. اصل آراستگی

انسان به اقتضای فطرت، جویای پاکیزگی، زیبایی و آراستگی است، از ژولیدگی، پلیدی، پلشتی و پریشانی نفرت دارد. از آنجا که دین مقدس اسلام منطبق بر این فطرت الهی است، به پیروانش دستور می‌دهد تا همواره مظاهر زشتی و پلیدی و بوهای بد و نفرت‌انگیز را از خود و محیط زندگی خویش دور سازند و خود را به ویژه هنگام برخورد با دیگران زینت کنند و با ظاهری آراسته و زیبا در معرض دید هم‌نوعان خود ظاهر شوند. آراستگی همسران در محیط خانواده و در خلوت هایشان یک ضرورت دیگر است. منظور از آراستگی آن است که زن و شوهر در روابط خود با یکدیگر، به تناسب محیط عمومی خانه و خلوت‌های خود، بهداشت، زیبایی، خوش پوشی و خوش بویی را رعایت نمایند و از هر آنچه که نفرت می‌آورد فاصله بگیرند؛ و البته این اصل در باره زنان و مردان مفهوم خاصی پیدا می‌کند. قرآن کریم تصریح می‌کند که زنان باید زیور و زینت خود را بر همگان به جز همسرانشان بپوشانند: «لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ» (نور/ ۳۱)

متأسفانه در جامعه ما گاهی عکس این حالت دیده می‌شود؛ یعنی برخی زنان نزد مردان بیگانه با ظاهری آراسته و با زینت و زیور خودنمایی می‌کنند؛ ولی چون به خانه و نزد شوهران خود باز می‌گردند، آن‌ها را از خود جدا می‌سازند. این درست است که آنان به طور طبیعی به زیور و زینت تمایل دارند،<sup>۱</sup> لکن باید این میل طبیعی را مدیریت نمایند. در غیر این صورت، هم حدود الهی را نقض کرده‌اند و هم به روابط زناشویی خود آسیب وارد می‌کنند. روایات متعددی درباره اصل آراستگی در روابط

همسران وارد شده است که در مورد شوهران و همسران بطور جداگانه بیان می‌شود.

(۱) آراستگی زن برای شوهر: وظیفه مهم زن نسبت به شوهر آن است که نزد وی آراسته باشد. رعایت این اصل تأثیر زیادی در تقویت پیوند زناشویی دارد. در مقابل، بی‌توجهی به آن موجب می‌گردد شوهر به محرک‌های جنسی پیرامون خود توجه نشان داده و تأثیر بپذیرد. زنی نزد پیامبر - صلی‌الله‌علیه‌وآله - آمد و عرض کرد: یا رسول الله، حق شوهر بر زن چیست؟ آن حضرت فرمود: «عَلَيْهَا أَنْ تَطَيَّبَ بِطَيِّبٍ طَبِيبًا وَ تَلْبَسَ أَحْسَنَ ثِيَابِهَا وَ تَزَيِّنَ بِأَحْسَنِ زِينَتِهَا وَ تَعْرِضَ نَفْسَهَا عَلَيْهِ غُدُوَّةً وَ عَشِيَّةً». (محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۵۰۸)؛ «بر او است که خود را به خوشبوترین‌ها معطر نماید و زیباترین لباس‌های خود را بپوشد و به بهترین زینت‌ها خود را مزین نماید و خود را صبح و شام به شوهر عرضه کند».

مقصود رسول گرامی اسلام ظاهراً این نیست که زن در شبانه روز دو بار (صبح و شب) با چنین وضعیتی در مقابل شوهر ظاهر شود؛ بلکه منظور آن است که نزد او زیبا، معطر و مزین باشد و چون خدمت کاران با سر و وضع نامناسب نزد او نباشد. رسول خدا - صلی‌الله‌علیه‌وآله - فرمود: «...إِنَّ خَيْرَ نِسَائِكُمْ... الْمُتَبَرِّجَةُ مَعَ زَوْجِهَا». (همان، ص ۳۲۴) «بهترین زنان شما کسانی هستند که نزد شوهر جلوه‌گری نموده و متبرج باشند».

همچنین، از امام باقر - علیه‌السلام - روایت شده است که فرمود: «لَا يَنْبَغِي لِلْمَرْأَةِ أَنْ تُعْطَلَ نَفْسُهَا وَ لَوْ تَعَلَّقَتْ فِي عُنُقِهَا قِلَادَةً وَ لَا يَنْبَغِي أَنْ تَدَعَ يَدَهَا مِنَ الْخُضَابِ وَ لَوْ تَمَسَّخَهَا مَسْحًا بِالْحَنَاءِ وَ إِنْ كَانَتْ مُسِنَّةً». (همان، ص ۵۰۹) «برای زن سزاوار نیست که

خود را معطل نماید ولو به آویختن گردنبندی به گردن؛ و سزاوار نیست خضاب دستان خود را رها نماید، حتی اگر سال خورده باشد».

مطابق روایتی دیگر، رسول خدا - صلی الله علیه و آله - مردان را به کوتاه کردن ناخن های خود توصیه نموده ولی درباره زنان فرمود: «لِلرِّجَالِ قُصُوءُ أَظْفَارِهِمْ وَلِلنِّسَاءِ اِتْرَاكُنَّ مِنْ أَظْفَارِهِنَّ فَإِنَّهُ أَرْيَنُ»؛ (محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۱۲۳)؛ «زنان ناخن بعضی انگشتان خود را کوتاه نکنند، زیرا برای آنان زیباتر است».

۲) آراستگی شوهر برای زن: نباید تصوّر کرد که تنها زن وظیفه دارد خود را برای شوهر بیاراید. بلکه این از حقوق زن است که شوهر او به گونه ای که او دوست دارد نزد او ظاهر گردد. حسن بن جهم می گوید: امام رضا علیه السلام - را دیدم که خضاب کرده بود. پرسیدم: فدای شما گردم، آیا خضاب کرده اید؟ امام فرمود: «إِنَّ التَّهْنِئَةَ مِمَّا يَزِيدُ فِي عِفَّةِ النِّسَاءِ وَلَقَدْ تَرَكَ النِّسَاءُ الْعِفَّةَ بَتَرَكِ أَزْوَاجِهِنَّ التَّهْنِئَةَ» (همان، ص ۵۶۷)، «آری؛ زیرا آراستگی مردان موجب تقویت عفت زنان می گردد. همانا اگروهی از زنان، عفت را رها کرده اند به خاطر آنکه شوهران آنان آراستگی را ترک کرده اند».

در ادامه امام از راوی پرسید: آیا تو خوش داری که همسرت را به همان شکلی ببینی که تو را در حال ژولیدگی و عدم رسیدگی به سر و وضع می بیند؟ راوی گفت: خیر. امام فرمود: همسرت نیز خوش ندارد تو را در حال ژولیدگی ببیند. همچنین، امام فرمود: «مِنْ أَخْلَاقِ الْأَنْبِيَاءِ التَّنَظُّفُ وَ

التَّطَيُّبُ وَحَلَقُ الشَّعْرِ...» (همان)

«از اخلاق پیامبران نظافت، خوشبویی و کوتاه کردن مو است».

مطابق روایت دیگر، راوی می گوید: «من بر امام باقر - علیه السلام - وارد شدم و امام را در خانه ای تزیین شده و آراسته یافتم، در حالی که آن حضرت پیراهن مرطوبی بر تن داشت و روی آن، ملحفه رنگارنگی بر دوش انداخته بود و رنگ ملحفه در شانه شان اثر گذاشته بود. در حال تماشای خانه و تزیین آن بودم که آن حضرت مرا مورد خطاب قرار داده و فرمودند: راجع به وضع اتاق چه فکر می کنی؟ گفتم: حالا که شما در این وضعیت قرار گرفته اید، من چه می توانم بگویم، اما بین ما، این کار نوجوانان است. فرمودند: ای حکم! «زینت هایی را که خدا برای مردم اجازه داده و روزی های حلال او را چه کسی حرام کرده است؟» این که می بینی از همان قسمی است که خدا برای مردم حلال فرموده است؛ «... واما هذا البيت الذي ترى وهو بيت المراه وانا قريب العهد بالعرس وبيتي البيت الذي تعرف»، «... و اما این اتاق را که می بینی اتاق همسر است که تازه با او ازدواج کرده ام. اتاق من همان است که می شناسی». (محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۴۴۶)

پس برخیز و با بهترین لباس و زینت خود را بیارای. در زندگی، همواره به این دستور اسلامی عمل کن تا کانون خانواده ی شما همواره مستحکم بماند. البته خود می دانی که باید مواظب باشی تا نامحرمی تو را نبیند و بوی خوش تو را استشمام نکند؛ چراکه اگر زنی چنین کند، نمازش قبول نمی شود و مورد لعن و نفرین فرشتگان واقع می شود. (وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۲۲۱)

## ۷. اصل خطاپوشی

زن و شوهر در ابتدای زندگی، یکدیگر را محک می‌زنند. از این رو، به شکل ظریفی کردارهای هم را زیر نظر دارند. از آنجا که هر دو بشر هستند، مسلماً دچار اشتباه‌هایی نیز می‌شوند و اگر گذشت و چشم‌پوشی نکنند، اختلاف‌ها و درگیری‌ها سر می‌گیرد و کم‌کم به جای احترام، اهانت و در عوض محبت، قهر و کینه نمود می‌یابد. نتیجه‌ی این عدم از خود گذشتگی‌ها، سستی ارکان خانواده

و تربیت فرزندانی ناهنجار و پرمشکل است. پس، اگر همسران محبت و احترام را می‌خواهند، باید از همان ابتدای زندگی مشترک بکوشند که روحیه عفو و گذشت را در خود تقویت کنند و در حقیقت، صاحب این کلید مشکل‌گشای زندگی شوند. اگر همسران عزت و سربلندی خانواده را خواستارند، باید عفو و گذشت پیشه کنند؛ چراکه خداوند زن و مرد را به لباس برای یکدیگر تشبیه کرده است؛ (بقره/۱۸۷) تا این پیام را به

آن‌ها گوشزد نماید، همان گونه که لباس، سبب پوشاندن عیب و نقص انسان می‌شود، زن و مرد نیز باید از آشکار کردن عیب همدیگر پرهیز کنند. پیامبر اکرم - صلی‌الله‌علیه‌وآله - نیز فرموده است: «عليكم بالعفو لا يزيد العبد إلا عزاً يعزكم فتعافوا الله» «بر شما باد که عفو و گذشت داشته باشید، زیرا عفو موجب عزت بنده است. یکدیگر را عفو کنید تا خدا شما را عزیز کند»؛ (محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، ج ۳، ص ۱۶۷)

در میان احساسات آدمی، ناپسندتر از همه، نفرت و کینه تیزی است. افرادی که چنین خصلتی دارند همواره در پی انتقامند، خود فاقد آرامش درونی‌اند و زندگی را بر خود و دیگران تیره و تار می‌سازند. حال آنکه، اهل عفو و گذشت، روحی آرام دارند و به دیگران هم آیین مهرورزی می‌آموزند. راستی کدام راه به صلاح و رستگاری نزدیک است؛ عفو یا دشمنی؟

به جز بخشی از انسان‌ها، سایرین جزء زیان کارانند.<sup>۱</sup> زیان

هایی که گاهی به عمد و گاهی از سر نادانی و اشتباه شکل می‌گیرند. در زندگی جمعی، غیر از خاطی، دیگران نیز از نتیجه خطاها آسیب می‌بینند.

مهمترین رهنمودهای اسلام در این زمینه گذشت از خطاها است. این سفارش در روابط خانوادگی و بطور خاص در قرآن کریم مورد توجه قرار گرفته که مبین اهمیت آن در نزد پروردگار است. در آیه‌ای خطاب به مؤمنان آمده است: «يا أَيُّهَا الَّذِينَ

آمَنُوا إِنَّ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا لَكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ وَإِنْ تَعَفَّوْا وَتَصَفَّحُوا وَتَغْفِرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (تغابن/۱۴)؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، بعضی از همسران و فرزندان شما دشمنان شما هستند، از آن‌ها بر حذر باشید و اگر عفو کنید و چشم‌پوشید و ببخشید، (خدا شما را می‌بخشد)، چرا که خداوند بخشنده و مهربان است».

برای تبیین مفاد آیه فوق لازم است مفهوم واژه‌های به کار رفته در آن مورد توجه قرار گیرد. واژه شناسان «عفو» را به

**اگر همسران محبت و احترام را می‌خواهند، باید از همان ابتدای زندگی مشترک بکوشند که روحیه عفو و گذشت را در خود تقویت کنند و در حقیقت، صاحب این کلید مشکل‌گشای زندگی شوند.**

۱. «وَالْعَصْرِ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ» - عصر / ۱-۳

۲. «العفو: ترك انسانا استوجب عقوبة» (خلیل بن احمد فراهیدی، کتاب العین، ج ۲، ص ۲۵۸)

ترک عقوبت،<sup>۱</sup> و «صفح» را به عدول و انصراف از چیزی<sup>۲</sup> معنی کرده اند. آنان همچنین واژه «غفر» را به تغطیه یا پوشاندن<sup>۳</sup> معنی کرده اند. با توجه به این مفاهیم، معلوم می شود که این آیه مبارکه مراتب بخشش از گناه را بیان می کند: عفو به معنی صرف نظر کردن از مجازات است و صفح مرتبه بالاتری است یعنی ترک هر گونه سرزنش؛ و غفران به معنی پوشاندن گناه و به فراموشی سپردن آن است.<sup>۴</sup> افزون بر این نکته ی مهم، لازم است به بعضی نکات مهم دیگر مربوط به پیام های آیه نیز اشاره شود:

(۱) کلمه «مَن» در ادبیات عرب معنی تبعیض را می رساند؛ و بنابراین، جمله «مِنْ أَزْوَاجِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ» به معنی بعضی از همسران و فرزندان شما خواهد بود. به عبارت دیگر، آیه مبارکه مبین آن است که دشمنی تنها از سوی بعضی از آنان سر می زند.

(۲) آیه مبارکه مراتب سه گانه بخشش را درباره کسی توصیه می کند که با انسان «عداوت» یا دشمنی کرده است. در این صورت، زن یا شوهری که نه از سر عداوت بلکه تنها به دلیل غفلت و کم توجهی، دیگری را ناراحت کرده و به وی بدی می کند، استحقاق بیشتری برای عفو و صفح و غفران دارد.

(۳) جمله پایانی آیه مبارکه نیز پیام زیبایی دارد. در پایان آیه فرموده است: خداوند بخشنده و مهربان است: «فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ». به تناسب نکاتی که در متن آیه ذکر گردید، از جمله پایانی چنین فهمیده می شود که گذشت از خطاهای همسر یک کار خدایی است.

(۴) خداوند در سخت ترین حالات زندگی مشترک، آن جا که زندگی به مرز جدایی می رسد نیز فرمان به گذشت داده است، پس به طریق اولی در زندگی روزمره اصل عفو و

گذشت حائز اهمیت است.

چراکه بسیاری از مشکلات خانواده ها و تنش های موجود در روابط همسران ناشی از بی توجهی به اصل خطاپوشی است. یکی از زوجین مرتکب خطایی می شود و دیگری به جای گذشت، در فکر مجازات است؛ یا خطای را سرزنش می کند؛ یا خطای رخ داده را در خاطر خود حفظ می کند و به تدریج با خطاهای دیگر جمع نموده و از آن کوهی می سازد. این گونه است که آن مودت و رحمت الهی میان همسران (که پیش از این اشاره شد) به نفرت مبدل می گردد و دود این آتش سوزان همه ی اهل خانه را می سوزاند و خانه را ویران می کند. مناسب است در این قسمت به روایتی نیز اشاره شود. اسحاق بن عمار می گوید: از امام صادق - علیه السلام - پرسیدم: حق زن بر شوهر چیست که اگر آن را انجام دهد نیکوکار است؟ امام فرمودند: «يُشْفِيهَا وَيَكْسُوَهَا وَإِنْ جَهِلْتَ غَفَرْ لَهَا»<sup>۵</sup> «خوراک و پوشاک وی را تأمین کند و اگر نادانی کرد وی را ببخشد».

رفتار پیامبر با بعضی از همسرانش در قرآن کریم به عنوان نمونه ای از خطاپوشی در روابط همسران ذکر شده است. در آیه سوم سوره مبارکه تحریم، خطای بعضی همسران پیامبر و رفتار آن حضرت با خطای آنان چنین نقل شده است: «وَ إِذْ أَسْرَ النَّبِيُّ إِلَى بَعْضِ أَزْوَاجِهِ حَدِيثًا فَلَمَّا نَبَأَتْ بِهِ وَ أَظْهَرَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ عَرَفَ بَعْضُهُ وَ أَعْرَضَ عَنْ بَعْضٍ».

« هنگامی را که پیامبر یکی از رازهای خود را به بعضی از همسرانش گفت، ولی هنگامی که وی آن را افشا کرد و خداوند پیامبرش را از آن آگاه ساخت، قسمتی از آن را برای او بازگو کرد و از قسمت دیگر خودداری نمود».

مفسران در خصوص این که چرا پیامبر قسمتی از خطای همسرش را به وی گوشزد کرد و از بیان همه ی آن خودداری کرد نوشته اند: پیامبر - صلی ... علیه و آله -

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۵۱۰.

۲. «أَنَّ الْأَصْلَ الْوَاحِدَ فِي هَذِهِ الْمَادَّةِ هُوَ الْعُدُولُ عَنْ شَيْءٍ إِلَى جَانِبِهِ وَ الْانْتِصَافُ عَنْهُ إِلَى طَرَفٍ مِنْهُ» حسن مصطفوی، التحقيق فی کلمات القرآن، ج ۶، ص ۲۴۶.

۳. «وَأَصْلُ الْغَفْرِ التَّغْطِيَةُ» خلیل بن احمد فراهیدی، العين، ج ۴، ص ۴۰۶.

۴. سید محمد حسین طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۹، ص ۳۰۷.

چون از طریق وحی از افشای راز آگاه شده بود، قسمتی از آن را به همسرش (حفصه) فرمود و برای آنکه او زیاده شرمنده و خجل نشود از ذکر قسمت دیگر خودداری کرد. امام علی - علیه السلام - با اشاره به همین مطلب فرموده است: «مَا اسْتَقْصَى كَرِيمٌ قَطُّ قَالَ تَعَالَى فِي وَصْفِ نَبِيٍّ: عَرَفَ بَعْضُهُ وَاعْرَضَ عَنْ بَعْضٍ». (ابن ابی الحدید معتزلی، شرح نهج البلاغه، ج ۲۰، ص ۲۶۴)

«افراد کریم و بزرگوار هرگز در مقام احقاق حق شخصی خویش تا آخرین مرحله پیش نمی‌روند؛ زیرا خداوند در توصیف نبی خود فرمود: «او قسمتی را خبر داد و از قسمتی خودداری کرد».

از آیه و روایتی که ذکر شد معلوم می‌شود که در روابط خانوادگی نباید با تجمیع خطاها، آن‌ها را یک به یک بازگو کرد؛ زیرا این کار جز تحقیر طرف مقابل و ایجاد روحیه ی مقاومت در او سودی ندارد؛ بلکه ممکن است وی نیز در یک اقدام متقابل، به ذکر اشتباهات همسرش مبادرت نماید. در این صورت منازعه ای آغاز می‌گردد که مدتی قهر و کناره گیری از یکدیگر را به دنبال خواهد داشت.

روح بخشندگی، نشان بزرگواری انسان و فروتنی اوست. عفو و بخشندگی صفت زیبایی مؤمن است و خداوند در قرآن کریم بر این امر اشاره دارد:

«الكَافِرِينَ الْغَافِينَ عَنِ النَّاسِ». (آل عمران/ ۱۳۴)

«کسانی که خشم خود را فرو می‌برند و از مردم در می‌گذرند».

بنابراین، وظیفه انسان است که اگر خطایی از کسی به ویژه همسرش نسبت به او سر زد و توان و ظرفیت بخشش نداشت، حداقل راه عذرخواهی را به روی فرد خطاکار باز بگذارد. از امام سجاد - علیه السلام - در این باره چنین

توصیه شده است:

«خدايا هر کس که به من بد کرده و از من عذر خواسته است و من نپذیرفتم، از تو معذرت می‌خواهم». (آیین زندگی، ص ۴۰)

در پایان این گفتار، حکایتی شنیدنی می‌آید که عفو و گذشت را در لباس فداکاری ظاهر می‌سازد.

جوانمردی، زنی خواست و پیش از زفاف، آبله بر روی زن پیدا شد و رویش زشت گشت. اهل قبیله زن، همه اندوهناک شدند و ترسیدند که او البته زن را رد کند. چون جوانمرد از این حالت آگاه شد، خود را به ظاهر نابینا ساخت و چنان اظهار کرد که هیچ نمی‌بیند تا حزن ایشان زائل شد. و در این حال زن را به وی دادند، چند سال با وی بود، بعد از آن درگذشت. آن آزاد مرد بیان کرد که همه چیز می‌بیند و آشکار ساخت که خود را از آن جهت نابینا ساخته بود تا زن و اهل او دل شکسته نشوند که این، غایت مروت است.

(سعیدی لاهیجی، خواندنی‌های دل‌نشین، ج ۲، ص ۳۷)

## ۸. اصل خوش خلقی

پیامبر اسلام برای تکمیل مکارم اخلاقی مبعوث شده است و خوش خلقی یکی از زیباترین اوصاف اخلاقی مورد توصیه دین مبین اسلام است. توجه به بعضی روایات پیرامون خوش خلقی، جایگاه و ارزش والای این صفت اخلاقی را آشکار می‌سازد، خوش خلقی، مودّت را جلب می‌کند؛ (محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۲۷) هر کسی که اخلاقش نیکوتر باشد، ایمانش کامل تر است؛ (همان، ج ۲، ص ۹۹) هیچ چیزی در ترازوی اعمال مؤمن در قیامت بهتر از حسن خلق نیست؛ (همان) و روایات دیگری که از نقل آن خودداری می‌شود.

خوش خلقی در روابط زناشویی از اهمیت مضاعفی برخوردار است. در زندگی اجتماعی اگر کسی از دیگری برنجد، از او فاصله می گیرد و راه خود را می رود، ولی اساس زندگی خانوادگی بر تعاون و اشتراک است و رابطه زوجین موقتی نیست بلکه بنابر آن است که دوام داشته باشد.



داشتید، چه بسا چیزی خوشایند شما نباشد و خداوند خیر فراوانی در آن قرار می دهد.

آیه فوق خطاب به مردان است و به آنان فرمان می دهد که با همسران خود به شایستگی معاشرت کنند. نکته قابل توجه در آیه فوق آن است که می فرماید: « اگر از آنان کراهت دارید، باز هم به

نیکی معاشرت کنید؛ زیرا ای بسا چیزهایی که در نزد شما ناخوشایند است ولی خداوند خیر زیادی در آن قرار داده است»؛ چراکه بسیار می شود همسران درباره یکدیگر، گرفتار سوء ظن های بی دلیل و حب و بغض های بی جهت می شوند و قضاوت هایشان نادرست می باشد، تا آنجا که خوبی ها در نظرشان بدی و بدی ها در نظرشان خوبی جلوه می کند ولی با گذشت زمان و مدارا کردن، حقایق به تدریج آشکار می گردد. (تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۳۲۰ و ۳۲۱)

همسو با این آیه شریفه، در سخنی از امام علی - علیه السلام - خطاب به فرزندش محمد حنفیه چنین آمده است: «أَحْسِنِ الصُّحْبَةَ لَهَا لِيَصْفُوَ عَيْشُكَ»؛ (شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۵۵۶)؛ « با همسرت مصاحبت نیکو داشته باش تا زندگی ات با صفا باشد».

رنجش در روابط همسران موجب می شود آنان با وجود آنکه زیر یک سقف هستند، با یکدیگر تعامل عاطفی نداشته باشند. به عبارت دیگر، بداخلاقی در روابط کسانی که زیر یک سقف زندگی می کنند و دور یک سفره می نشینند، بسیار آزاردهنده تر از رابطه کسانی است که در زندگی اجتماعی فقط گاهی همدیگر را می بینند، چراکه بر خلاف محیط خانواده آن ها می توانند اصلاً با یکدیگر مواجه نشوند، در حالی که این امر در خانواده ممکن نیست. به همین دلیل، اصل خوش خلقی در روابط خانوادگی مورد توجه خاص قرآن کریم قرار گرفته است. در قسمتی از سوره مبارکه نساء آمده است: «...وَ عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئاً وَ يَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا» (نساء/ ۱۹)

« با آنان بطور شایسته رفتار کنید و اگر از آن ها کراهت

## ۹. اصل وفاداری

مقصود از اصل وفاداری، چشم پوشی از غیر همسر است. در مورد این اصل دو نکته مهم باید مورد توجه قرار گیرد:

**الف - غُص بصر؛** در دو آیه قرآن کریم زنان و مردان مؤمن مکلف به فرو نهادن چشم و کنترل نگاه خویش از غیر همسران خود شده اند و البته مقصود از آن خودداری از

هر گونه نگاه های شهوانی است. در آیه ۳۱ سوره مبارکه نور آمده است:

« قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَ يَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ »؛ « به مردان مؤمن بگو دیدگان خویش را از نگاه به زنان اجنبی باز گیرند و فرج های خویش را نگه دارند این برای ایشان پاکیزه تر است که خدا از کارهایی که می کنید آگاه است ».

همچنین در این سوره آمده است:

« قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَ يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ... » (نور/ ۳۲)؛ « و به

زنان با ایمان بگو چشم از نگاه به مردان اجنبی فرو بندند و فرج های خویش را حفظ کنند... »

از امام باقر - علیه السلام - نقل شده است: جوانی از انصار در مدینه با زنی روبرو شد. در آن روز زنان مقنعه خود را در پشت گوش ها قرار می دادند و پوشش کاملی نداشتند. چهره آن زن نظر جوان را به خود جلب کرد و چشم خود را به او دوخت. زن از کنار او گذشت ولی جوان در حالی که به راه خود می رفت هم چنان نگاه خود را به او دوخته بود. او

وارد کوچه تنگی شد ولی هم چنان به پشت سر خود نگاه می کرد. ناگهان صورتش به دیوار خورد و تیزی استخوان یا قطعه شیشه ای که در دیوار بود صورتش را شکافت، جوان به خود آمد و دید خون از صورتش جاری است و بر لباس و سینه اش ریخته است. با خود گفت به خدا سوگند من نزد پیامبر می روم و این ماجرا را برای او بازگو می کنم. هنگامی که چشم رسول خدا - صلوات الله علیه و آله - به او افتاد

فرمود چه شده است؟ جوان ماجرا را نقل کرد. در این هنگام جبرئیل آیه فوق را بر پیامبر نازل کرد. (محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۵۲۱)

**ب - خودداری از دوستی با جنس مخالف؛** در دو آیه قرآن به مسأله دوستی با جنس مخالف به صورت پنهانی و برای مقاصد شهوانی اشاره شده است. تعبیر « وَ لَا مَتَخَذَاتِ أَخْدَانِ » (نساء/ ۲۵) و تعبیر « وَ لَا مَتَخَذِي أَخْدَانِ » (مائده/ ۵) ناظر به این مطلب است. مطابق بیان واژه شناسان، اخدان جمع خدن است و آن به معنی رفیق است و اغلب

در مورد کسی استعمال می شود که از روی شهوت با فردی رفیق می شود. (حسین بن محمد راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ص ۲۷۷) بنابراین، تعبیر نخست با توجه به معنی واژه « مَتَخَذَاتِ » به معنی زنانی است که از میان مردان دوستی بر می گزینند و با او روابط شهوانی دارند. اما تعبیر دوم ناظر به مردانی است که از میان زنان دوستی برای مقاصد شهوانی برگزیده اند. صرف نظر از حرمت ارتباط با جنس مخالف از نوع نگاه های حرام یا روابط دوستانه و

تعبیر نخست با توجه به معنی واژه « مَتَخَذَاتِ » به معنی زنانی است که از میان مردان دوستی بر می گزینند و با او روابط شهوانی دارند. اما تعبیر دوم ناظر به مردانی است که از میان زنان دوستی برای مقاصد شهوانی برگزیده اند. صرف نظر از حرمت ارتباط با جنس مخالف از نوع نگاه های حرام یا روابط دوستانه و عقوبت اخروی آن، ارتباط با غیرهمسر از هر نوع آن آسیب جدی بر روابط زوجین وارد می کند.

عقوبت اخروی آن، ارتباط با غیرهمسر از هر نوع آن آسیب جدی بر روابط زوجین وارد می کند. اصولاً مرد یا زنی که با غیر همسر روابط غیر شرعی دارد، به همسر خود توجهی ندارد یا توجه اندکی دارد. در حقیقت، روابط جنسی آزاد، وابستگی زن و شوهر را به یکدیگر به شدت کاهش می دهد. به همین دلیل هر کس که در پی استواری روابط خانوادگی است، باید بطور جدی از این عمل زشت و حرام خودداری نماید. مرد یا زنی که همسرش به او وفادار نیست، به این رفتار غیرعادی واکنش نشان می دهد و حتی ممکن است او به طور متقابل به رفتار مشابهی روی بیاورد. در پایان این قسمت به ابیاتی منسوب به امام علی - علیه السلام - اشاره می شود. آن حضرت درباره همسرش حضرت فاطمه - سلام ... علیه - چنین سروده است: «دوستی که برای آن نظیری نیست و برای غیر او در قلب من جایی نیست. دوست من از پیش من و از مقابل چشمان من رفته است، ولی هرگز دوست من از قلمب غایب نخواهد شد».

## ۱۰. اصل امانت داری

از اصول مهم همسرمداری در قرآن کریم امانت داری است که اگر چه می تواند از اصول مشترک باشد ولی عمدتاً درباره زن و رفتارهای وی موضوعیت می یابد. منظور از امانت داری در این بحث مفهومی اعم از حفظ اموال شوهر و آبروی او و به ویژه درباره حفظ عفاف است. خدای متعال به این اصل در آیه ۳۴ سوره مبارکه نساء اشاره کرده و در قسمتی از این آیه فرموده است: «...فَالصَّالِحَاتُ قَاتِبَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ...» «پس زنان شایسته، فرمان برند و به پاس آنکه خداوند (حقوق آن ها را) نگه داشته، آن

ها هم در غیاب شوهر حقوق و اسرار و اموال او را نگه می دارند».

تعبیر «حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ» عام است و شامل حفظ حقوق شوهر و آبرو و حیثیت او می شود. همین معنی در احادیث اهل بیت - علیهم السلام - نیز مورد توجه قرار گرفته است. امام صادق - علیه السلام - از پدران خود، از رسول خدا - صلوات ... علیهم - نقل کرده است که فرمود: «مَا اسْتَفَادَ امْرُؤٌ مُسْلِمٌ فَاَيْدَةً بَعْدَ الْإِسْلَامِ أَفْضَلَ مِنْ زَوْجَةٍ مُسْلِمَةٍ تَسْرُهُ إِذَا نَظَرَ إِلَيْهَا وَتُطِيعُهُ إِذَا أَمَرَهَا وَتَحْفَظُهُ إِذَا غَابَ عَنْهَا فِي نَفْسِهَا وَمَالِهِ» (محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۳۲۷)؛ «مرد مسلمان پس از اسلام از هیچ چیزی به اندازه همسر مسلمانی که وقتی به او نگاه می کند شاد می شود و وقتی به او فرمان می دهد اطاعت می کند و وقتی از وی غایب می شود در نفس خویش و مال شوهر امانت دار است فایده نبرده است».

خدای متعال همچنین بعضی همسران پیامبر را به دلیل برملا کردن اسرار خانوادگی سرزنش نموده و آنان را به توبه فرمان داده است. در آیه سوم سوره مبارکه تحریم به صورت سربسته به اقدام بعضی همسران پیامبر در افشای راز خانوادگی اشاره نموده و سپس در آیه چهارم می فرماید: «اگر شما از کار خود توبه کنید (به نفع شماس، زیرا) دل‌هایتان از حق منحرف گشته است و اگر بر ضد او دست به دست هم دهید، (کاری از پیش نخواهید برد) زیرا خداوند یاور اوست و همچنین جبرئیل و مؤمنان صالح و فرشتگان بعد از آنان پشتیبان اویند».

## ۱۱. اصل فرمان بری

اصل فرمان بری در روابط همسران، در پذیرش مدیریت شوهر تجلی پیدا می کند. قرآن کریم شوهر را «قَوَّام» بر وجه نامیده و فرموده است: «الرَّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ...»؛ «مردان بر زنان قیومت دارند، به خاطر اینکه خدا بعضی را بر بعضی برتری داده و به خاطر این که مردان از مال خود نفقه زنان و مهریه آنان را می دهند...».

قَوَّامیت شوهر بر زن به معنی مدیریت وی بر همسر و نیز مسئولیت وی در مراقبت از او و تأمین نیازهای او است. (عبدالله جوادی آملی، زن در آئینه جلال و جمال، صص ۳۹۱ و ۳۹۲) این معنی در آیه ۶ سوره مبارکه تحریم نیز به بیان دیگری آمده است. در این آیه می خوانیم: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ».

«ای کسانی که ایمان آورده اید، خود و اهل خود را از آتشی که آتش گیرانه اش مردم و سنگ است حفظ کنید، آتشی که فرشتگان غلاظ و شداد موکل برآنند، فرشتگانی که هرگز خدا را در آنچه دستورشان می دهد نافرمانی ننموده بلکه هر چه می گوید عمل می کنند».

بنابراین، مرد نسبت به اعضای خانواده خویش مسئولیت دارد. البته مرد مجاز نیست آمرانه و تحکم آمیز عمل کرده و از اختیاری که به او سپرده شده سوء استفاده نماید. در حقیقت، مدیریت مرد به معنای آن نیست که وی خانواده را به میل خود اداره نماید. به بیان بعضی دانشمندان اسلامی، مرد نباید از این سرپرستی مزیتی به دست آورد و بگوید چون من سرپرستم پس بهترم. زیرا قَوَّامیت «وظیفه» است و فضیلتی برای وی تثبیت نمی کند. (همان) بنابراین، او باید بر مبنای مصالح کلی و با بهره گیری از اصل مشورت تصمیم بگیرد.

زن باید مدیریت شوهر را بپذیرد و آنچه را که وی به مصلحت می بیند عمل کند. مقاومت زن در قبال خواست شوهر در جایگاه مدیر خانواده، افزون بر نقض حکم خدای متعال، تنش های خانوادگی را به دنبال دارد و تنش حاصله، روابط زوجین را سست می کند و آنان را از یکدیگر دور می نماید و بر تربیت فرزندان تأثیر نامطلوب می گذارد. در آیه ۳۴ سوره مبارکه نساء به این مطلب مهم با تعبیر «قانتات» اشاره شده است. لغت شناسان واژه قنوت را به اطاعت معنی کرده اند؛ (خلیل بن احمد فراهیدی، العین، ج ۵، ص ۱۲۹؛ اسماعیل بن حماد جوهری، الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربیه، ج ۱، ص ۲۶۱) اطاعت همراه با خضوع و فروتنی. (حسین بن محمد راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ص ۶۸۴) از نظر قرآن کریم، همسر خوب و صالح «قانت» است. این تعبیر در دو آیه قرآن درباره همسر خوب ذکر شده است: یکی در آیه ۳۴ سوره مبارکه نساء با تعبیر «فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ» است؛ و دیگری در آیه ۵ سوره مبارکه تحریم که در توصیف همسران شایسته فرموده است: «أَزْوَاجًا خَيْرًا مِنْكُنَّ مُسْلِمَاتٍ مُؤْمِنَاتٍ قَانِتَاتٍ تَائِبَاتٍ عَابِدَاتٍ سَابِحَاتٍ نَّظَّيَاتٍ وَ ابْكَارًا».

«همسرانی بهتر از شما که مسلمان، مؤمن، متواضع و فرمان بر، توبه کار، عابد، هجرت کننده، زانی غیرباکره و باکره اند».

مرد نسبت به اعضای خانواده خویش مسئولیت دارد. البته مرد مجاز نیست آمرانه و تحکم آمیز عمل کرده و از اختیاری که به او سپرده شده سوء استفاده نماید...

زن باید مدیریت شوهر را بپذیرد و آنچه را که وی به مصلحت می بیند عمل کند. مقاومت زن در قبال خواست شوهر در جایگاه مدیر خانواده، افزون بر نقض حکم خدای متعال، تنش های خانوادگی را به دنبال دارد و تنش حاصله، روابط زوجین را سست می کند و آنان را از یکدیگر دور می نماید و بر تربیت فرزندان تأثیر نامطلوب می گذارد.



## ۱۲. اصل تشاور و تراضی

زیرا لزوم مشورت از واژه « تشاور » فهمیده می شود ولی « تراض » به موافقت از روی میل یا همراهی توأم با خشنودی اطلاق می گردد. (حسن مصطفوی، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۴، ص ۱۵۱؛ حسین بن محمد راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ص ۳۵۶) اهمیت این مطلب از آن جهت است که گاهی زوجین در اموری مانند تربیت فرزند با هم مشورت می کنند و در نهایت تصمیم می گیرند، ولی در عمل ممکن است زن یا شوهری که نظر او مورد توجه قرار نگرفته همراهی نکند. روشن است که این وضعیت اثر سوئی بر روح و روان فرزند خواهد گذاشت. بنابراین، لازم است برای پیش گیری از بعضی پیامدهای تنوع سلاقی و اختلاف رویه در امور خانوادگی، ابتدا مشورت صورت گیرد و سپس زوجین با همراهی یکدیگر به بهترین تصمیم عمل کنند.

در آیه ۶ سوره مبارکه طلاق نیز بر لزوم مشورت زن و شوهر تأکید شده است. در قسمتی از این آیه خطاب به زوجین می آید: « ... وَ أَمْرُوا بِنَفْسِكُمْ بِمَعْرُوفٍ ... » « با یکدیگر

مشورت یک اصل عقلایی و مورد تأکید اسلام است. قرآن کریم رسول گرامی اسلام را نیز با وجود برخورداری ایشان از عصمت و دانش فراوان به مشورت فرمان داده و فرموده است: «... وَ شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ...» (آل عمران/ ۱۵۹) «با مسلمین در کار مشورت کن». بر خلاف آنچه به اسلام نسبت داده می شود، قرآن کریم به مشورت مرد به عنوان « مدیر خانواده» با همسر خود به عنوان « مشاور» در امور مربوط به زندگی مشترک توصیه کرده است. در آیه ۲۳۳ سوره مبارکه بقره آمده است: « وَ الْوَالِدَاتُ يَرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ... فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَ تَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا » « مادران، فرزندان خویش را دو سال تمام شیر دهند...، اگر پدر و مادر به رضایت و مشورت هم خواستند طفل را از شیر بگیرند گناهی بر آنان نیست».

از آیه فوق ظاهراً امری بالاتر از مشورت قابل استنباط است،

به نحو شایسته ای مشورت کنید». واژه «ائتمار» به معنای مشورت آمده است. (حسین بن محمد راغب اصفهانی، همان، ص ۸۸) این واژه در بعضی آیات دیگر نیز به همین معنی بکار رفته است. (مانند: سوره مبارکه قصص / ۲۰)

ممکن است گفته شود آیات فوق مربوط به بحث رضاع فرزند است و نمی توان از آن حکمی عام در خصوص لزوم مشورت با زنان در غیر مورد آیات مذکور استنباط کرد. این مطلب صحیح نمی باشد، چراکه بحث رضاع فرزند ویژگی خاصی ندارد که مشورت با زنان تنها در این مورد خاص مشروعیت داشته و در سایر موارد مذموم باشد. واقعیت آن است که در مسأله مشورت، جنسیت دخالتی ندارد و آنچه اهمیت دارد، آگاهی و دوراندیشی است. ما باید با کسی مشورت کنیم که نسبت به موضوع مورد نظر ما آگاهی داشته باشد؛ خواه زن باشد یا مرد. در غیر این صورت، مشورت مطلقاً وجهتی ندارد.

خواننده عزیز ممکن است دچار شبهه شود که اگر چنین است که باید شوهر با همسر مشورت نماید، پس چرا در بعضی روایات از مشورت با زنان نهی شده است؟ در پاسخ باید گفت: این احادیث مانند سایر روایات منقول از اهل بیت - علیهم السلام - اطلاق عام ندارد و ناظر به شرایط و موارد خاص است. مؤید سخن ما افزون بر آیات سابق الذکر، روایاتی است که ما را به مشورت با زنان در امور خاص مکلف کرده است. مانند روایتی از رسول مکرم اسلام - صلوات الله علیه و آله - که فرمود: «أَمَرُوا النِّسَاءَ فِي بَلَاتِهِنَّ»؛ «با زنان در امور دخترانشان مشورت کنید» (متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۶، ص ۳۰۹ حدیث ۴۴۶۴۰) و نیز آن حضرت فرمود: «أَمَرُوا النِّسَاءَ فِي أَنْفُسِهِنَّ»؛ «با زنان درباره امور مربوط به خودشان مشورت کنید» (همان) از امام علی - علیه السلام - نیز روایت شده است که فرمود:

«إِيَّاكَ وَ مُشَاوَرَةَ النِّسَاءِ إِلَّا مَنْ جَرَّبَتْ [جُرْبَت] بِكَمَالٍ عَقْلِهَا»؛ (ابوالفتح کراجکی، کنز الفوائد، ص ۱۷۷) «از مشورت با زنان بپرهیزید، مگر زنی که وی را به کمال عقل آزمودی».

## ۱۳. اصل فداکاری

اصل مهم دیگر همسرداری که از آیات قرآن کریم قابل استفاده است، اصل ایثار یا فداکاری است. زندگی خانوادگی با اخلاق اداره می شود و ایثار از زیباترین مفاهیم اخلاقی ماست. در آیه ۸ سوره مبارکه حشر در توصیف گروهی از مؤمنان آمده است: «وَيُؤْثِرُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»؛ «آنان مهاجرین را بر خود مقدم می دارند هر چند که خود نیز محتاج باشند».

در زندگی خانوادگی، گاهی لازم است انسان از حقی که دارد بگذرد. به ویژه در برخی منازعات که طرفین خود را بر حق



می دانند. در این صورت اگر گذشت و فداکاری نباشد، یک اختلاف کوچک به یک منازعه بی پایان تبدیل می شود. تنها راه حل مسأله نیز فداکاری یا کوتاه آمدن به نفع طرف دیگر است. نمونه عینی این اصل در زندگی خانوادگی پیامبر رخ داده است. مطابق آنچه در آیات اولیه سوره مبارکه تحریم ذکر شده است، رسول خدا - صلی ... علیه و آله - برای جلب رضایت همسران خود از حق مسلم خود گذشت. در آیه نخست سوره مبارکه تحریم آمده است: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ لِمَ تُحَرِّمُ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكَ تَبْتَغِي مَرْضَاتَ أَزْوَاجِكَ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ»<sup>۱</sup> ای پیامبر، چرا به منظور خوشدل ساختن همسرانت، آنچه را که خدا برایت حلال کرده بر خود حرام می کنی؟

مطابق آیه فوق، پیامبر حاللی را بر خود حرام ساخت تا رضایت همسران خود را جلب نماید. از آیه دوم این سوره فهمیده می شود که پیامبر از طریق سوگند، حاللی را بر خود حرام کرد ولی خدای متعال رسولش را از این کار نهی کرده و به وی اجازه داد تا سوگند خود را بشکند. برای بیان اهمیت کاری که پیامبر برای تحبیب قلوب همسران خود انجام داد، مناسب است شأن نزول آیه مذکور و آیات پس از آن مورد توجه قرار گیرد.

یکی از همسران پیامبر زنی به نام «زینب بنت جحش» بود. پیامبر اسلام گاه که نزد او می رفت، زینب او را نگاه می داشت و از عسلی که تهیه کرده بود خدمت پیامبر

می آورد. این سخن به گوش عایشه رسید و بر او گران آمد. از این رو با حفصه قرار گذاشت که هر وقت پیامبر نزد یکی از آنان آمد او را مورد سؤال قرار دهند و بگویند آیا صمغ مغایر خورده ای؟<sup>۱</sup> (کنایه از اینکه بوی بدی از دهانشان استشمام می شود) این در حالی بود که پیامبر مقید بود که هرگز بوی نامناسبی از دهان یا لباسش شنیده نشود، او همیشه

خوشبو و معطر بود. به این ترتیب روزی پیامبر نزد حفصه آمد. او این سخن را به پیامبر گفت، حضرت فرمود: من مغایر نخورده ام، بلکه عسلی نزد زینب بنت جحش نوشیدم و سوگند یاد می کنم که دیگر از آن عسل ننوشم.<sup>۲</sup>

غرض از نقل این واقعه بیان رفتار پیامبر با همسران خود است که

چگونه برای جلب رضایت آنان از حقوق و خواسته های مشروع و طبیعی خود می گذشت. این رفتار به ما می آموزد که حداقل از بعضی رفتارها که همسرمان را آزار می دهد بگذریم. گاهی زن یا شوهر به همسر خود می گوید فلان کار تو مرا ناراحت می کند یا معاشرت تو با فلان شخص مرا آزار می دهد و بدین ترتیب از او می خواهد که رفتار خود را تغییر دهد. ولی در مقابل نیز همسر او می گوید تو باید با این مسأله کنار بیایی و حق من است که هر کار که خواستم انجام دهم یا با هر کس که می پسندم رابطه داشته باشم و مانند این قبیل سخنان که می تواند سرآغاز اختلافات بعدی شود.

### در زندگی خانوادگی، گاهی لازم است

انسان از حق که دارد بگذرد. به ویژه در برخی منازعات که طرفین خود را بر حق می دانند. در این صورت اگر گذشت و فداکاری نباشد، یک اختلاف کوچک به یک منازعه بی پایان تبدیل می شود. تنها راه حل مسأله نیز فداکاری یا کوتاه آمدن به نفع طرف دیگر است.

۱. مغایر صمغی بود که یکی از درختان حجاز به نام عُرْفُط تراوش می کرد و بوی نامناسبی داشت.

۲. نک: ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲۴، ص ۲۷۱.

## ۱۴. اصل داوری

قرآن کریم آیه ای را به اصل داوری در اختلافات خانوادگی اختصاص داده است. بر مبنای این اصل، زوجین باید به جای آنکه در اختلافات خانوادگی به دادگاه مراجعه نمایند،

به تشکیل یک « محکمه صلح خانوادگی » اقدام نمایند. در آیه ۳۵ سوره مبارکه نساء آمده است: «وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَأَبْعَثُوا حَكَمًا مِنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِنْ أَهْلِهَا إِنْ يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا خَبِيرًا».

« و اگر از جدایی و شکاف میان آن دو (همسران) بیم داشته باشید، یک داور از خانواده شوهر و یک داور از خانواده زن انتخاب کنید (تا به

کار آنان رسیدگی کنند). اگر این دو داور، تصمیم به اصلاح داشته باشند، خداوند به توافق آن ها کمک می کند، زیرا خداوند دانا و آگاه است.»

طبیعت و ماهیت خانواده با رسیدگی های قضایی سازگار نیست و اگر بتوان به نوعی اختلافات خانوادگی را با روش های غیر قضایی حل و فصل نمود و تا حد امکان از کشاندن مسائل خانوادگی به دادگاه ها خودداری کرد، برای ثبات خانواده ها و تقویت و تحکیم روابط زوجین و حفظ قداست آن مناسب تر است. نکاتی که در زیر می آید این مطلب را روشن تر می نماید:

۱) محیط خانواده کانون احساسات است؛ در این محیط، با مقیاس خشک قانون و مقررات بی روح نمی توان گام برداشت و حتی الامکان باید اختلافات را از طریق



عاطفی حل و فصل نمود. روشن است که در محاکم قضایی قانون حکومت می کند نه عاطفه و احساسات. قاضی دادگاه، اخلاق و آداب را اجرا نمی کند. وی مطابق قانون حکم می کند و با استفاده از قوه قهریه ای که حکومت در اختیارش قرار می دهد، حکم خود را به اجرا در می آورد. زوجین وقتی از دادگاه بر می گردند، یکی پیروز است و دیگری محکوم. در چنین وضعیتی به سختی می توان به وضعیت سابق بازگشت. در حقیقت آن کس که محکوم شده است، به دلیل حقارتی که تحمل کرده است، کمتر آمادگی فداکاری برای کسی دارد که وی را به دادگاه کشانده و محکوم کرده است.

۲) در محاکم قضایی، طرفین دعوا ناچارند برای دفاع از خود هرگونه اسراری که دارند فاش سازند. در حالی که بیان اسرار خانوادگی نزد اشخاص بیگانه موجب جریحه دار شدن احساسات زن و شوهر خواهد شد. در چنین حالتی، اگر هم زن و شوهر به حکم دادگاه و به اجبار به خانه بازگردند، دیگر از آن محبت و صمیمیت و وحدت معنوی سابق خبری نخواهد بود. تجربه نشان داده است زن و شوهری که راهی دادگاه شده اند، دیگر آن زن و شوهر سابق نیستند. بدیهی است که در محکمه صلح خانوادگی، اسرار خانوادگی به خاطر شرم حضور آشنایان یا مطرح نمی شود، یا اگر مطرح شود، چون در برابر اعضای فامیل یا آشنایان است، اثر سوئی نخواهد داشت.

۳) قضات محاکم، با زوجین متقاضی طلاق نسبت خویشاوندی یا آشنایی ندارند و به همین دلیل، نسبت به

سرنوشت آن ها و فرزندانشان آنطور که باید دلسوزی نخواهند داشت. برای بعضی از آنان خیلی مهم نیست که دو طرف دعوا آشتی نموده و به خانه و زندگی خود برگردند یا این که از یکدیگر جدا شوند. در حالی که در محکمه صلح خانوادگی مطلب کاملاً بر عکس است. در این محکمه، از آنجا که داوران از آشنایان خانوادگی هستند و با زوجین منافع مشترک دارند، نسبت به آینده آنان بی تفاوت نیستند، لذا آنان نهایت تلاش خود را صرف اصلاح میان زن و شوهر می نمایند. (همان، ج ۳، ص ۴۱۷)

بدین ترتیب، زوجین باید در صورت وقوع منازعه و اختلاف، داورانی را از میان آشنایان برخوردار از صلاحیت های علمی و تجربی و شایستگی های اخلاقی برگزینند و به حکمیت آنان تن دهند. در این صورت بخش زیادی از مناقشات خانوادگی حل شده و نیازی به مداخله های قضایی نخواهد بود.<sup>۱</sup>

همان گونه که ملاحظه شد در این نوشتار به برخی از اصول قرآنی همسررداری اشاره گردید. اگر چه در بخش های دیگری از قرآن کریم، موارد دیگری نیز مورد اشاره قرار گرفته است لیکن به منظور پیشگیری از طولانی شدن دامنه ی سخن از آوردن آن خودداری شده است.<sup>۲</sup> در مجموع یادآوری می گردد که بسیاری از زن و شوهرهای جوان در اختلافات میان خود گمان می دارند که در انتخاب همسر اشتباه کرده اند و بهتر بود به جای همسر کنونی خود با فرد دیگری وصلت می کردند. این تصور غالباً نادرست است و فکر کردن به آن خود

منشأ عمیق تر شدن شکاف موجود و مانع از حل مسائل خواهد شد. مشکلات پیش آمده کمتر به انتخاب آنان بر می گردد، بلکه عمدتاً از ضعف آگاهی به فنون همسررداری ناشی می شود. کسانی که فنون و اصول همسررداری را نمی دانند یا آن را جدی نمی گیرند، اگر با هر کس دیگری زندگی زناشویی خود را آغاز کنند همین مشکلات را کم و بیش خواهند داشت. بنابراین لازم است با واقع بینی و فراگیری مهارت های همسررداری، مشکلات میان خود را مدیریت نمایند. همچنین لازم است برای اصلاح روابط میان خود منتظر اقدام طرف مقابل نمانند.

در این گونه مسائل هر کس دوراندیش تر باشد، زودتر اقدام می کند. بر خلاف تصور بعضی، کوتاه آمدن در مسائل خانوادگی انسان را در چشم طرف مقابل کوچک نمی کند؛ زیرا خداوند وعده کرده است که هر کس برای او تواضع کند، او را بزرگ خواهد نمود و هر کس تکبر ورزد، او را کوچک نماید: «فَإِنَّ مَنْ تَوَاضَعَ لِلَّهِ رَفَعَهُ اللَّهُ وَ مَنْ تَكَبَّرَ خَفَضَهُ

زوجین باید در صورت وقوع منازعه و اختلاف، داورانی را از میان آشنایان برخوردار از صلاحیت های علمی و تجربی و شایستگی های اخلاقی برگزینند و به حکمیت آنان تن دهند. در این صورت بخش زیادی از مناقشات خانوادگی حل شده و نیازی به مداخله های قضایی نخواهد بود.

۱. برای دیدن توضیحات بیشتر درباره حکمیت به کتاب «داوری در حقوق خانواده» تألیف نگارنده، دکتر فرج الله هدایت نیا، مراجعه شود.

۲. مانند اصل «شفقت» یا بیمنایک در آیه ۲۶ سوره مبارکه طور، و اصل «توبه» یا بازگشت از خطا و جبران آن در آیه ۵ سوره مبارکه تحریم و غیره.

هَمَا فَاطِمَةُ الزَّهْرَاءِ  
عَلَيْهَا السَّلَامُ

طیبه سترگ  
مدرس حوزه و دانشگاه

# سیره زندگی در سلوک حضرت فاطمه زهرا (سلام... علیها)

رفتار فاطمه - سلام... علیها - در محیط خانواده، لوحی از زیبایی ها و حسن سلوک در بردارد به طوری که سلوکش همواره در سرسرای تاریخ می درخشد. فاطمه - سلام... علیها - موفق ترین بانوی هستی در کامروایی از زندگی خانوادگی بود. حیاتش عطر و بوی خدا می داد، در ژرفای وجودش نقش بسته بود. «اللهم إني أسئلك القمل بما تحب و ترضي»؛ «خدایا از تو عمل به آنچه که تو دوست می داری و مورد رضایت تو است، در خواست می کنم». (بحار الانوار، ج ۸۷، ص ۳۳۸، باب ۹)

او عشق و محبت به همسر و فرزندان را در پر تو محبت الهی معنا می کرد. هرگاه تقاضایی داشت آن را با رضای خدا می سنجید و رضایت الهی را مقدم بر هر چیز می داشت. اوج این خدا محوری را در نجوای خویش این گونه بیان می کند: «یا رب لیست من أحد غیرک تتلج بها صدری و تسر بها نفسی و تقر بها عینی...»؛ «خداوندا هیچ احدی به جز تو سینه ام را خنک نمی کند و نفسم را مسرور و شادمان نمی سازد و هیچ کس جز تو چشم مرا روشنی نمی بخشد». (مهدی جعفری، «مسند فاطمه»، ص ۱۶۰، شیخ الاسلامی، ۱۳۷۷، ص ۲۷۷)

احترام به همسر و رحمت بر فرزند در وجود فاطمه - سلام... علیها -، تفسیری جز عبودیت و عشق ورزیدن به خالق متعال نداشت. نظام خانوادگی حضرت، متشکل و منسجم، یکپارچه و دقیق و برگرفته از نظام اعتقادی ایشان بود. حضور خدا در کانون خانواده ی وی، موج می زد و پروردگار عالم، عامل همبستگی اجزای اندیشه فاطمی بود، عاملی که سبب جامعیت عمل و نظر در وجود دخت النبی - صلی... علیها و آله - گردیده بود.

پیش می آمد که به علت اوضاع نامناسب اقتصادی، در خانه علی و زهرا - علیهما السلام - غذایی یافت نمی شد، گرسنه بودند، اما حضرت فاطمه - سلام... علیها - با رعایت حال همسر، مراعات او را می کرد و خارج از توان او طلب نمی کرد، چون بیم شرمندگی شوهر را داشت. گاهی دست هایش تاول می زد، لباس هایش غبار آلوده می شد اما همچنان پرکار و صبور بود.

کارهایشان تقسیم شده بود، آوردن آب، تهیه هیزم و کارهای خارج خانه بر عهده علی - علیه السلام - بود و درست کردن آرد و خمیر، پختن نان، وصله زدن لباس ها و کارهای داخل خانه به فاطمه - سلام... علیها - سپرده شده بود. حضرت زهرا - سلام... علیها - از این تقسیم کار بسیار راضی بود چراکه بدین نحو از برخورد غیر ضرور با نامحرمان به دور می ماند.

البته در این تقسیم کار منصفانه، به استعداد های تکوینی مرد و زن و تفکیک جنسیتی نقش ها توجه شده بود؛ از این رو حضرت با شادمانی می فرمود:

«فَلَا يَعْلَمُ مَا دَاخِلُنِي مِنَ السُّرُورِ إِلَّا اللَّهُ بِإِكْفَائِي رَسُولَ اللَّهِ تَحْمُلَ رِقَابَ الرِّجَالِ» (وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۲۳)

«جز خدا کسی نمی داند که از این تقسیم تا چه اندازه مسرور و خوشحال شدم، چراکه رسول خدا مرا از انجام

کارهایی که مربوط به مردان است، بازداشت». این تقسیم کار پیامبرگرامی - صلوات... علیها و آله - براساس لطافت تکوینی روح و جسم زنان است. حضرت، زنان را در عرصه خانوادگی چون گلی خوشبو شمرد و می فرمایند:

«المرأه ریحاته لیست بقهرمانه» (بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۵۳)

«زن گلی خوش بوست، نه قهرمانی نیرومند».

آری، هر موجودی به فراخور ظرفیت های وجودی خویش، باید پذیرای مسئولیت های متناسب با خود باشد. زن و مرد استعداد جلوه نمایی تمام اسماء و صفات الهی را دارند اما تجلی صفات جمال و جلال الهی در هر کدام از آن ها جلوه متفاوتی دارد. زن دارای ظرفیت و یارایی بیشتر برای مظهریت صفات جمال الهی است. صفاتی چون رأفت، عطوفت، رحمت، گذشت، محبت، لطافت، ظرافت؛ و به خلاف آن، مرد در بروز صفات جلال الهی توانایی بیشتری داشته و صفاتی مانند صلابت، قاطعیت، قدرت و مانند آن را بروز می دهد و همین امر منشأ تقسیم کار در کانون فاطمی است. ساختمان بدنی و روحی زن می طلبد تا کارهایی که نیازمند لطافت، ظرافت و مانند آن است به وی سپرده شده و بر اساس اقتضائات و رأفت طبیعی مردان، کارهایی همچون فعالیت اقتصادی، جهاد، جنگاوری و امثال آن به طور تکوینی و تشریعی به مردان سپرده شود؛ البته موفقیت



هریک، درگرو سلامت روابط خانوادگی و تأمین پشتوانه روحی و عاطفی ازسوی دیگری است. کانون خانواده ای که بزم محبت و مودت است، اکسیر آرامش بخشی و اضطراب پیرایی را برای هر زن و مرد در پی داشته و هر یک را برای انجام بهینه ی فعالیت هایشان مهیا می کند. افزون بر این در صورت نیاز، زنان نیز می توانند برخی از فعالیت های اقتصادی را در حریم خانواده انجام دهند؛ چنانچه حضرت زهرا - سلام ... علیها - نیز به این مهم

رعایت حریم ها و پابندی به شریعت و اخلاق دینی باید در مشارکت بانوان در فعالیت های بیرونیشان مورد توجه قرار گیرد، وگرنه حضور زنان بدون رعایت ضوابط اخلاقی و دینی و همراه با جلوه گری و خود نمایی، حتی اگر به خیانت نینجامد، سبب سردی روابط زوجین و یا فروپاشی آن خواهد شد.

درسیره ی بانوی یگانه گیتی، جلب رضایت و خشنودی همسر، اوج ادب و همراهی با شوهر، کمال ایثار و از



مبادرت ورزیده و در راه انداختن چرخه ی اقتصادی خانواده یاور صمیمی در کنار همسر بودند. گفتنی است مراد از دریافت آموزه های زندگی از کانون فاطمی، دریافت روح حاکم بر آن است. از این رو، با الگو قرار دادن سیره فاطمی،

خود گذشتگی، تجهیز روحی و روانی همسر برای جهاد، آسوده سازی خاطر همسر در عرصه تهذیب و پرورش فرزندان، رعایت حال همسر و تحمل کمبودهای مادی زندگی و کمک به استقلال اقتصادی خانواده به وفور دیده



می شود. در بازنمایی جلوه های رفتار فاطمی، رهبر فرزانه انقلاب می فرماید: « شما ببینید شوهرداری فاطمه زهرا - سلام ... علیها - چگونه بود. درطول ده سالی که پیامبر - صلوات ... علیه و آله - درمدینه بودند، حدود نه سالش حضرت زهرا و حضرت علی - سلام ... علیهما - باهمدیگر زن و شوهر بودند. دراین نه سال، جنگ های کوچک و بزرگی ذکرکرده اند؛ دراغلب آن ها امیرالمؤمنین - علیه السلام - هم بوده است. حالا شما ببینید او خانمی است که در خانه نشسته و شوهرش مرتب در جبهه است و اگر در جبهه نباشد، جبهه جنگ لنگ می ماند، از لحاظ زندگی هم وضع رو به راهی ندارند، همان چیزهایی که شنیده ایم.

« وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا، إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِرُوحِهِ اللَّهُ » (انسان / ۸۰۹)

یعنی حقیقتاً زندگی فقیرانه محض داشتند درحالی که دختر پیامبر است، یک نوع احساس مسئولیت هم می کند. ببینید انسان چه روحیه ی قوی ای باید داشته باشد تا بتواند این شوهر را تجهیز کند، دل او را از وسوسه ی اهل و عیال و گرفتاری زندگی خالی کند، به او گرمی بدهد، بچه ها را به آن خوبی تربیت کند؛ حالا شما بگویید امام حسن و امام حسین - علیهما السلام - امام بودند، طینت امامت داشتند، زینب - سلام ... علیها - که امام نبود، فاطمه زهرا - سلام ... علیها - این گونه خانه داری، شوهرداری و کدبانویی کردند و این طور محور زندگی در تاریخ قرار گرفتند. آیا این ها نمی تواند برای یک دختر جوان، یک خانم خانه دار یا مشرف به خانه داری الگو باشد؟ این ها خیلی مهم است». (رهبر معظم انقلاب، هفته جوان، ۷/۲/۷۷)

فاطمه - سلام ... علیها - الگوست، الگوی کار، الگوی انسانیت، الگوی عشق و پرستش، الگوی شرف و عفت، الگوی عصمت و کرامت و الگوی عقل و کیاست. الگوگیری

از فاطمه - سلام ... علیها - موجب دوری آتش است زیرا که خود او بدان خاطر فاطمه نامیده شد که از شر و آتش بازداشته شد: « وائما سمیت فاطمه - سلام ... علیها - لانها فطمت عن الشر وائما سمیت فاطمة - سلام ... علیها - لانها فطمت عن النار » (بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۵)

بیاییم اسم فاطمه و رسم فاطمه - سلام ... علیها - را الگوی عملی خود قرار دهیم و با پیروی از او، رضا و رضوان الهی را بدست آوریم. اگرچه قلم و گفتار آدمی، ناتوان تر از آن است که در وصف همو که باید از وی مادری، همسری، ایثار، اتفاق، صدق، صفا، رضا، ادب، پوشیدگی، حیا و هزاران جلوه و سبک حیات زیبا آموخت، به نوشتار و سخن آید.

« اللهم انی اسئلك بحق فاطمه و ایبها و بعلها و بنیها و سر المستودع فیها ان تصلى علی محمد و آل محمد و ان تفعل بی ما انت اهله و ان تقضى حوائجی ». (منتهی الاعمال، ج ۱، ص ۱۳۴)

# سبک زندگی خانواده اسلامی

## از نگاه رهبر معظم انقلاب (مد ظله العالی)



چیز بدهید و یک چیز بگیرید. نه، اینجا چیزی دادن و چیزی گرفتن نیست؛ بلکه هر دو نفر موجودی خودشان را در صندوق وکاسه‌ی مشترکی می‌گذارند و هر دو از آن استفاده می‌کنند.

بنابراین، نقش مادیات در اینجا باید خیلی ضعیف باشد. ما که می‌گوییم مهریه‌ها را سنگین نکنند، از این بابت است. اگر ما گفته‌ایم که مهریه بیش از فلان مقدار نباشد، معنایش این نیست که اگر بیش از فلان مقدار بود، عقد باطل یا حرام است؛ نه، جایز هم هست، اما کار غلط است.

بعضی‌ها چند میلیون تومان مهریه می‌گذارند؛ یعنی ازدواج را که یک امر انسانی است، به یک داد و ستد و به یک کار بازاری و معامله‌گری تبدیل می‌کنند. این، تحقیر و توهین به نقش و شأن انسانیت در ازدواج است. این، کار غلطی است.

مصاحبه‌ی فرضی که پیش روی شماست، برداشت‌ها و برش‌هایی از فرمایشات و توصیه‌های ارزشمند رهبر معظم انقلاب حضرت امام خامنه‌ای - حفظه الله - می‌باشد که بهترین الگو و راهنما برای زندگی سعادتمندانه و گرما بخش کانون خانواده‌هایمان خواهد بود.

■ فرمودید، با ازدواج یک علقه بین پسر و دختر به وجود می‌آید؛ حال بفرمایید چه طور می‌توان این علقه را حفظ کرد؟

«مبادا با گله‌ها، با دلخوری‌ها، با افزون‌طلبی و پُرتوقعی‌ها، با بی‌محبتی‌ها و گاهی با دخالت‌های دیگران و از این قبیل، این کانون سست بشود. البته آدم‌های عاقل و زیرک و با احساس و وجدان صادق، راهش را پیدا می‌کنند. این، با اطمینان و با محبت متقابل حفظ می‌شود. زن به مرد تحمیل نکند و زور نگوید؛ مرد هم به زن زور نگوید و افزون‌طلبی نکند؛ مثل دو رفیق و مثل دو شریک، باهم صمیمی باشند، تا این کانون خانواده حفظ بشود».

■ از دیدگاه شما قضیه ازدواج و مهریه چیست؟ آیا می‌توان گفت مهریه به صورت یک معامله داد و ستدی است؟

در ازدواج، اصل قضیه یک امر انسانی است؛ نه یک امر مادی. اسلام مهریه را قرار داده است؛ اما مهریه این را به صورت یک معامله داد و ستدی نمی‌کند. اینجا داد و ستدی نیست؛ بلکه طرفین در یک جای مشترک سرمایه‌گذاری می‌کنند. این‌طور نیست که شما مثل خرید و فروش، یک

## ■ به نظر شما در آیه ی شریفه منظور از «من انفسکم ازواج» چیست؟

یعنی از جمله نشانه های قدرت الهی یکی این است که برای شما انسان ها، از نوع خودتان و از جنس خودتان همسرانی قرار داد؛ برای شما مردان، زنان را و برای شما زنان، مردان را که از خودتان هستند؛ «من انفسکم»، جنس جداگانه ای نیستند، در دو رتبه ی جداگانه نیستند؛ همه یک حقیقتند، یک جوهر و یک ذاتند. البته در بعضی از خصوصیات، باهم تفاوت هایی دارند؛ چون وظایفشان دوتاست. بعد می فرماید: «لتسکنوا

الیها» یعنی زوجیت و دو جنسی در طبیعت بشر، برای هدف بزرگی است. آن هدف، عبارت است از سکون و آرامش، تا شما در کنار جنس مخالف خودتان در درون خانواده، مرد در کنار زن، زن در کنار مرد آرامش پیدا کنید. برای مرد هم آمدن به داخل خانه، یافتن محیط امن خانه، زن مهربان و دوستدار و امین در کنار او، وسیله ی آرامش است؛ برای زن هم داشتن مرد و تکیه گاهی که به او عشق بورزد و برای او مانند حصن مستحکمی باشد،

چون مرد جسماً قوی تر از زن است یک خوشبختی است؛ مایه ی آرامش و سعادت است. خانواده این را برای هر دو تأمین می کند. مرد برای پیدا کردن آرامش، به زن در محیط خانواده احتیاج دارد؛ زن هم برای یافتن آرامش، به مرد در محیط خانواده نیازمند است «لتسکنوا الیها» هر دو برای سکون و آرامش، به هم احتیاج دارند. (همایش بزرگ زنان در ورزشگاه آزادی به مناسبت جشن میلاد کوثر، ۱۳۷۶)

■ مهم ترین چیزی که بشر به آن احتیاج دارد چه می باشد و چگونه قابل دستیابی است؟  
مهم ترین چیزی که بشر به آن احتیاج دارد، آرامش است.

سعادت انسان در این است که از تلاطم و اضطراب روحی در امان و آرامش روحی داشته باشد. این را خانواده به انسان می دهد؛ هم به زن و هم به مرد. جمله ی بعدی بسیار جالب و زیباست. می فرماید: «و جعل بینکم مودة و رحمة». رابطه ی درست زن و مرد این است: مودت و رحمت، رابطه ی دوستی، رابطه ی مهربانی؛ هم یکدیگر را دوست بدارند و به هم عشق بورزند و هم با یکدیگر مهربان باشند. عشق ورزیدن همراه با خشونت مورد قبول نیست؛ مهربانی بدون محبت هم مورد قبول نیست. (همان)

## ■ مصادیق ظلم به زن در خانواده چه می باشد؟

طبیعت الهی زن و مرد در محیط خانواده، طبیعتی به همراه رابطه ی عشق و مهربانی است: «مودة و رحمة». اگر این رابطه تغییر پیدا کرد، اگر مرد در خانه احساس مالکیت کرد، اگر به چشم استخدام و استثمار به زن نگاه کرد، این ظلم است که متأسفانه خیلی از مردان این ظلم را می کنند. در محیط بیرون خانواده نیز همین طور است. اگر زن محیط امن و توأم با امنیت برای درس خواندن، برای کار کردن، برای احیاناً کسب درآمد و برای استراحت نداشته باشد، این ظلم و ستمکاری است. هرکس که موجب این ظلم شود، باید قانون و جامعه ی اسلامی با او مقابله کند.

چنانچه نگذارند زن به تحصیلات صحیح و به علم و معرفت دست پیدا کند، این ظلم است. اگر شرایط طوری باشد که زن فرصت پیدا نکند به خاطر زیادی کار و فشار کارهای گوناگون، به اخلاق خود، به دین خود و به معرفت خود برسد، این ظلم است. اگر زن امکان پیدا نکند که از مایملک خود به طور مستقل و با اراده ی خود استفاده کند، این

«لتسکنوا الیها» یعنی زوجیت و دو جنسی در طبیعت بشر، برای هدف بزرگی است. آن هدف، عبارت است از سکون و آرامش، تا شما در کنار جنس مخالف خودتان در درون خانواده، مرد در کنار زن، زن در کنار مرد آرامش پیدا کنید. برای مرد هم آمدن به داخل خانه، یافتن محیط امن خانه، زن مهربان و دوستدار و امین در کنار او، وسیله ی آرامش است.

ظلم است. اگر به زن در هنگام ازدواج، شوهری تحمیل شود یعنی خود او در انتخاب شوهر نقشی نداشته باشد و اراده و میل او مورد اعتنا قرار نگیرد این ظلم است. اگر زن، چه آن وقتی که داخل خانه با خانواده زندگی می‌کند و چه در صورتی که از شوهر جدا می‌شود، نتواند از فرزند خود بهره‌ی عاطفی لازم را ببرد، این ظلم است. اگر زن استعدادی دارد مثلاً استعداد علمی دارد، استعداد برای اختراعات و اکتشافات دارد، استعداد سیاسی دارد، استعداد کارهای اجتماعی دارد اما نمی‌گذارد از این استعداد استفاده کند و این استعداد شکوفا شود، ظلم است.

### ■ نظر حضرت عالی پیرامون مسأله‌ی شغل زنان چه می‌باشد؟

مسأله‌ی شغل هم مسأله‌ی دیگری است؛ البته مسأله‌ی درجه‌ی اولی نیست. اگرچه اسلام مانع مشاغل و مسئولیت‌های زنان نیست مگر در موارد استثنایی، که بعضی مورد اتفاق بین فقهاست، بعضی هم مختلف فیه است و در این زمینه‌ها هم البته باید کار شود لیکن مسأله‌ی اصلی زن این نیست که آیا شغلی دارد یا ندارد. مسأله‌ی اصلی زن، آن مسأله‌ی اساسی است که امروز در غرب متأسفانه از بین

رفته است و آن همان احساس آرامش و احساس امنیت و احساس امکان بروز استعداد و مورد ستم قرار نگرفتن در جامعه و در خانواده و در خانه‌ی شوهر و در خانه‌ی پدر و امثال این‌ها است.

### ■ منظور از انسان خوشبخت، چه انسانی است؟ خوشبختی میان همسران را تبیین فرمایید؟

کسی که «سَعَدَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ؛ حَصَلَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ» باشد؛ یعنی کسی که هم دنیا دارد هم آخرت دارد. یعنی یک انسان خوشبخت یعنی یک زندگی سعادت‌مند یعنی همانی که انبیا آن را خواسته‌اند. لذا می‌بینید پیغمبر اکرم دین آورد، همان جهت‌گیری را آورد. بر معنویات تکیه کرد اما پی‌درپی، ابزار مادی را هم به دست مردم داد. جاهایی را خودش مباشرتاً علم را یعنی علم زندگی و علم مربوط به اداره امور زندگی را به دست مردم داد. یک جا هم که کار پیچیده تر می‌شد و محتاج تخصص بود، آن‌ها را امرکرد که بروید علم یاد بگیرید، بروید بینش پیدا کنید، بروید به اشیا نگاه کنید. در قرآن و سنت نبی اکرم - صلی الله علیه و آله - راه کشف کردن، دیدن و پیدا کردن یاد داده شده است. نهج‌البلاغه ای که کتاب زهد است، بر سر آن



کسی که زندگی دنیا را رها کرده است به خیال این که آخرت خودش را درست کند فریاد می زند؛ اسلام این گونه نیست. (بیانات در دیدار دانشجویان، به مناسبت «روز وحدت حوزه و دانشگاه» ۱۳۷۲)

خوشبختی در این است که زن و شوهر، به هم محبت ورزند و همدیگر را دوست داشته باشند. با اخلاق خوب، رفتار مناسب، وفاداری و محبت ورزیدن به او. (خطبه عقد، ۱۳۷۷/۱/۱۹)

### ■ همسران در تعمیق و تعالی یکدیگر چه نقشی ایفا می کنند؟

«زن و شوهر باید سعی کنند که یکدیگر را اصلاح کنند، نه مثل یک آقا بالاسر که مرتب به دیگری نیش بزند؛ نه! مثل یک پرستار، یک مادر و پدر دلسوز. وجه مشترک زوجین در زندگی، باید عبارت باشد از توجه به خدا و اطاعت دستورات الهی و عمل به فرامین خدا. زن و شوهر باید همدیگر را در این جهت حفظ کنند. اگر زن می بیند که شوهر او بی اعتنا به مسائل دینی است، او را با حکمت و اخلاق خوش و ظرافت و زیرکی زنانه، وادار به آمدن در راه خدا کند. مرد هم اگر می بیند زنش بی اعتناست، او هم باید همین تکلیف را انجام دهد. این از کارهای اساسی در زندگی است»<sup>۱</sup>.

■ اگر بخواهیم زندگیمان، زندگی خوبی باشد چه کنیم؟  
زندگیتان مقید به تشریفات نباشد؛ ۱۴ سکه مهریه بیش تر، در ازدواج اشکالی ایجاد نمی کند بلکه مقصود از ۱۴ سکه آن است که جنبه ی معنوی ازدواج بر مادیات غلبه پیدا کند، اصل محبت است این محبت را که خدا به شما می دهد حفظ کنید، نگه دارید، به برکت این محبت، بوستان خانواده را سرسبز نگه دارید.

### ■ چه توصیه ای به جوانان مجرد می کنید؟

انسان وقتی ازدواج نکرده، برحسب طبیعت حیات چیزی کم دارد، وقتی زن و شوهر شدند کامل می شوند. خداوند این جور آفریده که هرکدام از لحاظ روحی به یکدیگر نیاز دارند. آن شاء الله... خداوند متعال شما جوان های نامتأهل را به زودی زود، از نعمت تأهل خوشبخت کننده برخوردار کند.

### ■ چه توصیه های پدرا نه ای به زوج های جوان بیان می فرمایید؟

(ابتدا) همسری شما جوانان عزیز را که پیوند دل ها و جسم ها و سرنوشت ها است، صمیمانه به همه ی شما فرزندان عزیزم تبریک می گویم. (ضمناً) توصیه می کنم به همسران خود مهر بورزید، به آنان وفادار باشید و خویشتن را در سرنوشت یکدیگر شریک بدانید. از گره افتادن در رشته ی زندگی مشترک برحذر باشید و گره های کوچک و بی اهمیت را نادیده بگیرید. خداوند به شما خوشبختی و شادکامی و اعتلاء روحی عطا فرماید و کانون زندگیتان را با فرزندان تندرست و صالح، گرمی و روشنی ببخشد؛ **إن شاء الله**.<sup>۲</sup>

■ لطفاً خاطره ای از خانواده ی محترم خود بفرمایید.  
«خانواده ی ما از دو طرف یک خانواده ی روحانی بود. به همین دلیل هم بود که ما از بچگی ملبس به لباس روحانی بودیم. من و برادر بزرگم، آقا سید محمد، از دوران دبستان عمامه سرمان بود. گاهی پدرم می خواست به نماز برود یا به مسجد، ما را صدا می کرد. از بچگی به ما علی آقا می گفتند، علی و محمد نمی گفتند؛ علی آقا و محمد آقا می گفتند. احتراممان می کردند. صدا می کردند: علی آقا، محمد آقا... بیایید برویم مسجد. ما هم می دویدیم عمامه می گذاشتیم سرمان و عبا می پوشیدیم و با آقا می رفتیم مسجد».<sup>۳</sup> □

۱. مطلع عشق، ص ۱۶، خطبه عقد، ۷۲/۲/۳۱

۲. مکتوبات سال ۷۹ - ۱۳۷۸، پیام تبریک به مناسبت جشن ازدواج یک هزار زوج دانشجوی دانشگاه های تهران

۳. گلشن ابرار، ج ۲، ص ۹۷۰

# « مسئولیت والدین و فرزندان در برابر یکدیگر »

حجت الاسلام و المسلمین دکتر سید حسین اسحاقی



## الف - مسئولیت والدین در برابر فرزندان

فرزند، نعمتی است که خداوند متعال به والدین عطا می‌کند. در روایت‌های معصومان - علیهم السلام - از فرزند به برکت، گلی از گل‌های بهشت و جگرگوشه مؤمن تعبیر شده است. از حسن بصری نقل شده است که می‌گفت: فرزند چیزی است که اگر زنده بماند، رنجورم می‌کند و چون بمیرد، مرگش بی‌تاب و توانم می‌سازد. چون این سخن به گوش امام سجاد - علیه السلام - رسید، فرمود:

« به خدا قسم، دروغ گفتم. فرزند بهترین نعمت است. اگر بماند، دعایی است حاضر؛ یعنی دعایش در حق والدین مستجاب است و چون بمیرد، شفاعت‌کننده‌ای است که انسان او را پیشاپیش می‌فرستد». (میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۱۲)

پس، والدین باید شکر این نعمت را به‌جای آورند، بدین صورت که مسئولیت‌هایی را که در برابر فرزندان دارند، انجام دهند. برخی به اشتباه می‌پندارند که تنها والدین بر گردن فرزند حق دارند و برای فرزندان هیچ حقی نیست. ابو رافع روزی از پیامبر خدا - صلوات الله علیه و آله - پرسید: مگر فرزندان بر ما حقی دارند، همان گونه که ما بر آنها حق داریم؟ فرمود: آری و آن گاه حقوقی را برشمرد:<sup>۱</sup>

۱- علاءالدین متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۶، ص ۴۴۴



## ۱- مراقبت‌های اولیه والدین پیش از تولد فرزندان

مسئولیت پدر و مادر در تربیت فرزندان، از هنگام انتخاب همسر و نیز از زمان انعقاد نطفه و سپس دوران بارداری آغاز می‌شود. مروری کوتاه بر دستورهای دین مبین اسلام در این باره، اهمیت نهاد خانواده را در این مکتب نشان می‌دهد. پیشوایان معصوم - علیهما السلام - ما برای داشتن فرزندی خوب ابتدا برگزینش همسر شایسته تأکید کرده‌اند.

رسول اکرم - صلوات الله علیه و آله - می‌فرماید :

« أَنْظِرْ فِي أَيْ شَيْءٍ تَضَعُ وَلَدَكَ فَإِنَّ الْعِرْقَ دَسَّاسٌ »؛

« ببین نطفه خود را در چه محلی قرار می‌دهی، زیرا رگ و ریشه ی خانوادگی بر فرزندان اثر می‌گذارد ».

(شیخ عباس قمی، تتمه المنتهی، ص ۱۲)

محمد حنفیه، فرزند امام علی - علیه السلام - در جنگ جمل پرچم دار لشکر بود. علی - علیه السلام - به او فرمان حمله داد، محمد حنفیه حمله کرد، ولی دشمن با ضربت تیر جلوی او را گرفت و او از پیشروی بازماند. حضرت خود را به او رساند و فرمود: از ضربه‌های دشمن مترس و حمله

کن. وی قدری پیشروی کرد، ولی باز متوقف شد. امام علی - علیه السلام - از ضعف فرزندش سخت آزرده خاطر شد، نزدیک آمد و با قبضه شمشیر به دوش وی کوبید و فرمود: این ترس را از مادرت به ارث برده‌ای .

(المسطف، ج ۲، ص ۲۱۸)

امام علی - علیه السلام - آن چنان به این مهم توجه داشت که به برادرش عقیل سفارش کرد زنی شجاع و نیرومند برایش انتخاب کند تا از او فرزندی شجاع به دنیا آید. عقیل، از طایفه بنی کلاب زنی با این اوصاف را برای امیرالمؤمنین علی - علیه السلام - خواستگاری کرد که بعدها او را «ام البنین» خواندند و قمر بنی‌هاشم، حضرت ابوالفضل العباس - علیه السلام - در دامان او پرورش یافت. البته پس از گزینش همسر مناسب، مراقبت‌های لازم در هنگام انعقاد نطفه و نیز دوران بارداری، از مسئولیت‌های زیربنایی والدین به شمار می‌آید .

## ۲- تربیت صحیح اسلامی

مسئولیت اساسی والدین در برابر فرزندان، تربیت صحیح است. هر چند تربیت، خودواژه‌ای عالی است که همه ی کردارها

به نکته مهم دیگری هم اشاره کرده است که بسیاری، از آن غافل هستند و آن « تغذیه حلال » است. آری، لقمه حلال کمک مؤثری به سالم سازی روح و آماده کردن آن برای درک معارف الهی می کند. بنابراین، والدین باید بکوشند از همان دوران شیرخوارگی، کودک را با غذای حلال پرورش دهند. همه تأکیدهایی که درباره انتخاب دایه شده، به خاطر تأثیر شیر بر تربیت است. امام صادق - صلوات ... علیه و آله - از حضرت علی - علیه السلام - روایت می کند: « تَخَيَّرُ وَ اللَّرْضَاعُ كَمَا تَتَخَيَّرُونَ لِلنَّكَاحِ فَإِنَّ الرَّضَاعَ يُغَيِّرُ الطَّبَاعَ »؛ « در امر دایه و شیر دادن کودک دقت کنید و بهترین و سالم ترین افراد را انتخاب کنید، همچنان که در انتخاب همسر دقت می کنید؛ زیرا شیر دادن طبیعت کودک را تغییر می دهد. » (فروع کافی، ج ۲، ص ۹۳)



و فعالیت های والدین را در تمامی زمینه ها شامل می شود لیکن منظور ما در اینجا آراستن فرزند به آداب اسلامی است. این مهم، از پیش از انعقاد نطفه آغاز می شود و در دوران بارداری، زمان تولد و دوران کودکی و دوره های پس از آن ادامه می یابد. این مسئولیت به اندازه ای با اهمیت است که پیامبر اکرم - صلوات ... علیه و آله - می فرماید: « لَأَنْ يُؤَدَّبَ أَحَدُكُمْ وَلَدَهُ خَيْرٌ لَهُ مِنْ أَنْ يَتَصَدَّقَ بِنُصْفِ صَالِحِ كُلِّ يَوْمٍ »؛

« اگر هر یک از شما به تربیت فرزند خود بپردازد، برای او نیکوتر از آن است که هر روز نیمی از درآمد خود را در راه خدا صدقه بدهد. » (مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۶۶)

همچنین ایوب بن موسی، از نبی خدا - صلوات ... علیه و آله - روایت می کند: « مَا نَحَلَّ وَالِدٌ أَفْضَلَ مِنْ أَدَبٍ حَسَنٍ »؛ « هیچ هدیه ای از طرف پدر به پسر، بهتر از حُسن ادب و تربیت نیکو نیست. » (همان، ص ۱۶۴)

والدین با تربیت صحیح، بهترین میراث را برای فرزندان خود بر جای می گذارند، چرا که بنا به فرمایش پیامبر گرامی - صلوات ... علیه و آله - « مَا وَرَثَ وَالِدٌ وَلَدَهُ أَفْضَلُ مِنْ أَدَبٍ »؛ « هیچ میراثی از ادب و تربیت صحیح برای فرزند بهتر نیست. » (کنز العمال، ج ۱۶، ص ۴۶۰)

### ۳- تغذیه حلال و مناسب

همگان بر این نکته آگاهند که تغذیه کافی و مناسب در رشد انسان، به ویژه کودکان مؤثر است. از این رو می کوشند انواع معاش لازم را برای بدن تأمین کنند. اسلام نیز بر این مسأله تأکید و نقش تغذیه را گوشزد کرده است. روایت های بسیاری از پیشوایان معصوم - علیهما السلام - در این زمینه به ما رسیده است و بر اساس آن ها کتاب های سودمندی درباره خواص گیاهان، خورده ها و آشامیدنی ها به چاپ رسیده است. در کنار این ها، اسلام

تأثیر شیر پاک را می توان در داستانی از شیخ انصاری به خوبی مشاهده کرد. وقتی به مادر غفیفه و بزرگوار شیخ انصاری در داشتن چنین فرزندی تبریک می گویند و علت زهد و نبوغ علمی او را جويا می شوند، می گوید: چیزی نشده است، زیرا با آن زحمتی که در پرورش او به کار بردم، انتظار داشتم که به کمالات بیشتری برسد. گفتند: مگر چه کرده

ای؟ جواب داد: من در تمام مدت دو سال شیرخوارگی اش هیچ گاه او را بی وضو شیر ندادم. بنابراین، با چنین مراقبتی که من از او به عمل آوردم، رسیدن به چنین مرتبه ای بعید نیست. (زندگی و شخصیت شیخ انصاری، ص ۷۰)

#### ۴- انتخاب نام نیک

معمولاً بر نوزاد نامی نهاده می شود که تا پایان عمر بدان خوانده می شود. نام های زیبا و با معنا و محتوای اسلامی نشان دهنده ی شخصیت خانوادگی هر فرد است. بنابراین، پدر و مادر باید بر این مسئولیت خویش آگاه باشند و برای فرزندان خود نام های نیک انتخاب کنند. ابن عباس از پیامبر خدا - صلوات ... علیه و آله - نقل می کند که فرمود: «حَقُّ الْوَلَدِ عَلَى الْوَالِدِ أَنْ يُحَسِّنَ اسْمَهُ وَ يُحَسِّنَ أَدَبَهُ»؛ «حق فرزند بر پدر آن است که نام خوبی



بر او بگذارد و به بهترین شکل تربیتش کند». (کنز العمال، ج ۱۶، ص ۴۷۷)  
امیرالمؤمنین علی - علیه السلام - از رسول گرامی اسلام - صلوات ... علیه و آله - روایت می کند: «اولین هدیه ای که هر یک از شما به فرزندش می بخشد، نام خوب است. پس، بهترین نام را برای فرزند خود انتخاب کنید». (شیخ حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۲۲)

در اخبار اسلامی آمده است که روزی مردی در حالی که دست فرزندش را گرفته بود، به حضور رسول خدا - صلوات ... علیه و آله - رسید و پرسید: این فرزند من چه حقی بر من دارد؟ حضرت فرمود: نام خوبی برایش برگزینی و خوب تربیتش کنی و او را در جایگاهی نیکو قرار دهی. (همان، صص ۱۲۳ و ۱۲۴)

#### ۵- سواد آموزی

در روایتی زیبا از پیامبر اکرم - صلوات ... علیه و آله - آمده است: از حقوقی که فرزند بر پدر دارد، سه چیز است  
۱- نام نیک برای او انتخاب کند  
۲- به او خواندن و نوشتن بیاموزد  
۳- چون به سن بلوغ برسد، همسری برایش برگزیند.  
(وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۲۱۰) □



# پرسمان پیرامون فرزندان

## پرسش از شما پاسخ از معصوم علیه السلام

اهمیت خانواده بیش از هر چیز، در تربیت فرزندان ظهور می کند. خانواده های بسامان و شکوفا شده، بسترهای مناسبی برای تربیت فرزندان به شمار می روند و در مقابل خانواده های پریشان و از هم گسیخته، مهم ترین عامل پیدایش آسیب های رفتاری و اجتماعی هستند.

داشتن فرزندان بهترین اعمال است، زیرا آفرینش آنان بر توحید است و اگر مرگشان فرا رسیده، به رحمت من داخل بهشت خواهند شد». (مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۶۱۵)

### ■ چگونه به کودکان اظهار محبت و علاقه کنیم؟

مهر و عطوفت رسول اکرم - صلوات الله علیه و آله - شامل همه کودکان می شد، رسول اکرم - صلوات الله علیه و آله - وقتی از سفری مراجعت می نمودند و در راه با کودکان مواجه می شدند، به احترام آنان می ایستادند، کودکان می آمدند و حضرت بعضی را در آغوش می گرفتند و بعضی را بر پشت و دوش خود سوار می کردند و به اصحاب خویش نیز توصیه می فرمودند که چنین کنند. بچه ها از

### ■ والدین چگونه باید علاقه و محبت خویش را به کودکان ابراز کنند؟

محبت را باید از دل به زبان و عمل آورد تا کودک آن را با تمام وجود احساس و لمس کند. پیامبر اکرم - صلوات الله علیه و آله - می فرماید: «هرگاه یکی از شما کسی را دوست دارد باید او را آگاه گرداند». (بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۱۸۲)

### ■ بهترین کار چه می باشد؟

افضل اعمال، محبت به کوچک ترهاست؛ امام صادق - علیه السلام - فرمود: «حضرت موسی از خدای متعال سؤال کرد افضل اعمال چیست؟ خداوند فرمود: دوست

این صحنه های مسرت آمیز بی اندازه خوشحال می شدند و این خاطرات شیرین را هرگز فراموش نمی کردند.

(محجه البیضاء، ج ۳، ص ۳۶۶)

روزی پیامبر- صلوات الله علیه و آله - نشسته بودند که حسن و حسین - علیهما السلام - وارد شدند، حضرت به احترام آنها از جای برخاستند و به انتظار ایستادند. کودکان در راه رفتن ضعیف بودند، لحظاتی چند طول کشید و نرسیدند. آن حضرت به طرف کودکان پیش رفتند و از آنان استقبال نموده، آغوش باز کرده و هر دو را بر دوش خود نمودند و به راه افتادند و در همان حال فرمودند: «فرزندان عزیز، مرکب شما چه خوب مرکبی است و شما چه خوب سوارانی هستید». (بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۸۵)

## ب - مسئولیت فرزندان در برابر والدین

نکته اساسی دیگر در نهاد خانواده رعایت حقوقی است که پدر و مادر بر گردن فرزند دارند. بی شک، یکی از حقوق اساسی والدین، احترام به آنهاست. پدر و مادر در همه مراحل زندگی، از فرزندان خود توقع احترام دارند. قرآن کریم نیز به این امر بسیار اهمیت داده است، به گونه ای که در یکی از آیات احسان به پدر و مادر بعد از پرستش خدای یگانه ذکر شده است.

«وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أَفْ وَ لَا تَنْهَرُهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا \* وَ اخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذَّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا».

«پروردگارت مقرر داشت که جز او را نپرستید و به پدر و مادر نیکی کنید. هرگاه تا [زمانی که] تو زنده هستی، هر دو یا یکی از آن دو سالخورده شوند، آنان را میازار، به

درستی خطاب مکن حتی به آنان اف هم مگو و با آنان به اکرام سخن بگو. در برابرشان از روی مهربانی سر تواضع فرود آور و بگو: ای پروردگار من، همچنان که مرا در خردی پرورش دادند، بر آنها رحمت آور». (اسراء / ۲۳ و ۲۴)

در این آیه ی شریفه، نکته های عمیق و آموزنده ای وجود دارد که با نگاه دقیق به آنها، حقوق والدین و منزلت آنان به خوبی آشکار می شود.

۱. احترام و احسان به پدر و مادر در کنار پرستش خداوند ذکر شده و این نشان دهنده ی اهمیت بالای موضوع است.

۲. به هیچ روی نباید والدین را رنجاند و سخنان آزار دهنده ای به آنان گفت.

۳. هنگامی که سالخورده شدند و حوصله، توقع، روش، منش و دیگر خصوصیات اخلاقی آنان با شما سازگاری نداشت، نباید بی تاب، عصبی و کم حوصله شوید و حتی در این هنگام نباید به آنان «اف» بگویید.

۴. در حضور والدین، کمال تواضع را داشته باشید. تعبیر قرآن در آیه ی یاد شده این است که در برابر آنان «خفض جناح» کنید. اگر شما پرنده ای را دنبال کنید، این پرنده تا آنجا که می تواند، بال می زند و فرار می کند و هرگاه نتوانست، بر زمین می دود، ولی اگر باز هم نتوانست برود، بال هایش را پهن می کند و تسلیم می شود، این حالت را «خفض جناح» می گویند؛ یعنی بال ها را به نشانه التماس، پهن کردن و تسلیم شدن.

۵. در حق والدین دعا کردن و برای آنان طلب رحمت کردن.

این آموزه های مؤکد اسلامی، نشان از شکوه و قرب والدین در دین اسلام دارد. چه بسا فرزندی که با خدمت به والدین، به سعادت دنیا و آخرت دست یافته اند و در مقابل، در لابه لای تاریخ دیده می شود که عاقبت بی احترامی به پدر و مادر بسیار شوم و نکبت بار است. □

# گفت و گو با فاطمه حسینی

## بانوی خانواده ای با اخلاق متعالی



و یاری دهنده سایر اعضای خانواده به کمک او خواهند شتافت .  
با مادر این خانواده گفتگویی صمیمانه داشتیم؛ ایشان که بانویی عالم و فاضل است چنین بیان داشت :

پایه و اساس یک زندگی موفق در انتخابی با بصیرت است. مهم ترین معیار این انتخاب، کفویت همسران است. همانطور که فرموده اند:

و با انگیزه و علاقه شخصی و تشویق های همسر موفق به اتمام تحصیلات عالی شده و اکنون از اساتید فرهیخته حوزه و دانشگاه می باشد. البته ایشان در طول زندگی، همواره خانواده را بر تحصیل علم و اشتغالات خود مقدم داشته است. زندگی این خانواده که سرشار از مهرورزی است بر اساس تفاهم، همدلی و گذشت پایه ریزی شده است. هر زمان کسی نیاز به یاری داشته باشد، دستان مهربان

پدر خانواده، دانش آموخته است. او همیشه سعی کرده است با تلاش و کوشش، رزق حلال را به خانه بیاورد. در عین حال ارتباط خوبی با همسر و فرزندان دارد .

مادر خانواده نیز در عین انجام وظایف خطیر همسری و مادری و با داشتن سه فرزند، به کسب علم پرداخته است. ایشان با وجود فراز و نشیب های بسیاری که در زندگی داشته، به خواست خداوند متعال

« المؤمن کفو المؤمن » کسی که مؤمن باشد به دنبال کسب علم و اخلاق و کار هم می رود. مگر می شود کسی مؤمن باشد اما مسئولیت پذیر نباشد! مگر می شود کسی مؤمن باشد اما مهرورزی بلد نباشد!

پایه های دینمان بر اساس مهر و محبت است. محبت به خدایی که بر اساس برهان حب بر زندگی ما جاری است و با تشکیل خانواده، آنگاه که بر شاخسار جاذبه جنسی، گل های محبت بروید، شکوفا می شود. همانطور که خداوند در قرآن کریم، «مودت» که بالاتر از محبت می باشد را وعده داده است «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (روم / ۲۱)؛ «از نشانه های او این است که همسرانی از (جنس) خودتان برای شما آفرید، تا بدان ها آرامش یابید و در بین شما دوستی و رحمت قرار داد قطعا در آن [ها] نشانه هایی است برای گروهی که تفکر می کنند». اگر پایه و اساس خانواده ای، مهرورزی شد، این مهرورزی به بیرون از خانواده هم تراوش می کند. لذا محبت از خانواده که یک نهاد اجتماعی است بر جامعه نیز ساری شده و بشریت آباد می شود.

اصل دینمان مهرورزی است. اصل در زندگی خانوادگی و اجتماعی، نرم خویی، خوش خلقی و منش متواضعانه است. امام سجاد - علیه السلام - در دعای شریف «مکارم الاخلاق» از پیشگاه خداوند درخواست می کند که «بارالها! موفقم بدار تا با «لین العریکه» (طبعی نرم و ملایم) و «خفض الجناح» (فروتنی و تواضع)، با مردم معاشرت نمایم. آری! اصل، سازگاری با دیگران است.

این بانوی فرزانه در ادامه و در بیان جایگاه علم و تحصیل آن چنین عنوان نمود: علم دوستی یکی از ابعاد چهارگانه روح آدمی است و باید مجالی برای ارضای آن یافت؛ خانم ها نیز باید تشویق به کسب دانش، آن هم دانشی مفید شوند تا از مدگرایی، اتلاف وقت، چشم و هم چشمی و هزار مفسده دیگر که امروز می بینیم بپرهیزند. همانطور که امروزه به وفور دیده می شود زنان هزینه های سنگینی را برای آرایش و اصلاح اجزای صورت و بدنشان که بسیار خطرناک است می پردازند؛ خطراتی که مهلک نسل و حرث است و آثار زیان بار جسمی و روانی نیز به دنبال دارد. زنی که به دنبال دانش برود، به حد متعادل به آراستگی و ورزش خود نیز که به فرمایش رهبر معظم انقلاب واجب است توجه دارد؛ لذا زنان با علم آموزی، هم نیاز خود را اشباع می کنند و هم جامعه را آباد می نمایند.

این بانوی دانشمند در نهایت، خط مشی خود را در چند جمله کوتاه چنین تبیین نمود:

- خدا واقعاً ناظر است.
- کاملاً تسلیم خدا باشید. بانو امین می فرمودند: آدم از نظر تسلیم بودن در برابر خدا باید مثل مرده در دست غسل باشد
- باید کارها را برای خدا انجام داد، سخت است اما باید تمرین کرد.
- دنیا گذراست و در چشم بر هم زدنی به پایان می رسد.
- درس بخوانید، حیف است عمرتان را تلف کنید. □

# سبک زندگی اسلامی و تحولات جمعیتی جامعه‌ی ایرانی



امام راحل (ره) در ارتباط با ظرفیت جمعیتی ایران فرموده‌اند: « مملکت ایران ۳۵ میلیون حالا می‌گویند جمعیت دارد. وسعتش آنقدر است که برای ۱۵۰ میلیون تا ۲۰۰ میلیون جمعیت کافی است. یعنی اگر ۲۰۰ میلیون جمعیت داشته باشد، در ایران به رفاه، زندگی می‌کنند». (صحیفه امام، ج ۷، ص ۳۹۳)

من معتقدم که کشور ما با امکاناتی که داریم، می‌تواند صد و پنجاه میلیون نفر جمعیت داشته باشد. من معتقد به کثرت جمعیتیم. هر اقدام و تدبیری که می‌خواهد برای متوقف کردن

رشد جمعیت انجام بگیرد، بعد از صد و پنجاه میلیون انجام بگیرد. (بیانات رهبر معظم انقلاب - مد ظله العالی - در جمع مسئولان نظام، ۱۶/۵/۱۳۹۰)

سیاست اسلام در مورد جمعیت، دستیابی به جمعیتی مطلوب در بعد کیفی و کمی است. از این رو مسأله‌ی جمعیت و تعادل جمعیتی برای رسیدن به جمعیتی مطلوب و کیفی از اهداف اولیه نظام اسلامی خواهد بود. در این صورت بایستی کلیه برنامه ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌ها در راستای منطقی کردن رشد جمعیت و هماهنگی با امکانات و مقدرات و

زمینه سازی توسعه کمی و کیفی و رشد فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی جامعه برای رساندن آحاد مردم به رفاهی کمال آفرین باشد. این وضعیت اجتماعی همان است که قرآن کریم از آن به « حیات طیبه » یاد کرده است. با این هدف سیاست‌های جمعیتی هر کشوری متناسب با آرمان‌ها، اعتقادات، اهداف و برنامه‌ها برای دستیابی به اقدامات و طرح‌های متناسب و مطلوب آن جامعه قابل بازمهندسی است. بنابراین ضروری است میان برنامه‌های توسعه و پیشرفت، اسناد کلان نظام، سند چشم انداز و سیاست‌های

جمعیتی، هماهنگی و همخوانی مبنایی و اصولی ایجاد گردد. مطالعات صورت گرفته در خصوص نرخ باروری (TFR) در جمهوری اسلامی ایران از وضعیت نگران کننده ای خبر می دهد. منظور از نرخ باروری تعیین تعداد فرزندان است که جانشین والدین می شوند. اگر این شاخص در حد ۲/۱ بچه برای هر خانواده یا کمتر باشد به معنی کاهش تدریجی جمعیت و نهایتاً انقراض نسلی است. با مراجعه به ارقام مرکز آمار ایران و سازمان ملل متحد در سال ۱۳۸۵ این رقم برای کل کشور ۱/۸ فرزند است. یعنی ۱۸ فرزند با ۲۰ نفر والدین جایگزین می شوند که به میزان ۲ نفر کمتر از حد جانشینی است. این رقم در سال ۱۳۹۰ به حدود ۱/۶ فرزند برای هر مادر رسیده است؛ و این وضعیت یعنی انقراض تدریجی نسل.

یادآور می شود که این شرایط مختص ایران نیست و هم اکنون تعدادی از کشورهای پیشرفته که نرخ باروری کل آن ها کمتر از ۲ است با ارائه

مشوق هایی تلاش دارند تا والدین را به داشتن فرزندان بیشتر ترغیب کنند و کسی هم اقدامات آن ها را منفی ارزیابی نمی کند.

بنا بر آنچه بیان گردید، بایستی هر چه سریعتر در راستای بهینه کردن جمعیت و تدوین سیاست جامع



جمعیتی اقدامات در خور لزوم صورت پذیرد. البته اتخاذ سیاست جمعیتی صرفاً مترادف با کاهش یا افزایش مولید نیست، بلکه جنبه های دیگر جمعیت از جمله آموزش، اشتغال مولد، مهاجرت و ... هر کدام از

اهمیت خاصی برخوردارند. ساختار کلی جمعیت همانند یک اندامواره است که باید بین تمام بخش های آن نوعی تعادل پویا و تجدید شونده برقرار شود و نمی توان یک وضعیت جمعیتی ثابت و مفروضی را به عنوان یک وضعیت ایده آل در نظر گرفت، زیرا تغییرات جمعیتی علاوه بر اینکه از پارامترهای جمعیتی ناشی می شود، از بسیاری عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز که به مرور زمان در مسیر تحول کشورها رخ می دهد تأثیر می پذیرد. آنچه که از طریق سیاست های جمعیتی قابل اعمال می باشد، حفظ تعادل پویای ساختار کلی جمعیت است. جهت حفظ این تعادل پویا لازم است تغییرات جمعیت به طور مداوم مطالعه و دورنمای تحولات جمعیتی ترسیم شود تا در صورتی که مطالعات انجام شده، احتمال خارج شدن جمعیت از حالت تعادلی خود را نشان دهد، سیاست های جمعیتی لازم اعمال شود. □



# سبک زندگی مدرن؛ عامل کاهش جمعیت در ایران<sup>۱</sup>

دکتر کرم اللهی

حجم جمعیت بر اساس نرخ رشد در بازه‌های کوتاه، میان و بلند مدت، نسبت سنی و جنسی جمعیت و... پرداخته می‌شود. در پویایی‌شناسی جمعیت نیز حرکات جمعیت در قالب تغییرات وقایع چهارگانه جمعیتی یعنی موالید، مرگ و میر، ازدواج و طلاق و مهاجرت بررسی می‌شود. این وقایع ۴ گانه، حجم و رشد جمعیت را دستخوش تغییر قرار می‌دهند.

ساختار و تحولات جمعیت ایران در دهه‌های اخیر، به لحاظ رشد جمعیت، در دهه ۵۵ تا ۶۵، بالاترین رشد جمعیت یعنی ۳/۴ درصد را داشته است که با احتساب آمار مهاجرین به حدود ۴ درصد می‌رسد. این رشد، از عوامل در دستور کار قرار گرفتن سیاست‌های کنترل جمعیت توسط دولت‌های قبل و پس از انقلاب بود. با اجرای این سیاست‌ها، رشد جمعیت ایران در دهه ۶۵ تا ۷۵ به ۱/۹۶ و در سال‌های ۷۵ تا ۸۵ به عدد ۱/۶۱ رسید. به رغم کاهش شدید نرخ رشد جمعیت، سیاست‌های کاهش رشد جمعیت بدون توجه به عواقب و پیامدهای مختلف ادامه پیدا کرد. رشد جمعیت در سال‌های اخیر، به عدد ۱/۳ رسیده است. براساس پیش‌بینی‌های انجام یافته در صورت ادامه‌ی این روند، جمعیت ایران در سال ۱۴۲۰ به حدود ۹۱ میلیون خواهد رسید. پس از سال ۱۴۲۵ رشد منفی جمعیت آغاز خواهد شد و طبق

جملات « ایست! دو بچه کافی است »، « پدر، مادر! دو تا بچه کافیه!»، « دختر یا پسر فرقی نمی‌کنه، دو بچه کافیه » شعارهایی بود که سالها در همه خیابانهای شهرهای کشورمان آنقدر میهمان چشمان مردمان ما گشت که ناخودآگاه این باور در ذهن مردمان این دیار شکل گرفت که واقعاً دو بچه کافی است!

جوانان و نوجوانان آن روزها که این شعار را می‌دیدند و سودای روشنفکری در سر داشتند، گله مند از والدین خود بودند که چرا این همه خواهر و برادر داریم و امروز همان‌ها که در روزهای میانسالی، روزگار سپری می‌کنند به اشتباه خود آگاهند و معترف و خوشحال که از والدینی متولد شده‌اند که مفاهیم عالی خانواده چون « دایی»، « عمو»، « خاله» و « عمه» را از فرزندان آنها نستانده‌اند...

از این رو علل تصویر سازی نازیبای خانواده‌ی پرجمعیت در جامعه ایرانی و دوری از سبک زندگی اسلامی موضوعی است که در این مقوله مورد بررسی قرار گرفته است.

## □ ارزیابی وضعیت کنونی جمعیت کشور

جمعیت‌شناسی یکی از علوم اجتماعی است که به مطالعه ساختار و تحولات جمعیت می‌پردازد. در مطالعه ساختار به ویژگی‌هایی چون حجم، نرخ رشد و برآورد

این پیش بینی‌ها در سال ۱۴۳۰ جمعیت ایران به ۸۹/۵ میلیون کاهش پیدا خواهد کرد و حتی اگر این روال همچنان ادامه پیدا کند، در ۷۰ سال آینده جمعیت ایران به ۵۰ میلیون نفر می‌رسد که البته علاوه بر کاهش کمی حجم جمعیت، در کنار تحولات کیفی آن از جمله سالخوردگی و پیری جمعیت، این وضعیت عامل نگران کننده‌ای برای ایران در ۷۰ سال آینده خواهد بود. همچنین طبق پیش‌بینی‌های موجود، در سال‌های آینده به گروه پیر جمعیت کشور اضافه خواهد شد.

افزون بر نگاه ساختاری به جمعیت ایران، نگاه فرآیندی به وضعیت جمعیت کشور در این سال‌ها نیز حاکی از افزایش قابل توجه سن ازدواج است که این تأخیر سن ازدواج با تأخیر و کاهش زاد و ولد همراه بوده است.

موضوع دیگری که در کاهش رشد جمعیت تأثیرگذار بوده است، استحکام و سازگاری درونی خانواده‌هاست که آمارها حاکی از افزایش طلاق است که باید به این آمارها، طلاق‌های عاطفی را هم اضافه کرد.

افزون بر نگاه ساختاری به جمعیت ایران، نگاه فرآیندی به وضعیت جمعیت کشور در این سال‌ها نیز حاکی از افزایش قابل توجه سن ازدواج است که این تأخیر سن ازدواج با تأخیر و کاهش زاد و ولد همراه بوده است.

همچنین شاخص دیگری به نام «میزان باروری کل» در جمعیت شناسی مطرح است که شامل تعداد فرزندی است که یک زن در سن باروری به

دنیا می‌آورد که این میزان نیز کاهش داشته است.

## ■ عوامل تأثیرگذار بر کاهش شدید جمعیت و ایجاد نگرانی‌ها نسبت به آینده

سه عامل اصلی، جمعیت امروز ما را رقم می‌زند. اولین عاملی که موجب تحولات جمعیتی در دهه‌های اخیر شد، سیاست‌های کنترل جمعیت بود. در ۲۰ سال اخیر، انواع سیاست‌های کنترل جمعیت همچون انواع شیوه‌های عقیم‌سازی، برنامه‌های کنترل بارداری از طریق بهداشت خانواده، اجرای سیاست‌های تنبیهی برای فرزندان سوم به بعد و غیره در دستور کار قرار گرفت.

عامل دیگر، وضعیت اقتصادی است. بیکاری، تورم، افزایش هزینه‌های آموزش، بهداشت و مسکن، ازدواج و غیره، میل به فرزندآوری را کاهش داده است. و اما عامل سوم که

جامعه ی غربی در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم یک جامعه ی تولیدی بود و بر اساس جایگاه خود در این نظام تولیدی، هویت پیدا می کرد. لذا در آن دوران در ادبیات جامعه شناسی مفهومی به نام « طبقه اجتماعی » مطرح شد. اما زمانی که جامعه ی غربی به خصوص پس از جنگ های جهانی به یک جامعه مصرفی مبدل شد، انسانها بر اساس رفتارهای مصرفی خود در این جامعه هویت پیدا کردند. لذا در این دوران مفهوم سبک زندگی به جای مفهوم طبقه در جامعه شناسی غربی مطرح شد. این نوع سبک زندگی مفهومی است که نشان دهنده ی جایگاه فرد در نظام مصرفی است و هویت فرد نیز بر اساس رفتارهای مصرفی او شکل می گیرد. بنابراین، سبک زندگی به معنای خاص به رفتارهای مصرفی افراد به خصوص در عرصه های فرهنگی معطوف است.

### ■ چگونگی ظهور عامل فرهنگی و گسترش سبک زندگی مدرن غربی در جامعه

غرب برای گسترش فرهنگ خود در عرصه ی فرهنگ عمومی و فرهنگ نخبگانی کشورهای غیر غربی به ترتیب از دو سازوکار مکمل رسانه و گسترش علوم مدرن و انسانی بدون شناسنامه، استفاده می کند. بنابراین گسترش سبک زندگی مدرن در سطح فرهنگ عمومی کشور از طریق رسانه ها و نیز در سطح فرهنگ نخبگانی از طریق گسترش علوم انسانی انجام شد. تلویزیون و سینما مهمترین عامل ترویج سبک زندگی غربی در سطح فرهنگ

به نظر می تواند مهمترین عامل نیز باشد، عامل فرهنگی است که متأسفانه تأثیراتش را هم در عرصه های کلان مدیریتی و هم در عرصه های فردی و خانوادگی گذاشته است. نام این عامل فرهنگی را می توان « گسترش سبک زندگی غربی و مدرن » گذاشت. گسترش سبک زندگی مدرن در جامعه ی ما، عامل فرهنگی بسیار مؤثری در کاهش رشد جمعیت است. چنانچه در بسیاری از کشورهای غربی که دچار کاهش رشد جمعیت شده اند، سبک زندگی مؤثر بوده است و نه مشکلات اقتصادی و سیاست های کنترل جمعیت.

### ■ چیستی سبک زندگی غربی و مدرن

سبک زندگی یک معنای عام دارد و یک معنای خاص. سبک زندگی در معنای عام به معنی شیوه ی زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی افراد است. حال آن که معنای خاص سبک زندگی، برآمده از تاریخ و فرهنگ غرب است و مقصود از سبک زندگی نیز به همین معناست. در جامعه شناسی دو مفهوم « طبقه (class) » و « سبک زندگی (lifestyle) » با مفهوم « هویت (identity) » نسبت دارند.



عمومی است. جامعه‌ی ما همواره در رسانه‌ها شاهد نمادپردازی و شخصیت‌سازی کاراکترها برحسب معیارهای مدرن می‌باشد. به عنوان مثال در فیلم‌ها همواره زن موفق به صورت زنی با تحصیلات دانشگاهی، دارای شغل بیرون از خانه، مجرد و یا در صورت تأهل با یک و یا در نهایت دو فرزند، و ... نشان داده می‌شود که در اذهان عمومی به عنوان شیوه‌ی صحیح و معیار زندگی مطلوب قرار گرفته است. از دیگر مواردی که رسانه‌ها به خصوص تلویزیون در گسترش سبک زندگی غربی مؤثر بوده‌اند، ترویج نمادهای غربی از طریق عروسک‌ها، کارتن‌ها و ... در سطح کودکان همچنین فیلم‌های سینمایی و نمایش افکار و ظواهر غربی در برنامه‌های تلویزیونی برای بزرگسالان است.

### ■ چگونگی کاهش رشد جمعیت، متأثر از سبک زندگی غربی

در ادبیات جامعه‌شناسی، برای سبک زندگی شاخص‌های زیادی مطرح است که یکی از آنها، اهمیت مدیریت بدن است که به تازگی در کشور ما هم به خصوص در بین خانم‌ها توجه زیادی به آن می‌شود.

مدیریت بدن، شامل انواع رژیم‌های غذایی، تناسب اندام، مباحث زیبایی می‌شود. اما اهمیت این موضوع در کاهش رشد جمعیت و کاهش زایمان است. یعنی زن، به خاطر حفظ تناسب اندام خود، ابتدا میل به فرزندآوری را در خود کاهش و حتی در برخی موارد مشاهده می‌شود از شیردادن به فرزند خودداری می‌نماید.

از دیگر عوامل فرهنگی تغییر به سمت فرهنگ غرب، سیاست‌های شهرسازی و تمرکزگرایی در کلان‌شهرهاست که هرچند جهت‌گیری خاصی نسبت به کاهش جمعیت نداشته است، ولی از عوامل مهم

کنترل جمعیت به شمار می‌آید. تصمیم‌گیران جامعه در مسائل شهری، براساس تجارب غرب و به خاطر برخی اقتضائات، به آپارتمان‌سازی با متراژهای پایین سوق پیدا کرده‌اند.

در حالی که در سیستم موجود جامعه غربی، مسکن به عنوان خوابگاه خانواده مطرح است. ولی در کشور ما خانواده یک واحد عاطفی است. بنابراین مسکن باید از منظر فرهنگی و زیبایی‌شناسی و معماری واجد تناسب با ویژگی‌های فوق باشد. زندگی در آپارتمان‌های با متراژ پایین باعث می‌شود در واقع افراد به طور ذهنی و قلبی عقیم شوند و به خاطر شرایط زندگی خود قید بچه دار شدن را بزنند.

افزون بر عامل فوق، نفس‌گرایش روحی یا التزام عملی به سبک زندگی غربی موجب عقیم‌سازی ذهنی افراد شده و از لحاظ فکری تمایل و حتی توان فرزندآوری و پرورش فرزند را از آنان می‌گیرد. بنابراین باید گفت در حال حاضر مانع اصلی رشد جمعیت در

کشور عامل فرهنگی است و این عامل فرهنگی منجر به گسترش سبک زندگی سکولاریستی غربی و مدرن در شهرها و حتی روستاهای کشور گردیده است.

اگر نظام تصمیم ساز و تصمیم گیر جامعه دینی ما مترصد احیای مجدد رشد جمعیت در کشور باشد، باید سیاست‌های افزایش جمعیت را در بستر فرهنگی مناسبی به نام «الگوی زندگی اسلامی» پیش برد. در غیر این صورت نتایج مطلوبی به دست نخواهد آمد.

### ❑ چپستی سبک زندگی اسلامی

در آموزه‌های اسلامی به شدت از تشبه به کفار در نظر و عمل پرهیز داده شده است. نگاه فرهنگ اسلامی به هستی، کاملاً متفاوت از نگاه فرهنگ غرب است. طبق آموزه‌های اسلام انسان آیت خداوند است و فرزندی هم که برای او به دنیا می‌آید، مایه ی برکت و رحمت الهی است. اگر در جامعه ی ما از این منظر به فرزند نگاه شود، خود به خود نگاه به ازدواج و فرزندآوری جایگاه دیگری پیدا خواهد کرد.

در حیات طیبه اسلامی یک عنصر بسیار اساسی به نام قناعت وجود دارد که بر خلاف سبک زندگی مدرن که انسان را به حرص و آز و تلاش فراوان برای بهره مندی و لذت از مطامع دنیا تشویق می‌کند، با پرهیز دادن او از حرص، بر عکس وی را به ساده زیستی و زهد ورزیدن

و برگرفتن توشه ی آخرت از دنیا ترغیب می‌کند. در آموزه‌های اسلامی، دنیا مزرعه ی آخرت تلقی می‌شود که به وسیله آن انسان می‌تواند و باید ابدیت خود را بسازد، لذا قرار نیست در این دنیا به تمام خواسته ها و آرزوهای نفسانی خود برسد، اصلاً ما معتقدیم این دنیا ظرفیت استغنائی انسان و دستیابی او به تمام آرزوهایش را ندارد، و کالای دنیا حکم آب شور را برای فرد تشنه دارد، تشنگی آور است نه برطرف کننده ی تشنگی.

البته این ها نمونه‌های کوچکی از الگوی زندگی اسلامی است که با بحث جمعیت در ارتباط است و در اینجا تنها اشاره ای گذرا به آن شد. افراد باید در عرصه‌های مختلف فردی، خانوادگی و سازمانی به سمت الگوی حیات طیبه حرکت کنند، شاخص‌های آن را استخراج کرده و به کار گیرند.

### ❑ تأثیر سیاست های تشویقی اقتصادی در افزایش رشد جمعیت

همان طور که گذشت، در حال حاضر مانع اصلی رشد جمعیت در کشور عامل فرهنگی است. اگر قرار است برای تغییر روند رشد جمعیت، سیاستی به کار گرفته شود باید در راستای حرکت به سمت الگوی زندگی اسلامی باشد. اگر سیاست های تشویقی اقتصادی بدون تغییر سبک زندگی اجرا شود، همان رشد محدودی هم



خانواده در کشور سست شده و در معرض فروپاشی قرار گیرد. از فعالیت های دیگر که اتفاقاً رسانه ی ملی می تواند با اجرای آنها کاستی های خود را تا حدودی جبران کند، معرفی نمونه های موفق خانواده های پرجمعیت و همچنین گسترش شیوه های صحیح فرهنگ ازدواج آسان در جامعه است.

البته برگزاری جلسات بحث و کارشناسی در رابطه با عوارض ناشی از کاهش رشد جمعیت و هزینه های مختلفی که این مسأله می تواند برای مردم و جامعه ایجاد کند، از فعالیتهای دیگری است که صدا و سیما می تواند برای روشن شدن اذهان عمومی انجام دهد. □

که در جمعیت ایجاد خواهد شد صرفاً در مناطق حاشیه ای کشور خواهد بود. یعنی گروه های جمعیتی ای که مشکل کمبود موالیدشان فقط اقتصادی است.

باید در نظر داشت یک خانواده به لحاظ فرهنگی باید ظرفیت پرورش نسلی بالغ و فرهیخته را داشته باشد و این ظرفیت معمولاً در بین خانواده هایی است که متأسفانه با شدت ضعف، متأثر از سبک زندگی مدرن شده اند.

در آخر باید گفت، اگر بخواهیم عامل فرهنگی کاهش رشد جمعیت و یا به تعبیر بهتر، مانع فرهنگی رشد جمعیت که بر تمام عرصه های زندگی ما نیز ناظر است را از میان برداریم باید هم در سطح فرهنگ عمومی و هم در سطح نخبگانی، فعالیت های ایجابی منظمی را به طور گسترده انجام داد. در عرصه ی فرهنگ عمومی یکی از فعالیت های ایجابی که باید به صورت گسترده انجام شود، تحکیم جایگاه و بنیان خانواده است.

همان گونه که گفته شد، متأسفانه رواج سبک زندگی غربی موجب شده تا نظام



## گفت و گو با مادر پرجمعیت ترین خانواده جوان ایرانی<sup>۱</sup>

مورد مطالعاتی: سبک زندگی اسلامی ایرانی  
در حوزه متغیرهای محبت و توکل

■ همسر تان چند سال داشتند؟  
همسر من ۱۶ سال داشتند.

■ از ابتدای ازدواج مستقل زندگی کردید؟ همسر تان از همان ابتدای زندگی منبع درآمد داشتند؟  
درآمد، همان شهریه طلبگی بود؛ ۲ سال و نیم منزل پدرشورم زندگی کردیم و بعد برای طرح هجرت به یکی از روستاهای رفسنجان به نام امین شهر انار رفتیم. ۳ سال آنجا بودیم، پسر سوم آنجا به دنیا آمد. برگشتیم قم؛ یک خانه اجاره کردیم. چند سال قم بودیم و بعد ۲ سال رفتیم بابل. در بابل همسر من ۲ سال تدریس داشت و کارهای

■ در مورد خودتان بفرمایید؛ متولد چه سالی هستید؟ چه تحصیلاتی دارید؟ و چند فرزند دارید؟

حداد هستم؛ ۲۸ ساله، متولد سال ۶۲، تا سال دوم دبیرستان درس خواندم و سپس ازدواج کردم. بعد از ازدواج وارد حوزه شدم؛ ۴ سال حوزه درس خواندم. الان هم مادر ۸ فرزند هستم.

■ در چه سنی ازدواج کردید؟  
در حدود ۱۴ سالگی ازدواج کردم.

تبلیغی می کرد. بعد مجدد برگشتیم قم و الان هم در قم زندگی می کنیم.

■ اولین فرزند شما چند سال بعد از ازدواجتان به دنیا آمد؟ من ۵ ماه بعد از ازدواج باردار شدم.

■ آن زمان با خواست خودتان باردار شدید؟ آمادگی روحی داشتید؟

بله، من خودم سبزواری هستم و در قم تنها بودم، به خاطر تنهایی خودم بچه آوردم؛ بعد دیدم بچه آوردن خیلی خوب و شیرین است.

■ فاصله سنی فرزندان شما چقدر است؟

بچه اولم متولد سال ۷۷، بچه دوم ۷۹ و باقی فرزندانم، به جز فرزندان چهارم و پنجم که یکسال فاصله سنی دارند، همگی دو سال تفاوت سنی دارند.

■ اوایل ازدواج در بزرگ کردن بچه ها کسی به شما کمک می کرد؟

پدرشوهر و مادرشوهرم هم بودند. شوهرم هم کمک می کرد؛ البته الان به خاطر مشغله کاری و فعالیت در یکی از گروه های جهادی اصلاً خانه نیست، اما اوایل وقت آزاد بیشتری داشت و کمک می کرد.

■ یکی از دغدغه های خانواده ها برای فرزندآوری بحث معیشت است. می گویند وقتی در آمد کافی نداریم و به سختی معیشت خودمان را تأمین می کنیم، چگونه چند فرزند داشته باشیم؟ در آمد شما به چه صورت است؟ آیا نگران معیشت فرزندان شما نیستید؟

تاکنون به مشکلی در این زمینه برخوردید؟

به عقیده من روزی دست ما نیست و روزی دهنده خداست. «وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ حَشِيَّةَ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ إِنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ خِطْئًا كَبِيرًا»؛ تا به حال هم در آمد ما از طلبگی بوده است. شکر خدا تاکنون شوهرم نه از جایی قرض گرفته، نه وامی گرفته، حتی همه از ما قرض می گیرند، نه اینکه خیلی پول داشته باشیم، ولی خدا در همین در آمد کم مان برکت قرار داده است. خدا را شکر تاکنون محتاج کسی نبوده ایم، البته بچه های ساده و قانعی هم داریم.

داستانی تعریف کنم، یکی از تاجران تهرانی بود که یک مدتی خانه نشین می شود. از او سؤال می کنند چرا خانه نشین شدی؟ می گوید من زمین های کشاورزی زیاد دارم، یک بار سر زمین بودم زنبوری می آمد مرتب گندم بر می داشت و می برد. تعجب کردم زنبور که گندم نمی خورد؟ دنبالش رفتم دیدم زنبور گندم را می برد داخل خرابه ای. در این خرابه گنجشک کوری

زندگی می کرد که وقتی صدای بال زدن زنبور را می شنید، دهانش را باز می کرد و زنبور، گندم را به داخل دهان گنجشک می انداخت.

خداوند بارها در قرآن فرموده به خاطر روزی، بچه هایمان را نکشید. همان خدایی که به بچه در رحم مادر با بند ناف غذا می رساند، بعد از تولدش هم روزی اش را فراهم می کند.

■ شما در زندگی خودتان با شهریه طلبگی چطور معیشت را مدیریت می کنید؟ چون فکر نمی کنم این شهریه خیلی بالا باشد، با ۸ فرزند و اجاره خانه، خوراک و پوشاک و ...؟

این بحث در فکر ما نمی گنجد که خداوند چگونه برکت به مال می دهد. یک ریاضی دان می رود پیش یکی از علما

خداوند بارها در قرآن فرموده به خاطر روزی، بچه هایمان را نکشید. همان خدایی که به بچه در رحم مادر با بند ناف غذا می رساند، بعد از تولدش هم روزی اش را فراهم می کند.

و به او می گوید: « چرا شما می گوئید اگر خمس بدهید مالتان ۲ برابر می شود؟ هر عاقلی می داند اگر از ۵ تا ۱ دانه برداریم می شود ۴، ولی شما می گوئید می شود ۱۰ تا ۸۰. آن عالم می گوید: « سگ زاد و ولدش زیاد است و در هر نوبت زایمان توله های زیادی به دنیا می آورد ولی گوسفند سالی یک زایمان دارد. از طرفی انسان ها از سگ تغذیه نمی کنند و گوشتش را نمی خورند، ولی گوشت گوسفند را می خورند. اصولاً بیماری، گوسفند را بیشتر از سگ از پا در می آورد و می کشد و... بنابراین بر طبق این موارد، الان دنیا باید پر از گله های سگ باشد، ولی می بینیم که پر از گوسفند است». این برکت و رزاقیت خدا برای ما غیر قابل فهم است ...

**■ شما گفتید بارداری سختی دارید. از طرفی زمان بارداری تان هم ممکن است همسر تان به خاطر نوع کاری که دارند کنارتان نباشند تا حداقل در امور خانه کمکی به شما کنند. چه چیزی باعث شده از همان ابتدا تصمیم بگیرید فرزندان بیشتری بیاورید و این دوران سخت بارداری تان را تکرار کنید؟**

آدم وقتی در راه سختی می رود، وقتی هدفش مشخص شده باشد، وقتی بداند به چه چیزی می خواهد برسد، در این مسیر سختی ها برایش شیرین می شود. وقتی آدم فکر کند یک مادر از زمان شروع بارداری تا زمان زایمان، اجر هزاران شهید را دارد، برایش این سختی ها آسان می شود. وقتی پیامبر - صلی ا... علیه وآله - می گوید وقتی بچه ای در امتم به دنیا می آید، از آنچه که خورشید بر آن می تابد برای من با ارزش تر است ( المولود فی امتی



أحب إلي مما طلعت عليه الشمس) معلوم است که آدم باز هم بچه می آورد.

**■ یک مقدار از وضعیت منزلتان برایمان بگوئید؛ اینکه منزلتان چند اتاق دارد؟ بچه ها اتاق مستقل دارند؟ چه امکاناتی برای بچه ها در منزل دارید؟** فضای مفید خانه ما ۲ تا اتاق است؛ یکی اتاق نشیمن است و یک اتاق دیگر هم اختصاص به کارها و مراجعات همسرمان دارد. البته دو اتاق کوچک هم در انتهای حیاط داریم که وسایلمان را در آنجا گذاشته ایم.

**■ چه امکاناتی برای بچه ها فراهم کرده اید؛ پلی استیشن، بازی های جدید، کامپیوتر و...؟** بچه هایی که با هم بازی می کنند احتیاجی به اسباب بازی ندارند. من خودم شخصاً عقیده دارم بچه هایی که با عروسک، بازی می کنند، خودخواه می شوند. من تا به حال به جز یک بار که رفته بودم کربلا و برای بچه هایم دو تا عروسک آوردم، برایشان عروسک و اسباب بازی نخریده ام. بچه هایم با هم بازی می کنند، با هم دعوا می کنند، از حق خودشان دفاع می کنند و... وقتی بچه هایم با هم دعوا می کنند، من طرفداری هیچ کدام را نمی کنم. می گویم خودتان مشکلاتتان را حل کنید. این بچه ها یاد می گیرند که باید از خودشان دفاع کنند و ناز نازی بار نمی آیند.

**■ برای تربیت بچه ها از چه روش تربیتی استفاده می کنید؟ مطالعه می کنید؟** مشکل ما این است که فکر می کنیم بچه که به دنیا آمد،

باید او را تربیت کرد؛ در حالی که اشتباه است. اسلام می گوید قبل از ازدواج باید به فکر تربیت بچه بود. می گوید وقتی می روی خواستگاری دقت کن آیا آن دختر یا پسر می تواند مادر یا پدر خوبی برای بچه ات باشد یا نه؟ اما الان این نگاه عوض شده است. فطرت انسان گرایش به خوبی ها دارد. یکی از معصومین - علیهم السلام - می فرمایند شما سعی کنید بچه را بد تربیت نکنید. اگر بگذاریم از همان ابتدا بچه از کانالی که خدا گفته بزرگ شود، خوب تربیت می شود. اگر بخواهیم با روانشناسی اسلامی آشنا شویم باید نامه حضرت علی - علیه السلام - به امام حسن - علیه السلام - را بخوانیم. البته کتاب مسئولیت و سازندگی آقای صفایی حائری را هم برای بحث تربیت فرزند پیشنهاد می کنم.

### ■ بچه های شما تاکنون اعتراضی نسبت به امکانات کمترشان در مقایسه با دوستانشان نداشته اند؟

مشخص است که بچه ها گاهی از این دست حرف ها می زنند. اما باز هم این برمی گردد به بحث تربیت که فرزند جوری بار بیاید که این مسائل خیلی برایش مهم نباشد. در این گونه موارد با بچه ها حرف می زنیم و راه و روش درست زندگی کردن را به آن ها می گوئیم و بچه می فهمد که دنیا چقدر بی ارزش است. همسر من در این خصوص خیلی با بچه ها با زبان خودشان صحبت می کند. تمام بچه ها خوب هستند، ما پدر و مادرها، آن ها را بد می کنیم. اگر مادری بعد از یک مهمانی، خودش از تجملات و زندگی میزبان با حسرت تعریف کند، بچه هم این گونه بار می آید. اگر بچه بی ارزشی دنیا را در نگاه پدر و مادرش ببیند، برای او هم این مسائل بی ارزش می شود. اما متأسفانه درد دین در جامعه ما کم شده است. خانواده ها از اینکه نکند بچه به خاطر برخی نداشته ها ناراحت شود یا به قولی عقده ای شود، هر چیزی که بخواهد بلافاصله برایش تهیه می کنند ولی غافل از اینکه سختی ها هستند که انسان های بزرگ را تحویل جامعه می دهند.

### ■ من متوجه شدم همسران خیلی کم منزل هستند ولی حضور پررنگ و مؤثری دارند. ایشان چه رابطه ای با شما دارند؟ چه اخلاقیات خوبی دارند که می توانید به آقایان توصیه کنید؟

همسر من کم منزل است ولی وقتی هست حضور پررنگی دارد؛ با بچه ها صحبت می کند. من تربیت خوب بچه ها و احترامی که به ما می گذارند را مدیون شوهرم هستم که با بچه ها رابطه صمیمی دارد. اغلب آقایان وقتی خسته به منزل می آیند، با سر و صدای بچه ها ناراحت می شوند و به خانم می گویند بچه را ساکت کن، ولی همسر من اینطوری نیست.

آقایان باید رعایت خانم هایشان را بکنند. نه اینکه مدام در منزل باشند و کار کنند، بلکه الان اغلب خانم ها گله دارند که همسرانشان کارهای بیرون از منزل را می آورند خانه؛ پای کامپیوتر و لپ تاپ می نشینند. در حالیکه باید سعی کنند اوقاتشان را با بچه ها و خانواده بگذرانند؛ با بچه ها بیرون بروند، بازی کنند. ما الان مسافرت های زیادی می رویم. هرچند بیشتر به خاطر کار تبلیغ است. ولی حتی در آنجا هم همسر من بعضی از بچه ها را با خود می برد تا به من کمک کند.

### از بچه هایتان هم برایمان بگوئید؛ سن و سالشان، خصوصیات خوب اخلاقیشان؟

خدا را شکر یک صفت مشترک بین همه بچه هایم، خصلت دلسوزی است؛ هم نسبت به یکدیگر و هم نسبت به من و پدرشان.

دختر بزرگم، مطهره، اول دبیرستان است و در جامعه الزهرا - سلام ا... علیها - رشته معارف می خواند. دختر دومم محدثه، دوم راهنمایی و فرزند سومم مهدی کلاس پنجم، بچه چهارم مهدیه کلاس سوم و بچه پنجم کوثر کلاس اول، بچه ششم ابوالفضل پیش دبستانی، بچه هفتم فاطمه ۳ ساله و بچه هشتم عباس که ۴ ماهه است. ■

## سبک زندگی اسلامی و نسبت فرهنگ تجمل گرایی با اقتصاد مقاومتی

در فرهنگ اسلامی گرایش به تجملات به دلیل پیامدهای فردی و اجتماعی آن مورد مذمت قرار گرفته است. پیش از تبیین دلایل نكوهش تجمل گرایی در اسلام لازم است به مفهوم این ترکیب و گونه های آن اشاره شود.

اصطلاح تجمل گرایی از دو واژه «تجمل» و «گرایی» ترکیب شده است. تجمل در لغت به معنی خود را زینت دادن یا آراسته شدن است؛ بنابراین تجمل گرایی به معنی گرایش یا میل به زیورآلات، زیبایی ها و آراستگی ظاهر است. این معنی البته در شکل عادی و اعتدالی آن مذموم نیست بلکه مورد توصیه است. در

آیه ۳۲ سوره مبارکه اعراف آمده است: «قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ». «بگو چه کسی زینت های الهی را که برای بندگان خود

آفریده و روزی های پاکیزه را حرام کرده است؟ بگو: اینها در زندگی دنیا، برای کسانی است که ایمان آورده اند (اگر چه دیگران نیز با آن ها مشارکت دارند ولی) در قیامت، خالص (برای مؤمنان) خواهد بود این گونه، آیات (خود) را برای کسانی که آگاهند، شرح

می دهیم».

در بعضی روایات به مطلوب بودن تجمل نزد خدای متعال اشاره شده است. مانند روایتی از امام صادق - علیه السلام - که فرمود: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يُحِبُّ الْجَمَالَ وَ التَّجَمُّلَ وَ يُبْغِضُ الْبُؤْسَ وَ التَّبَاؤُسَ»؛

«همانا خداوند زیبایی و زیبایی خواهی را دوست دارد و از فقر و فقر نمایی بیزار است».

بنابراین، تجمل در شکل اعتدالی آن مطلوب است. با وجود این، افراط در گرایش به تجملات و روی آوری به ظواهر زندگی دنیایی در شمار رفتارهای غیرارزشی قرار می گیرد. تجمل گرایی علل متفاوتی دارد. از نظر بعضی اشخاص، کرامت انسانی و بزرگی



هر فردی در مقدار ثروت و مالی است که در اختیار دارد. در آیات ۱۵ تا ۱۷ سوره مبارکه فجر با اشاره به این رویکرد و تأکید بر نادرستی آن چنین آمده است: «فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَ نَعَّمَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِي \* وَ أَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَهَانَنِ \* كَلَّا بَلْ لَا تَكْرَهُونَ الْيَتِيمَ»؛ «اما انسان هنگامی که پروردگارش او را برای آزمایش، اکرام می کند و نعمت می بخشد

(مغرور می شود) و می گوید: پروردگارم مرا گرامی داشته است، اما هنگامی که برای امتحان، روزیش را بر او تنگ می گیرد (مأیوس می شود) و می گوید: پروردگارم مرا خوار کرده است، چنان نیست که شما می پندارید...». اشخاصی که در آیات فوق توصیف شده اند، چون مال و ثروت را نشانه ی بزرگی و بزرگواری می شمارند، خیال می کنند که با نمایش ثروت، بزرگی و بزرگواری خود را اثبات می نمایند. قرآن کریم قارون را نماد این تفکر معرفی کرده و سرانجام آن را نیز گوشزد کرده است. در آیات ۷۹ به بعد سوره مبارکه قصص چنین آمده است: «(روزی قارون) با تمام زینت خود در برابر قومش ظاهر شد، آن ها که خواهان زندگی دنیا بودند گفتند: ای کاش همانند آنچه به قارون داده شده است ما نیز داشتیم، به راستی که او بهره عظیمی دارد. اما کسانی که علم و دانش به آن ها داده شده بود گفتند: وای بر شما، ثواب الهی برای کسانی که ایمان

حسادت، خودکم بینی، تفاخر و مانند آن از دیگر عوامل تجمل گرایی هستند. تقلید را نیز باید در شمار موجبات گرایش آدمیان به سمت تجمل قرار داد. به ویژه در زمان ما که رسانه ها حتی رسانه ملی از طریق تولید و پخش برنامه هایی با ظواهر آنچنانی، مردم را به تجملات سوق می دهند. تجمل گرایی نظیر سایر اوصاف غیرارزشی پیامدهایی دارد که از جمله موارد مهم آن اسراف و تباهی سرمایه های مادی است.

آورده اند و عمل صالح انجام می دهند بهتر است، اما جز صابران آن را دریافت نمی کنند. سپس ما، او و خانه اش را در زمین فرو بردیم و گروهی نداشت که او را در برابر عذاب الهی یاری کنند و خود نیز نمی توانست خویشتن را یاری دهد و آن ها که دیروز آرزو می کردند بجای او باشند (هنگامی که این صحنه را دیدند) گفتند: وای بر ما! گویی خدا روزی را بر هر کس از بندگان بخواند گسترش می دهد یا تنگ می گیرد، اگر خدا بر ما منت نهاده بود، ما را نیز به قعر زمین فرو می برد. ای وای، گویی کافران هرگز رستگار نمی شوند».

حسادت، خودکم بینی، تفاخر و مانند آن از دیگر عوامل تجمل گرایی هستند. تقلید را نیز باید در شمار موجبات گرایش آدمیان به سمت تجمل قرار داد. به ویژه در زمان ما که رسانه ها حتی رسانه ملی از طریق تولید و پخش برنامه هایی با ظواهر آنچنانی، مردم را به تجملات سوق می دهند.

تجمل گرایی نظیر سایر اوصاف غیرارزشی پیامدهایی دارد که از جمله موارد مهم آن اسراف و تباهی سرمایه های مادی است. تجمل گرایی، یک ملت را به جای قرار گرفتن در مسیر مسابقه ی خیرات که مورد توصیه قرآن است (فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ)، (بقره / ۱۴۸)؛ در یک رقابت بی پایان مال اندوزی و ظاهرسازی قرار می دهد. جامعه تجمل گرا، جامعه ی مصرف زده است و چنین

روحیه مصرف گرایی مهار شود. به همین دلیل، مقام معظم رهبری - مد ظله العالی - برای گذر از شرایط کنونی مسئله «اقتصاد مقاومتی» را مطرح می نماید.

بی گمان تعبیر اقتصاد مقاومتی ابعاد مختلف و پیام های متنوعی دارد لکن در این نوشتار بر ناسازگاری آن با فرهنگ تجمل گرایی و مصرف زدگی تأکید داریم. از نظر قرآن

کریم اموال مایه قوام یک شخص یا یک ملت است و نباید آن را تباه کرد. در آیه پنجم سوره مبارکه نساء آمده است: «وَلَا تَوْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا...»

«اموال خود را که خداوند وسیله قوام زندگی شما قرار داده، به دست سفیهان نسپارید».

جمله «الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا» می فهماند که قوام زندگی و ملت به سرمایه های آن وابسته است، ملت فقیر ملت مقاومی نیست و نمی تواند در مقابل فشارها طاقت بیاورد. □

جامعه ای مُسْرِف و مَبْذِر است. از سوی دیگر، مَبْذِرین از نظر قرآن کریم برادران شیطان هستند: «إِنَّ الْمُبْذِرِينَ كَتَبُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا» (اسرا/۲۷)؛ واژه «تبذیر» در معنی نزدیک به اسراف، بلکه گاهی به جای آن بکار می رود. تبذیر از نظر لغوی از ریشه «بذر» است و با توجه به وزن و قالب آن به معنای پاشیدن تخم یا

بذر است و مقصود از آن در اسراف، ریخت و پاش های بی حساب است؛ و بطور استعاره در مورد هر کس که مال خویش را ضایع می کند نیز بکار می رود و چنین فردی «مبذر» گفته می شود.

از آنچه گذشت به روشنی معلوم

می شود که تجمل گرایی هیچ نسبتی با سبک زندگی اسلامی ندارد و فی نفسه ضدّ ارزش محسوب می شود؛ با این وجود، تحت شرایطی قبح آن مضاعف می شود. در شرایط کنونی، کشور ما دچار مشکلات ناشی از تحریم های ناجوانمردانه است و عقل و منطق ایجاب می کند



# تبیین سبک زندگی اسلامی

گفت و گو با

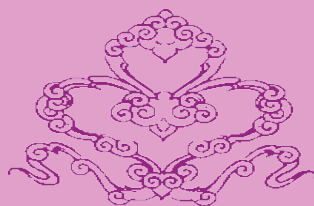
دکتر زهرا امین مجد

■ عضو هیأت علمی دفتر مطالعات و تحقیقات زنان

## ■ لطفاً مفهوم سبک زندگی را تبیین بفرمایید؟

سبک زندگی به مجموعه رفتارهایی که افراد غالباً از خود بروز می دهند اشاره دارد. به عبارت کامل تر، سبک زندگی به مجموعه رفتارها و الگوهای کنش گری هر فرد در زندگی اجتماعی اطلاق می شود و نشان دهنده بینش، نوع نگرش، معانی و تفاسیر فرد در جریان زندگی روزانه و در واقع حاکی از نظام معنایی حاکم بر رفتارهای فرد است. البته سبک زندگی متأثر از دو عامل عمده است که نظام معنایی فرد، تنها یکی از آن دو عامل است. عامل دوم، ساختارهای پیرامون فرد در زندگی اجتماعی اوست.

بر اساس نظام معنایی توحیدی و خدا محور، فرد موظف است در چارچوب تعیین شده توسط شریعت رفتار کند. شریعت شاهراه حرکت انسان را در مسیر زندگی مشخص کرده است. یعنی اصول و قواعد کلی حاکم بر سبک زندگی انسان را که ناشی از نظام معنایی توحیدی است بیان نموده است. قواعدی داریم که شاهراه سبک زندگی اسلامی را به وجود می آورد؛ در واقع صراط مستقیمی داریم که سُبُل یا راه های فرعی ای در آن مستتر است که مشروع هستند. در واقع با تحفظ بر اصول، می توان سبک های زندگی متعدد داشت. این تعدد، در محدوده هایی همچون مباحات و دیگر اصول و مسلمات، البته بر اساس انتخاب گری مشروع به وجود می آید.



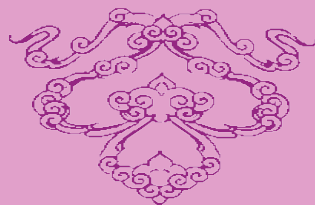
به عنوان مثال در حوزه روابط بین زن و مرد قواعد ثابتی وجود دارد که تحت عنوان منظومه ی عفت ( الگوهای رفتاری و باید و نباید هایی که لازم است حاکم بر رفتار زنان و مردان باشد) از آن یاد می کنیم. ممکن است شرایطی به لحاظ زمانی و یا مکانی اقتضا کند که خانم ها خارج از خانه فعالیت داشته باشند و زمانی نیز چنین اقتضایی وجود نداشته باشد، اما در هر حال قواعد کلی مورد اشاره باید حاکم باشند. به بهانه تغییر شرایط نمی توان از مسلمات دست برداشت.

در حوزه ی تعریف و تعلیم سبک زندگی، لازم است اصول و مسلمات را مشخص کرد و با تحفظ بر آن باید رفتار شود. در محدوده ی این اصول و مسلمات شامل مباحات و ... ، افراد می توانند کنش گری های مشروع داشته باشند. یک نفر ممکن است مراسم ازدواج را خیلی ساده برگزار کرده و در این رابطه به حداقل ها اکتفا نماید - البته شرایط آرمانی زمانی است که همه ی افراد چنین انتخاب های ارجحی داشته باشند - و فرد دیگری مراسمی میانه برگزار نماید - نه به نحوی که با اتصاف به اسراف و اتراف و عناوین دیگر در زمره ی افعال حرام قرار گیرد - به طور خلاصه می توان گفت، با عملکردهای متفاوت اما مشروع در محدوده ی اصول و مسلمات دینی ، سبک های زندگی مختلف دینی به وجود می آید.

### ■ بینش اقتصادی افراد چه تأثیری بر کنش گری اقتصادی آنان، در حوزه تصمیمات مربوط به سبک زندگی شان دارد؟

بر خلاف دانش اقتصاد در غرب که حریص بودن انسان را پیش فرض قطعی خود می داند، پیش فرض اقتصادی در اسلام این است که انسان نیازهایی مادی دارد که باید آنها را برطرف نماید. از این رو بهترین برنامه برای تأمین نیازهای مادی که بخشی از آنها نیازهای مالی هستند به او اعطا شده. اقتصاد اسلامی نیازها را بر اساس این پیش فرض مدیریت می کند. زندگی دنیوی را سامان می دهد و نیز برای رسیدن به آخرت

در حوزه ی تعریف و تعلیم سبک زندگی، لازم است اصول و مسلمات را مشخص کرد و با تحفظ بر آن باید رفتار شود. در محدوده ی این اصول و مسلمات شامل مباحات و ... ، افراد می توانند کنش گری های مشروع داشته باشند. یک نفر ممکن است مراسم ازدواج را خیلی ساده برگزار کرده و در این رابطه به حداقل ها اکتفا نماید البته شرایط آرمانی زمانی است که همه ی افراد چنین انتخاب های ارجحی داشته باشند و فرد دیگری مراسمی میانه برگزار نماید نه به نحوی که با اتصاف به اسراف و اتراف و عناوین دیگر در زمره ی افعال حرام قرار گیرد. به طور خلاصه می توان گفت با عملکردهای متفاوت اما مشروع در محدوده ی مباحات، سبک های زندگی مختلف دینی به وجود می آید.



اخروی به افراد یاری می‌رساند. باذائقه‌سازی صحیح، مدام افراد را از زیاده‌خواهی، تجمل‌اسراف، اتراف، ائتلاف مال و استفاده غیرمتناسب از امکانات برحذر داشته، آنان را به صرفه‌جویی، مدارا، و فروکاستن خواسته‌های مادی ترغیب می‌کند. اسلام هرگز به افراط و تفریط در معیشت و امور مربوط به معاش توصیه نمی‌نماید.

ذائقه‌سازی دینی در این رابطه، به وسیله گزاره‌های و حیانی و افاضات معصومین - علیهم السلام - در تفسیر و تکمیل آن‌ها شکل می‌گیرد.

فرهنگ اقتصادی - در ناحیه‌ی تولید و در حوزه مصرف - نیز بر همین اساس به وجود می‌آید. ما معتقدیم که در زندگی مادی انسان که منظور نیازهای مالی است و نه همه نیازهای مادی از جمله نیاز جنسی انسان، عنصر اصلی تعیین‌کننده درواقع همین فرهنگ اقتصادی است و نه خود نیازهای اقتصادی. الگوی حاکم بر کنش‌گری افراد در رابطه با نیازهای مالی‌شان را اسلام ارائه می‌نماید. آنگاه انتظار می‌رود در جامعه‌ای با ساختارهای حقیقتاً اسلامی، افراد انتخاب‌های مشروع و مناسب اقتصادی داشته باشند.



## □ تأثیر زنان در اصلاح مصارف اقتصادی را چگونه ارزیابی می‌نمایید؟

بدیهی است در حوزه مصرف به فرمایش شهید مطهری، بیشترین مصرف را زنان دارند، چرا که نیازهایشان بیشتر است. نیازهای وابسته به فیزیولوژی، مسأله پوشش حداکثری، نمو در حلیه و زینت که در قرآن بدان تصریح شده‌است، برآوردن مقدمات تمکین مثل مسأله آرایش و پیرایش مشروع، از جمله مسائلی است که سبب فرونی مصرف در زنان شده است. در عین حال باید مصرف را وسیله دانست نه هدف و آن را مدیریت کرد؛ در فرهنگ زندگی اسلامی مصرف هرگز اصالت پیدا نمی‌کند. جایی که مصرف اصالت پیدا می‌کند، با مفاهیمی نظیر مصرف به هر قیمتی،





زندگی برای مصرف و کار برای مصرف، مواجه می‌شویم. مقوله‌ی مصرف فراغتی و هرزگردی بر مدار مصرف (مثل پاساژگردی) نیز در همین الگو به وجود می‌آید. بر اساس ذائقه‌سازی در همین مدل - توسط بازنمایی‌های رسانه‌ای - است که تصویر زنان از وجه جسمانی خود تغییر یافته و دسته‌ی عمده‌ای از مصارف غیر ضروری و حتی مضر در این رابطه شکل می‌گیرد.

وقتی مصرف، اصالت پیدا کرد و الگوی حاکم بر مصرف، الگوی لذت‌بری حداکثری و در نهایت تمرکز حداکثری بر دنیا شد، مسلماً تمرکز بر مصرف افزایش می‌یابد به گونه‌ای که گویا دنیا تنها مبدأ و مقصد انسان شده است.

در مورد زنان، نه تنها اصلاح رفتارهای مصرفی آنان، به اصلاح وضعیت مصرف در جامعه می‌انجامد، بلکه از طریق تأثیرگذاری جدی بر همسر و فرزندان و نیز خانواده، موجب اصلاح الگوی مصرف و کنش‌گری اقتصادی افراد در جامعه می‌شود.

#### □ چه باید کرد تا به وضعیت مطلوب برسیم؟

در ابتدا لازم است نظام معنایی مردم در سطح کلان تغییر یابد؛ وقتی سیستم خدا محوری با نگاهی صحیح به مبدأ و معاد حاکم شد به نحوی که دنیا، فقط به عنوان گذرگاه انسان تصویر گشت. مسلماً مدیریت رفتارهای افراد، از جمله در سطح رفتارهای اقتصادی بسیار آسان‌تر می‌شود. باید بر اساس نظام معنایی اسلامی، سبک زندگی دینی را استخراج نموده و در اختیار مردم قرار داد تا بتوانند



در نهایت می‌توان گفت که الگو، حاصل استفتاء از اسوه است، حاصل عرضه‌ی مسائل مستحدثه به اسوه است. تا زمانی که این الگو تولید نشود، شاهد رفتارهای فاصله‌دار از شریعت هستیم. پس یکی از برنامه‌هایمان تبیین و تولید الگو و در واقع، معرفی شاهراه در سبک زندگی اسلامی است.

در رابطه با اصلاح مصرف اقتصادی هم لازم است علاوه بر اصلاحات کلان، آثار مخرب مدل مرسوم مصرف، بر اساس تجارب عینی جوامع مبتلا به فرهنگ و تفکر غربی نشان داده شود. وقتی مردم فاصله بین وضعیت موجود و مطلوب را همراه با تأثیرات سوء این فاصله ببینند، یقیناً سبک زندگی اسلامی در حوزه اقتصادی را گزینش خواهند کرد.

□ برای تحقق اقتصاد مقاومتی چه باید کرد؟

ذائقه‌سازی اقتصادی در هر شرایطی چه در دوران

زندگی دینی داشته باشند. البته همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، اسلامی‌سازی ساختارها در این رابطه اولویت اصلی و اقدامی ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. تا زمانی که ساختارها کاملاً اسلامی نباشند، نمی‌توان از مردم، دست‌کم همه‌ی آن‌ها، در همه شرایط انتظار کنش‌گری مورد نظر شریعت را داشت. یکی از مشکلات ما این است که نتوانستیم اسوه‌ها را به الگو تبدیل کنیم و در اختیار مردم قرار دهیم. به عنوان مثال، سیره و سلوک حضرت صدیقه - سلام... علیها - را تبیین کرده‌ایم، اما نتوانسته ایم در این رابطه، الگوسازی کنیم. الگو یعنی حاصل ضرب اسوه در مکان و زمان.

بر این اساس می‌توان در این مورد پاسخگو بود که اگر حضرت صدیقه - سلام... علیها - در این شرایط زمانی و مکانی حضور داشتند چه رفتارهایی انجام می‌دادند.



تحریم و چه در غیر دوران تحریم باید وجود داشته باشد؛ اینطور نیست که اگر حکومت اسلامی مبسوط الید بود افراد مجاز به اسراف و اتراف باشند و در دوران سخت اقتصادی به تعبیر رهبر معظم انقلاب، موظف به اقتصاد مقاومتی شوند.

در شرایطی، فداکاری‌های کلانی باید شکل بگیرد تا انسان به بالاترین درجه کمال برسد. زمانی انسان از بزرگ‌ترین سرمایه‌اش که جان اوست می‌گذرد. زمانی هم از مالش و زمانی نیز برای حفظ تمامیت ارضی حکومت اسلامی همچنین حیثیت و شخصیت شیعی، باید از مصرفش بزند. باید به شرایط تحریم نگاهی ارزشی داشته باشیم و الا دچار خسران توأمان در دنیا و آخرت خواهیم شد.

به تعبیر یکی از بزرگواران، در شرایط تحریم رضانی هستیم و در شرایط تهدید حسینی. ما الگوهای کلان برای رفتار متناسب در هر شرایطی را داریم. هدف از امساک در ماه مبارک رمضان فقط بهره‌مندی از فواید روزه نیست بلکه این سبک زندگی را به ما می‌آموزاند که اگر شرایط سخت اقتصادی به وجود آمد، کمتر مصرف کنیم.

البته باید گفت در کوتاه‌مدت نمی‌توان انتظار داشت ذائقه‌ها تغییر یابد. مسلماً باید نگاه راهبردی و کلان برای درازمدت وجود داشته باشد. باید مادران نسل بعد در نظام تربیت رسمی و غیررسمی، طوری مجهز شوند تا در آینده انتظار رفتارهای مبتنی بر اصول حاکم بر سبک زندگی اسلامی مثلاً در حوزه‌ی مصرف از آن‌ها منطقی باشد.

در شرایط فعلی اقتصادی، فرهنگ‌سازی و استفاده از ظرفیت‌هایی مثل خانواده برای به وجود آوردن این ذائقه، ضروری است. البته از آنجا که ساختارها خود را به افراد

تحمیل می‌کنند، حکومت باید اسلامی باشد تا ساختارها هم اسلامی شوند. براین اساس، باید ساختارهای ذائقه‌ساز اقتصادی مثل رسانه‌ها مدیریت شوند. تأثیرگذاری رسانه‌ها در این رابطه بسیار زیاد و انکارناشدنی است. البته شرایطی در جامعه به وجود می‌آید که اثربخشی رسانه‌ها را افزون‌تر و از آن‌ها پشتیبانی می‌کند. به عنوان مثال شاهدیم که دکوراتورهای منازل مسکونی به بهانه تبعیت از اصول زیبایی‌شناختی، درسپک‌های چیدمان امروزی، مسأله حریم درخانه را کاملاً نادیده می‌گیرند. بدین ترتیب، تلاش رسانه‌های تحت نفوذ نظام سلطه برای فروپاشاندن خانواده از طرّقی نظیر از میان بردن حریم در آن پشتیبانی می‌شود. از این رو لازم است که دولت، به دلیل ضرورت بهره‌گیری از مدیریت استراتژیک فرهنگی به خصوص در حوزه‌ی جنسیت و خانواده، در اعطای مجوز به این قبیل اقدامات دقت و نظارت در خور لزوم را داشته باشد. زنان چه به عنوان همسر، چه به عنوان مادر و حتی کنش‌گر فعال اجتماعی می‌توانند تأثیر فراوانی بر اقتصاد مقاومتی داشته باشند. اگر زنان در سلیقه‌ی مصرف اقتصادیشان تغییر ایجاد کنند، مسلماً این تغییر به سرعت در جامعه ایجاد شده و به چشم خواهد آمد. اگرچه بر اساس الگوی قوامیت و نان‌آوری، نقش مردان و تصمیم‌گیری آن‌ها اساسی است، اما زنان به عنوان مدیران داخلی خانه و کانون گرم خانواده و با توجه به الگوی رایج زیست خانوادگی، در زمینه‌ی تهیه کالا و مایحتاج، نظردهندگان اصلی هستند و به همین دلیل نقش آنان در اقتصاد مقاومتی نیز قابل توجه است. همچنین آنان هستند که از طریق تأثیرگذاری حداکثری بر تربیت نسل آینده، می‌توانند ذائقه‌ی مصرف را در آن‌ها، به نفع مصالح جامعه اسلامی مدیریت نمایند. □

# جایگاه اشتغال زنان

## در سبک زندگی اسلامی<sup>۱</sup>

ذاتی و تأثیرگذار وی در خانواده و نقش‌های بی‌بدیل مادری و همسری، با نگاهی منتقد همراه بوده است. در این میان باید دید مفهوم اشتغال در سبک زندگی اسلامی چیست؟ آیا خانه‌داری شغل نیست؟ چرا یک زن زمانی شاغل محسوب می‌شود که از محیط خانه فاصله بگیرد؟ اشتغال یک زن آیا وی را با تعدد نقش‌ها مواجه نمی‌سازد و حتی در صورت توانایی وی برای ایفای شایسته‌ی تمامی این نقش‌ها، آیا روح و جسم زن دچار خمودگی و فرسودگی نمی‌شود؟ با توجه به نیازهای روحی فرزندان در تعامل با مادر، آیا فرزندان از اشتغال مادر آسیب می‌بینند؟ اشتغال زن چقدر بر تعاملات خانوادگی وی و ایفای نقش همسری اثر دارد؟ آیا میان افزایش حضور اجتماعی زنان با بالا رفتن سن ازدواج، تأخیر در فرزندآوری و کاهش رشد جمعیت کشور ارتباط معناداری وجود دارد؟ در اینجا سعی خواهد شد به سؤالات مطروحه ی فوق پاسخ داده شود.

به واقع موضوع اشتغال زنان، به صورتی که امروز در تعاریف ما جای گرفته، نقش‌های اصلی و مهم زنان را تحت‌الشعاع قرار داده است. به بیان دیگر، سبک زندگی اسلامی نه تنها خانه‌داری را یک شغل بسیار مهم می‌داند، بلکه آن قدر برای نقش‌های مادری و همسری زن ارزش قائل است که دیگر نقش‌های وی را در سایه‌ی این دو وظیفه‌ی حساس تعریف می‌نماید، زیرا این نقش‌ها، بر خلاف دیگر وظایف تعریف‌شده در ساختار جامعه، هیچ جایگزینی ندارند. با نگاهی به آمار و ارقام مشارکت اجتماعی زنان به وضوح می‌توان دریافت این مهم نیز همانند آمار قبولی دختران در دانشگاه، سوار بر منحنی صعودی پیش می‌رود و زنان در عرصه‌ی اشتغال نیز همچون عرصه‌ی تحصیل می‌روند تا از مردان پیشی بگیرند. با وجود این، اشتغال زنان یکی از مسائلی است که همچنان جای بحث دارد. از همین رو همواره کار کردن زن در خارج از خانه، با توجه به ویژگی‌های

## ■ جایگاه خانه‌داری در سبک زندگی اسلامی

شاید در نخستین گام برای بررسی آثار و پیامدهای اشتغال زنان بر خانواده و جامعه باید مفهوم اشتغال را مورد بازبینی قرار داد. اشتغال از جمله مفاهیم بنیادین و کلیدی است که در هر فرهنگی معنایی متفاوت پیدا می‌کند. امروز در جامعه‌ی ما نیز اشتغال اغلب به همان معنای رایج در غرب به کار می‌رود؛ یعنی کار درآمدزا. در این فرهنگ، شاغل به کسی می‌گویند که در ازای کار، دستمزدی دریافت کند. اما شغل در فرهنگ اسلامی بر مفهوم «کار» تأکید دارد. کار به معنای عام هر چیزی است که برایش انرژی صرف می‌شود؛ چه رسمی باشد چه غیررسمی، مزدگیر باشد یا فی سبیل‌الله. بنابراین تعبیر کار خانگی، خانه‌داری، پرورش فرزند، فعالیت زنان روستایی در بخش کشاورزی و مواردی نظیر آن نیز به مفهوم کار است. در متون دینی نیز بر این معنا از کار تأکید شده است و همه مکلف به آن هستند. از سوی دیگر، خانه‌داری حتی ارزش افزوده هم دارد. برای نمونه، اگر یک ماه هزینه‌ی کارهایی را که خانم در خانه انجام می‌دهد محاسبه کنید، ارزش کار آن‌ها مشخص خواهد شد و مشاهده خواهید کرد که خانه‌داری زن علاوه بر سایر محسناتی که دارد از لحاظ اقتصاد فردی نیز مقرون به صرفه است و تأثیر زیادی بر اقتصاد جامعه دارد. برآورد شده است که کار منازل بین ۲۵ تا ۴۰ درصد ثروت ایجادشده در کشورهای صنعتی را در بر می‌گیرد.<sup>۱</sup>

از هم پاشیدن ساختار خانواده، سپرده شدن کودکان به مهدهای کودک با تمام آسیب‌هایی که روان‌شناسان و جامعه‌شناسان برای آن برمی‌شمرند، آسیب‌های روحی و جسمی و حتی تجرد قطعی و منفی شدن رشد جمعیت، دستاوردهای اشتغال زنان در غرب است و این موضوع اندیشمندان غربی را به کندوکاو و چاره‌جویی واداشته است.

علاوه بر این فرآیند مهم تربیتی، عاطفی، اخلاقی و... نیز بر حضور مؤثر زن در خانه مترتب است. پس می‌بینیم که خانه‌داری نه فقط شغل محسوب می‌شود که در حلقه‌های اقتصادی جایگاه مهمی را هم به خود اختصاص می‌دهد.

## ■ بایدها و نبایدهای اشتغال زنان از نگاه مقام معظم رهبری (مد ظله العالی)

از نگاه رهبر معظم انقلاب نیز اشتغال بانوان بایدها و نبایدهایی دارد. آسیب نرسیدن به نقش‌های اصیل زن، یعنی مادری و همسری، و بحث رعایت حریم محرم و نامحرم و پرهیز از اختلاط، شروط اساسی است که رهبر معظم انقلاب برای اشتغال بانوان جامعه برمی‌شمرند.<sup>۲</sup>

بنا بر تأکید ایشان، نقش‌های همسری و مادری، بر خلاف دیگر نقش‌های تعریف‌شده در جامعه، بی‌بدیل‌اند و فقط زن می‌تواند از پس آن برآید.<sup>۳</sup> به تعبیر رهبر فرزانه‌ی انقلاب، فرزندآوری و تربیت فرزند و باز کردن گره از تارهای فوق‌العاده ظریف عواطف کودک، تنها با سرانگشتان مادر امکان‌پذیر است تا کودک دچار عقده‌ی عاطفی نشود.<sup>۴</sup>

از سوی دیگر، عدم رعایت حریم‌ها می‌تواند نظام ارزشی و اخلاقی جامعه را به ورطه‌ی نابودی بکشانند. این اتفاق با سستی پایه‌های خانواده و بی‌اعتمادی شوهر آغاز می‌شود و با پوک کردن پایه‌های سلامت اخلاقی خانواده به جامعه نیز کشیده می‌شود.

بر همین اساس می‌توان اثرگذاری اشتغال بانوان بر نقش‌های مادری و همسری را مورد ارزیابی قرار داد. البته نکته اصلی و اساسی در این بحث آن است که زن در صورت تراحم مسئولیت‌های خانوادگی و اجتماعی از جمله بحث اشتغال، لازم است مسئولیت‌های خانوادگی را ترجیح دهد. این مطلب در سخنان رهبر معظم انقلاب اسلامی به

۱. گیدنز، ۱۳۷۳، ص ۱۹۶.

۲. بیانات حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی.

۳. همان.

۴. همان.

زیبایی تبیین شده است :

« اشتغال بانوان از جمله ی چیزهایی است که ما با آن موافقیم. بنده با انواع مشارکت های اجتماعی موافقم؛ حالا چه از نوع اشتغال اقتصادی باشد، چه از نوع اشتغالات سیاسی و اجتماعی و فعالیت های خیرخواهانه و از این قبیل باشد؛ اینها هم خوب است. زن ها نصف جامعه اند و خیلی خوب است که اگر ما بتوانیم از این نیم جامعه در زمینه ی اینگونه مسائل استفاده کنیم؛ منتها دو سه

تا اصل را باید ندیده نگرفت. یک اصل این است که این کار اساسی را - که کار خانه و خانواده و همسر و کدبانویی و مادری است - تحت الشعاع قرار ندهد. می شود هم. به نظرم می رسد مواردی داشتیم که خانم هایی اینطور عمل می کردند. البته یک قدری به آن ها سخت می گذرد؛ هم درس خواندند، هم درس دادند، هم خانه داری کردند، بچه آوردند، بزرگ کردند، تربیت کردند. پس ما با آن اشتغال و مشارکتی کاملاً موافق هستیم که به این قضیه ی اصلی ضربه و صدمه نزنند؛ چون این جایگزین ندارد. شما اگر بچه ی خودتان را در خانه تربیت نکردید، یا اگر بچه نیلوردید، یا اگر تارهای فوق العاده ظریف عواطف او را - که از نخ های ابریشم ظریف تر است - با سرانگشتان خودتان باز نکردید تا دچار عقده ی [عاطفی] نشود، هیچ کس دیگر نمی تواند این کار را بکند؛ نه پدرش و نه به طریق اولی دیگران؛ فقط کار مادر است. این کارها، کار مادر است؛ اما آن شغلی که

**شما اگر بچه ی خودتان را در خانه تربیت نکردید، یا اگر بچه نیلوردید، یا اگر تارهای فوق العاده ظریف عواطف او را که از نخ های ابریشم ظریف تر است با سرانگشتان خودتان باز نکردید تا دچار عقده ی [عاطفی] نشود، هیچ کس دیگر نمی تواند این کار را بکند؛ نه پدرش و نه به طریق اولی دیگران؛ فقط کار مادر است.**

شما بیرون دارید، اگر شما نکردید، ده نفر دیگر آنجا ایستاده اند و آن کار را انجام خواهند داد. بنابراین اولویت با این کاری است که بدیل ندارد؛ تعیین با این است. آن وقت همین جا وظیفه ی بر دوش دولت است. باید به آن خانم هایی که حالا به هر دلیلی، به هر جهتی، با هر ضرورتی، کار تمام وقت یا نیمه وقت را قبول کرده اند، کمک بشود تا بتوانند به مسأله ی مادری برسند، به مسأله ی خانه داری برسند. با مرخصی ها، با زمان بازنشستگی، با مدت کار روزانه،

به نحوی بایستی دولت کمک کند تا این خانمی که حالا به هر دلیلی آمده اینجا شاغل شده، بتواند به آن قضیه هم برسد».

(بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در سومین نشست اندیشه های راهبردی با موضوع زن و خانواده، ۱۳۹۱/۱۰/۱۴)

بنابراین باید گفت، اشتغال زنان مانند هر پدیده ی دیگری دارای وجوه مثبت و منفی است. در اینجا نیز باید اهمیت و تأثیر گذاری این محاسن و معایب را بر فرد، خانواده و جامعه در نظر گرفت تا بتوان به یک قضاوت کلی از ترسیم جایگاه زن در مشارکت های اجتماعی دست یافت.

افزایش اعتماد به نفس، احساس استقلال، خودباوری و کمک به اقتصاد خانواده از محاسنی است که برای اشتغال زنان برشمرده می شود، اما چالش های بسیاری نیز در این مسیر وجود دارد؛ چالش هایی برای خود بانوان، فرزندان، خانواده و در نهایت جامعه.

## پیامدهای فردی اشتغال زنان

■ **تحمیل فشارهای روحی و جسمی ناشی از تعدد نقش‌ها**  
اشتغال، نقش‌هایی غیر از نقش اصلی مادری و همسری به بانوان تحمیل می‌کند. این تنش‌ها گاهی سبب تغییرات کلی در خلق و خوی زنان می‌شود؛ به گونه‌ای که روحیه‌ی لطیف و ظرافت‌های زنانه گاهی به طور کلی تحت تأثیر قرار می‌گیرد و این مهم، هم بر رشد و تعالی فردی زن اثرگذار است و هم بر روابط خانوادگی وی.

### ■ تأخیر در ازدواج

تجرد قطعی یا تجرد تا سنین بالا امری است که در میان زنان شاغل بیشتر به چشم می‌خورد و استقلال مالی یکی از دلایل این پدیده است. این موضوع صرف‌نظر از تبعات فردی، منجر به کاهش نرخ رشد جمعیت در جامعه نیز می‌شود.

### ■ جابه‌جایی نقش‌ها و اولویت‌ها

زنان شاغل گاهی آن‌چنان در کار خود غرق می‌شوند که نقش‌ها و اولویت‌هایشان تغییر می‌کند و این تغییرات بر ارزش‌ها و انتظارهای فرد، تفکر و تصمیم‌گیری‌های وی تأثیر می‌گذارد و به مرور زمان، مسائل کاری بر مسائل خانوادگی، همسر و فرزندان اولویت می‌یابد.

### ■ احساس گناه در مادران شاغل

مادران شاغل گاهی به علت نگرانی از عدم حضور در کنار فرزندشان احساس گناه می‌کنند که این احساس منجر به اضطراب و در نهایت، لطمه به کار و رابطه‌ی مادر و کودک می‌شود و به صورت پرخاشگری، توجه بیش از اندازه به کودک و ... بروز می‌کند.

## پیامدهای خانوادگی اشتغال زنان

### ■ سستی کانون خانواده

از نظر «آنتونی پارسونز» پایگاه اجتماعی خانواده و حفظ امنیت و آسایش خانواده از طریق درآمد شغلی مرد است و نقش زن ایجاد و حفظ روابط عاطفی درون خانواده است. پارسونز این تقسیم را بهترین شکل برای حفظ وحدت خانوادگی می‌داند و تداخل هر نقش دیگری را سبب برهم خوردن تعادل زندگی به حساب می‌آورد، زیرا به خصوص در حالت اشتغال زن، او تبدیل به رقیب شغلی شوهر خود می‌گردد و این رقابت زن و شوهر با یکدیگر سبب ناهماهنگی و نابسامانی خانواده می‌شود. به باور وی، نقش‌های متعارف زن و مرد معادل و مکمل یکدیگر است.

### ■ سردی روابط با همسر

زن ویژگی‌های روحی متفاوتی از مرد دارد. از همین رو، چالش‌هایی که در محیط کار به وجود می‌آید می‌تواند خستگی‌های روحی و جسمی را برای وی به وجود آورد و این خستگی‌ها بر روابط زناشویی و حتی کلامی زن تأثیر می‌گذارد و می‌تواند منجر به سردی ارتباط او با همسرش شود. در نتیجه، تفاهم زن و مرد به تخاصم مبدل می‌گردد و حتی می‌تواند منجر به جدایی شود.

### ■ بروز روحیه‌ی مدیریتی در برخورد با همسر

گاهی زنان شاغل، روحیه‌ی منعطف و مهربان خود را از دست می‌دهند و روحیه‌ی مدیریتی پیدا می‌کنند که این مسأله نیز بر روابط آن‌ها با همسر تأثیرگذار است.

### ■ استقلال مالی و احساس عدم وابستگی

گاهی استقلال مالی و عدم وابستگی اقتصادی زن سبب تغییر روابطش با مرد می‌شود. به بیان دیگر، رفتار

به گونه‌ای که همان مدت زمان کوتاه حضور در خانواده نیز حضوری سرد است و این به روابط خانوادگی بیش از پیش آسیب می‌زند.

## آثار اشتغال مادر بر فرزندان

ارتباط فرزندان با مادر نه فقط در رفع نیازهای کودک مؤثر است، بلکه بر حالات روانی و عاطفی وی نیز تأثیر می‌گذارد. مادران شاغل اغلب به دلیل آنکه بخش مهمی از ساعات مفیدشان را در طول روز از فرزند جدا هستند، نمی‌توانند همانند مادران خانه‌دار به کودکان خود رسیدگی کنند. علاوه بر این، آن‌ها در کنار خستگی جسمی و ذهنی ناشی از کار، مسئولیت خانه و خانه‌داری را هم به دوش می‌کشند. از سوی دیگر، سپردن کودکان به مهد کودک هم چندان مورد تأیید کارشناسان نیست، چرا که به باور آن‌ها این کار ممکن است موجب بروز نابسامانی‌های روانی خاصی در بزرگسالی شود.

### ■ فاصله‌ی عاطفی از فرزند

روان‌شناسان معتقدند کودکان در سال‌های نخستین زندگی، نیاز شدید عاطفی دارند و این نیاز تنها از سوی مادر تأمین می‌شود و با هیچ نهاد جایگزین دیگری تأمین نمی‌شود. با شاغل شدن زن که مهم‌ترین نقش را در ایجاد تعادل عاطفی و روانی و ایجاد فضایل دارد، لطمه‌ی شدید روحی به فرزندش وارد می‌شود.

### ■ کاهش نفوذ مادر در تابعیت‌پذیری فرزند

هر مسأله‌ای که سبب دوری والدین از فرزندان شود از میزان نفوذشان در آن‌ها کم می‌کند. اشتغال مادر نیز این دوری را پدید می‌آورد و به این صورت بر تربیت صحیح

استقلال‌طلبانه‌ی زن، اقتدار و مدیریت مرد را خدشه‌دار می‌کند و این مسأله موجب بروز اختلاف در خانواده می‌شود.

### ■ کم رنگ شدن حضور زن در خانه

اشتغال زن سبب می‌شود تا زمان حضورش در کانون خانواده کاهش یابد و این مهم، علاوه بر تأثیر بر روابط او با همسر، فرزندان را نیز متأثر می‌سازد. انتقال خستگی ناشی از کار به خانه و عدم آمادگی جسمانی و روانی برای برآوردن نیازهای روانی و عاطفی اعضای خانواده یکی دیگر از عوارض این حضور کم‌رنگ است.

### ■ ارضای نیازهای کلامی و عاطفی زن در محیط کار

برخی از بانوان شاغل در محیط کار آن قدر با همکاران و مراجعان ارتباط کلامی دارند که ممکن است در منزل نیاز و انگیزه‌ای برای برقراری رابطه‌ی کلامی با اعضای خانواده نداشته باشند. این مسأله می‌تواند به شکل مشکلات عاطفی و رفتاری و دوستی‌های افراطی و ناسالم در فرزندان بروز کند. در مورد همسر نیز ممکن است این موضوع موجب بدخلقی و برقراری روابط عاطفی و کلامی ناسالم با زنان دیگر شود.

### ■ کاهش ارتباط با بستگان و دوستان

خانواده‌های شاغل، در مقایسه با خانواده‌های سنتی، وقت کمتری برای حضور در خانواده و اقوام دارند. از این رو به نوعی منزوی می‌شوند و حمایت عاطفی و روانی و حتی مالی اطرافیان را از دست می‌دهند.

### ■ غلبه‌ی ارتباطات کاری بر ارتباطات خانوادگی

گاهی ارتباطات دوستانه و روابط عاطفی در محیط کار و میان همکاران از روابط و تعاملات خانوادگی پیشی می‌گیرد؛

فرزندان تأثیر می‌گذارد، زیرا فرزند دیگر حرف‌شنوی لازم را ندارد.

### ■ رفتارهای تربیتی خارج از خط تعادل

خستگی‌های روحی ناشی از اشتغال در خارج از منزل گاهی سبب رفتار غیردوستانه و سخت‌گیری افراطی مادر می‌شود و گاهی هم مادر می‌کوشد تا ساعات نبودن خود را با هدیه یا نوعی باج دادن به فرزند جبران کند و این روند افراطی و تفریطی رفتار با فرزندان کلیت تربیت او را دچار خدشه می‌نماید.

### ■ عدم نظارت مستقیم بر فرزندان و غفلت از نیازهای آن‌ها

پرخاصگری و عدم تمرکز، افت تحصیلی و بحران‌های عاطفی در نوجوانی حکایت از عدم نظارت مستقیم والدین و به خصوص مادر بر آن‌ها دارد و این مسأله نیاز به حضور و واکنش به موقع مادر در برابر رفتارهای فرزندان را بیشتر به رخ می‌کشد.

### ■ تضعیف جایگاه پدر

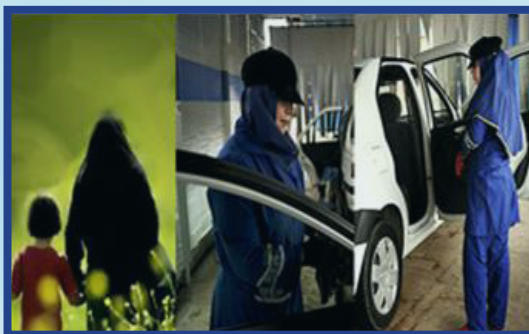
اشتغال مادر ممکن است نقش و جایگاه پدر را در بین فرزندان پسر مخدوش کند. فرزندان چون می‌توانند بخشی از نیازهای مالی خود را از طریق مادر برطرف نمایند، ممکن است نقش پدر را در منزل نادیده بگیرند و از کمک‌ها و راهنمایی‌های وی خود را بی‌نیاز بدانند و به مرور زمان، پدر در انزوا قرار گیرد.

### ■ کم‌رنگ شدن نقش مادر به عنوان الگوی جنسیتی برای دختران

بی‌تردید نخستین الگوی دختر، مادر است. دختر در تعامل با مادر، خانه‌داری، کدبانویی، شوهرداری، بچه‌داری و امثال آن را یاد می‌گیرد و به تدریج، بخشی از مسئولیت زندگی را در خانواده بر عهده می‌گیرد و خود را برای زندگی آینده آماده می‌کند؛ اما حضور کم مادر در خانه و کانون خانواده این الگو را بی‌رسم می‌سازد.

### ■ دوگانگی در تربیت فرزندان

در طول زمان حضور در محل کار، مادر مجبور است فرزند یا فرزندان خود را به مهد کودک یا به افراد دیگری از فامیل مثل خواهر یا مادر بزرگ بسپارد. این در حالی است که الگوهای تربیتی مادر با ایده‌ها و روش‌های تربیتی مربیان مهدها و دیگران متفاوت خواهد بود و فرزندان با حالتی دوگانه در رفتار و افکار و ارزش‌ها رشد خواهند نمود.



روان‌شناسان معتقدند کودکان در سال‌های نخستین زندگی، نیاز شدید عاطفی دارند و این نیاز تنها از سوی مادر تأمین می‌شود و با هیچ نهاد جایگزین دیگری تأمین نمی‌شود. با شاغل شدن زن که مهم‌ترین نقش را در ایجاد تعادل عاطفی و روانی و ایجاد فضایل دارد، لطمه‌ی شدید روحی به فرزندش وارد می‌شود.

## آثار اجتماعی اشتغال بانوان

اگرچه پیامدهای فردی، خانوادگی و آثار اشتغال مادر بر فرزندان همگی می‌توانند به طور غیرمستقیم جامعه را متأثر سازند، اما اشتغال زنان به طور مستقیم نیز تبعاتی برای جامعه دارد. از جمله تبعات این امر می‌توان به کاهش رشد جمعیت و بیکاری مردان اشاره کرد.

الف - کاهش رشد جمعیت : نرخ رشد جمعیت در کشور ما نیز با کاهش چشمگیری مواجه شده است؛ کاهشی که به باور بسیاری از صاحب نظران ارتباط معناداری با افزایش اشتغال بانوان در دهه‌های اخیر دارد.

### ■ کم شدن میل به فرزندآوری

زنان شاغل به سبب تعدد وظایف ترجیح می‌دهند فرزندان کمتری داشته باشند تا بتوانند از پس ایفای نقش مادری برآیند. در نتیجه امروز تک‌فرزندی پدیده‌ی غالبی است که در خانواده‌هایی که در آن‌ها زن شاغل است بیشتر دیده می‌شود. گاهی هم شاهد فاصله‌ی سنی زیادی بین بچه‌ها هستیم که آسیب‌های خودش را دارد.

### ■ تأخیر در فرزندآوری

در کشور ما و بر اساس ضعف قوانین و اجرای نامناسب آن‌ها، زنان شاغل برای از دست ندادن شغلشان ناگزیرند فرزندآوری را به تأخیر بیندازند.

ب - بیکاری مردان : زنان اغلب نیروی کار ارزان‌تری به شمار می‌روند و به دلیل آنکه مسئولیت مدیریت مالی

خانواده با آنان نیست، راحت‌تر زیر بار مشاغل کم‌درآمد می‌روند. همین امر موجب می‌شود شرکت‌ها و مؤسسات به استفاده از نیروی زن تمایل داشته باشند و در این میان، مردان بیکار می‌مانند. این موضوع یکی از نگرانی‌ها و دغدغه‌های جامعه‌ی امروز ما نیز هست.

در برابر آسیب‌هایی که برای اشتغال بانوان برشمردیم، راهکارهایی نیز وجود دارد؛ راهکارهایی که می‌توان علاوه بر در نظر گرفتن مسائل اقتصادی خانواده، آرامش روحی و روانی بانوان، نهاد خانواده و فرزندان را نیز در آن‌ها منظور کرد.

در ادامه لازم دانسته شد در جهت پیشگیری و مقابله با آثار منفی اشتغال زنان، راهکاری چند ارائه گردد :

۱. توجه به ارزش و اهمیت خانه و خانه‌داری : شاید در نخستین گام لازم باشد تا با نگاهی دوباره به جایگاه خانه‌داری و ارزش همسری و مادری، بازتعریفی از اشتغال و مفید بودن بانوان جامعه ارائه شود. مطابق تعریفی که ارائه شد، خانه‌داری متقارن با بیکاری نیست، بلکه خانه‌داری و ایفای نقش مادری و همسری، بستر فرهنگ‌سازی و اصلاح اجتماع و رشد انسان‌هاست؛ همچنان که در آیات و روایات ما نیز به ارزش مادری و همسری زنان توجه ویژه‌ای شده است.

۲. احیای ارزش مادری و اهمیت تربیت فرزند

۳. تقسیم کار میان اعضای خانواده

۴. پرهیز از تجمل‌گرایی و رعایت اعتدال و قناعت در هزینه‌ها و مخارج زندگی و به نوعی بازگشت به سبک زندگی ایرانی

است. هرچند کم نداریم بانوانی را که با رعایت بایدها و نبایدهای اشتغال که مهم‌ترین آن‌ها آسیب ندیدن نقش مادری و همسری و پرهیز از اختلاط با نامحرم است، علاوه بر مشارکت اجتماعی موفق، نقش‌های اساسی خود را نیز به شایستگی انجام می‌دهند. اما نمی‌توان انکار کرد این مهم نیازمند همراهی و همدلی تمامی اعضای خانواده است. در غیر این صورت فرسودگی و کسالت روح و جسم بانوان شاغل امری دور از انتظار نخواهد بود.

از سوی دیگر با کندوکاوی جدی در برخی از پژوهش‌ها و مقالات حامی اشتغال زنان و معرفی این موضوع به عنوان نیاز واقعی و مطالبه‌ی جدی زنان، ردپای تفکرات فمینیستی را می‌توان در آن‌ها مشاهده کرد که آگاهانه یا ناآگاهانه وارد این مفاهیم شده‌اند. به هر حال تفاوت‌های جسمانی و روان‌شناختی زنان و مردان و تفاوت بین بافت دینی - فرهنگی جامعه ما با جوامع اروپایی و غربی از مواردی است که اشتغال بانوان در جامعه‌ی ما را از جوامع اروپایی متمایز می‌سازد.

هرچند نمی‌توان برای مثبت یا منفی بودن اشتغال بانوان نظر قطعی ارائه کرد، اما به نظر می‌رسد نقش‌های بی‌بدیل زنان در محیط خانواده آن قدر مهم است که نمی‌توان آن را با هیچ نقش دیگری مقایسه کرد و حیف است این تعهد تأثیرگذار آسیب ببیند یا به آن خدشه وارد شود. □

و اسلامی سبب کاهش چشمگیر نیازهای مادی خانواده می‌شود و دیگر نیازی به اشتغال هم‌زمان زن و شوهر برای تأمین هزینه‌ها نیست.

۵. گسترش کارهای نیمه‌وقت یا پاره‌وقت برای بانوان  
۶. جدی‌تر شدن بحث دورکاری و در نظر گرفتن اولویت برای دورکار شدن زنان، به خصوص مادران دارای فرزند کوچک

۷. تفکیک محیط‌های شغلی مردان و زنان برای پیشگیری از بروز برخی آسیب‌های اخلاقی

۸. توسعه‌ی مشاغل خانگی و توسعه‌ی مشاغل محلی  
۹. امکان به دست آوردن فرصت شغلی پس از وقفه‌ی چند ساله به دلیل انجام فعالیت‌های مادرانه

۱۰. حذف کشیک‌های غیرضروری در ساعات شب برای زنان

۱۱. ایجاد فرصت‌های شغلی جدید در عرصه‌های متناسب با روحیات بانوان

۱۲. جدی گرفتن بیمه‌ی زنان خانه‌دار برای کاستن از دغدغه‌های معیشتی این قشر مفید و مؤثر

این‌ها از جمله مواردی است که همت و باور مسئولان و سیاست‌گذاران جامعه را می‌طلبد و اگر جدی گرفته شود، می‌تواند تا حدود زیادی از مشکلات بانوان در زمینه‌های اقتصادی بکاهد.

اشتغال بانوان هرچند منعی دینی یا اجتماعی ندارد، اما با آسیب‌هایی در ابعاد فردی، خانوادگی و اجتماعی همراه

# سبک زندگی در عصر مهدوی

حجت الاسلام و المسلمین دکتر سید حسین اسحاقی

آگاهی کامل از جزئیات و دستاوردهای عصر ظهور برای کسی که پیش از ظهور زندگی می کند بسیار دشوار می نماید. تنها در پرتو روایات معصومین - علیهم السلام- و بر اساس استنباط علمای سلف و خلف از احادیث می توان تا حدودی از این شاخصه ها و واقعیت ها پرده برداشت. در این نوشتار به دنبال شاخص یابی و ترسیم وضعیت و ابعاد حکومت جهانی حضرت مهدی - عج ا... تعالی فرجه الشریف- هستیم. دریافتیم که خرد و باور انسان سرانجام به نقطه ای می رسد که پذیرای حکومت سیاسی، اجتماعی و عدالت گستر مهدوی خواهد بود و به مدیریت کلان او رضا خواهد داد. البته هدف کلی آفرینش نیز اجرای اوامر و نواهی الهی در سراسر هستی است و این با حکومت واحد جهانی همساز است.

در عصر ظهور، آسانی ها و خرسندی ها رخ می نماید، زمین و طبیعت از هیچ نعمتی دریغ نمی ورزد و آسمان پیایی آهنگ رحمت دارد و فرشتگان نیز بارش مدام خیر و برکت و سلام را با خود می آورند. در آن روزگار خرم بنیاد، نیل به رستگاری، دادگری، مساوات، راستی، عزت و افتخار، عمران و آبادانی، کمال و معرفت، قضاوت توأم با عدالت، وصول به فن آوری نوین و رفاه و آسایش دست یافتنی خواهد بود. در حکومت واحد جهانی، موانع کمالی برداشته شده، شیاطین و رهروانشان بساط خویش بر می چینند و راه روشن کمال و سعادت آشکار می شود و آموزه های ناب شریعت رسول ختمی مرتبت به وسیله بقیه بی مثالش، جهانگیر می گردد.

یک همسر و چه در مقام یک مادر می توانند خانواده و جامعه را به صورت بستری هموار برای رشد شخصیت ها و فضیلت های انسانی درآورند و به سخنی دیگر، سبب معراج انسان ها گردند.

باید دانست که نائل شدن زن به مرتبه معرفت، بشارت می دهد که در عصر ظهور مجالی برای پوشانیدن حق و حقوق انسانی نخواهد ماند، درحالی که در ادوار قبل از ظهور این نیمه ی اجتماع از پاره ای از امتیازات به دور بودند.

عصاره کلام این که در نظام معنایی مهدوی، رشد یافتگی اعتقادی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی برمدار اسلام ناب محمدی - صلی... علیه و آله و سلم - به ثبوت و اثبات می رسد. نظارت عمومی نیز بر کیفیت اجرای برنامه های الهی در حوزه های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، قضایی و فرهنگی بر محور خدا بینی، معاد باوری و عدالت گستری انجام می گیرد و بشریت برای نخستین بار طعم شیرین نظام بی طبقه توحیدی و شهود کریمه «و نریدان نمین علی الذین استضعفوا فی الارض ونجعلهم ائمه ونجعلهم الوارثین» را به عیان می بینند و آن روز موعود، چندان دور نیست و صبح ظفر نزدیک است. انشاء الله

آری، سرانجام بذر هدایت و معرفت که به وسیله پیامبران افشاندن شده بود و افکار باطل و نفوس پلید مانع از سرسبزی آن بودند، به وسیله موعود عدالت گستر جان می گیرد و به فرموده ی امام باقر- علیه السلام - «اذا قام قائمنا وضع یده علی رؤس العباد فجمع به عقولهم» (بحار الانوار، ج ۵۲) «هنگامی که قائم ما قیام کند، دست خدایی اش را بر سر بندگان می نهد، از آن پس خردها و دانش های آنان به هم می پیوندند و کمال می یابد».

و تا آن روز فرخنده به انتظارت می مانیم  
ای یگانه سپر

بانگ توحید و اقرار به نبوت و ولایت از هر کوی و برزنی طنین انداز خواهد شد. نظامی بنا نهاده می شود که از حیث اعتقادی، منطقی و عقلانی؛ خدامحور و معاد باور، همراه با اعتدال اخلاقی و توازن اقتصادی، دارای سیاستی صائب و روابطی مترقی، برخوردار از نظام جامع تربیتی و آموزشی و بهره مند از نظام مستحکم قضایی است.

از دیگر ویژگی های عصر ظهور، پدیدارگشتن رشد معرفتی و دانشی انسان است. البته این سخن به این معنا نیست که بشر پیش از ظهور، اندیشه، تعقل، تلاش و جستجو برای دست یابی به حقیقت را نداشته است؛ بلکه منظور این است که بندها گسیخته و دیده ها گشوده خواهد شد. در آن روزگار کمتر کسی است که در نادانی، عمر را سپری کند و در توسعه اندیشه و خرد خویش نکوشد. بی تردید سیاست خیرگرایانه مهدی - عجل... تعالی فرجه الشریف - فضای مستعد و مناسب علمی را پدید می آورد تا همگان مجال تفکر و تعلیم و نشر تازه های پژوهشی را بدست آورند و بخصوص زنان که برای دستیابی به گنجینه علوم و دانش، کم و بیش با موانعی رو به رو بوده اند. امام باقر - علیه السلام - درباره توسعه و مجال معرفتی بانوان در عصر ظهور می فرماید:

«وتوتون الحکمه فی زمانه، حتی ان المراه لتقضى فی بیتها بکتاب الله تعالی و سنه رسول الله (ص)» (کمال الدین، ج ۲، ص ۳۷۲) «در زمان مهدی - عجل... تعالی فرجه الشریف - حکمت و حقیقت خواهند آموخت تا آنجا که زنان مسلمان در خانه ها با آگاهی از کتاب خدا و سنت پیامبر- صلی... علیه و آله - داوری خواهند کرد».

البته بازگشت زنان به دامن حکمت و دریافت عقلانی از جایگاه معرفتی اسلام، درحقیقت بازگشت نسل ها و فرزندان یک جامعه به مدار حق طلبی است، چراکه چه در سیمای



## پایان کلام

به « حیات طیبه » یاد کرده است. با این هدف ضروری است تا سیاست های جمعیتی کشور و نظام اسلامی ایران متناسب با آرمان ها، اعتقادات، اهداف و برنامه ها، برای دستیابی به اقدامات و طرح های متناسب و مطلوب جامعه بازمهندسی شود. این ضرورت می طلبد تا میان برنامه های توسعه و پیشرفت، اسناد کلان نظام، سند چشم انداز و سیاست های جمعیتی، هماهنگی و همخوانی مبنایی و اصولی درخور لزوم ایجاد گردد.

و نیز در تبیین سبک زندگی اسلامی و نسبت فرهنگ تجمل گرایی با « اقتصاد مقاومتی » گفته شد؛ در فرهنگ اسلامی گرایش به تجملات به دلیل پیامدهای فردی و اجتماعی آن مورد مذمت قرار گرفته است و هیچ نسبتی با سبک زندگی اسلامی ندارد و نه تنها فی نفسه ضد ارزش محسوب می شود بلکه تحت شرایطی قبح آن مضاعف می شود. لذا در شرایط کنونی که کشور دچار مشکلات ناشی از تحریم های ناجوانمردانه استکبار جهانی می باشد، عقل و منطق ایجاب می کند روحیه مصرف گرایی مهار شود و برای گذر از شرایط کنونی با پیروی از امر مقام عظمای ولایت در طرح « اقتصاد مقاومتی »، زنان و مردان جامعه اعم از خرد و کلان پا به عرصه ی عمل گذارند که در این میان باید گفت نقش زنان در احیاء این امر خطیر نه کمتر از مردان که تأثیر گذارتر خواهند بود.

در مبحث « اشتغال همسر و مصالح خانواده در سبک زندگی اسلامی » اثبات شد که زنان از نظر اسلام و مطابق قوانین ج.ا. ایران از حق اشتغال برخوردار هستند البته با

همانطور که ملاحظه گردید؛ در این نوشتار ضمن بررسی شاخص ها، اصول و مبنای سبک زندگی و تمدن نوین اسلامی در تقابل با تفکر فلسفی و فرهنگ مدرن غربی، همچنین ترسیم الگوی خانواده اسلامی ایرانی با توجه به ضرورت سبک گزینی و احیا اصول زندگی دینی، به برخی از اصول قرآنی و سیره ی نبوی در امر خطیر همسر داری از جمله اصل آرامش بخشی؛ اصل مهرورزی؛ اصل سازگاری؛ اصل خشونت زدایی؛ اصل خلوت گزینی؛ اصل آراستگی؛ اصل خطاپوشی؛ اصل خوش خلقی؛ اصل وفاداری؛ اصل امانت داری؛ اصل تشاور؛ اصل فداکاری و اصل داوری اشاره گردیده است.

تبیین سلوک فاطمی و مهدوی - سلام ... علیهما - نیز از دیگر مباحثی است که جهت معاصر سازی اسوه های اسلامی مطرح شده است.

همچنین ضمن بررسی سبک زندگی و تحولات جمعیتی جامعه ی اسلامی ایران و آثار مخرب سبک زندگی مدرن غربی در کاهش جمعیت در ایران، به این مهم اشاره گردید که مسأله ی حیاتی جمعیت و تعادل جمعیتی برای رسیدن به جمعیتی مطلوب و کیفی نه تنها از اهداف اولیه نظام اسلامی است بلکه بایستی کلیه برنامه ریزی ها و سیاستگذاری ها در راستای منطقی کردن رشد جمعیت و هماهنگی با امکانات و مقدرات و زمینه سازی توسعه کمی و کیفی و رشد فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی جامعه برای رساندن آحاد مردم به رفاهی کمال آفرین باشد. این وضعیت اجتماعی همان است که قرآن کریم از آن

حفظ عفاف و پوشش و نیز ترجیح وظایف همسری و مادری بر اشتغال.

در اسلام و نیز در قوانین جمهوری اسلامی ایران برای حق اشتغال جهت حفظ مصالح خانواده محدودیت هایی نیز پیش بینی شده است که عبارتند از:

□ محدودیت های عمومی که اختصاصی به زن یا مرد ندارد شامل :

- عدم مخالفت شغل با احکام اسلام
- عدم مغایرت شغل با مصالح عمومی و حقوق دیگران
- عدم مغایرت شغل با نظم عمومی و اخلاق حسنه

□ محدودیت های ناشی از جنسیت مبتنی بر مبانی فقهی در موضوع زنان شامل :

• ممنوعیت قضاوت و محدودیت اشتغال در (امور نظامی) نیروهای مسلح .

• محدودیت های ناشی از زوجیت از دیگر مواردی است که طبق آن، شوهر می تواند با تأیید دادگاه، زن خود را از اشتغال به هر شغلی که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیت خود یا زن باشد منع کند. زن نیز می تواند چنین تقاضایی را از دادگاه بنماید.

همچنین در مبحث « مسئولیت والدین در برابر فرزندان » بیان شد که مسئولیت پدر و مادر در تربیت فرزندان، از هنگام انتخاب همسر آغاز می شود. مسئولیت اساسی والدین در برابر فرزندان، تربیت صحیح است. از دیگر مسئولیت های آن ها، انتخاب نام نیک؛ سواد آموزی؛ تغذیه حلال و مناسب می باشد.

از دیگر آموزه های مؤکد اسلامی، مسئولیت فرزندان در برابر والدین می باشد که بیانگر شکوه و قرب والدین در دین اسلام است.

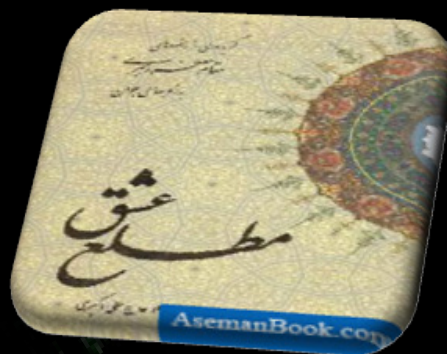
در پایان کلام؛ لازم به ذکر است که از توصیه های مؤکد قرآن کریم، تقدم اخلاق بر حقوق در نظام حقوقی اسلام است؛ از این رو اخلاق مداری روابط زوجین در خانواده می تواند گامی مهم در جهت تحقق « حیات طیبه » و به دیگر تعبیر، سبک زندگی اسلامی باشد.

## مطلع عشق

گردآورنده: محمد جواد حاج علی اکبری

انتشارات: دفتر نشر فرهنگ اسلامی

کتاب «مطلع عشق» مجموعه ای است از پندها و نصایح مقام معظم رهبری به زوج های جوانی که توفیق یافته اند پیوند زناشویی خود را با آهنگ کلام ایشان هماهنگ کنند و در آغاز زندگی از سرچشمه فیض و حکمت آن عالم عارف بهره گیرند.

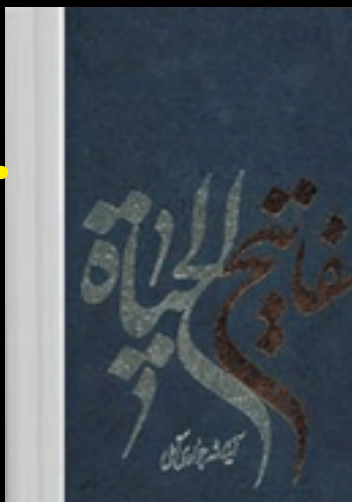


## مفاتیح الحیاة

نویسنده: آیت الله جوادى آملی

ناشر: اسرا

این اثر در پنج بخش بیان شده: بخش اول با عنوان «تعاملات انسان با خود» درباره تکبر، تدبر، یادگیری و دانش اندوزی است. بخش دوم این کتاب به «یادگیری و دانش اندوزی» اختصاص دارد و قسمت سوم کتاب به «کار و تلاش» مربوط می شود. بخش چهارم، پیرامون «تعامل انسان با حیوان» است و بخش پنجم کتاب نیز در مورد: «تعامل انسان با محیط زیست» می باشد. خاتمه شامل کارها در روزهای ماه قمری، سنتها و... است.



کتاب «۲۴۰ اصل خانوادگی

در اندیشه مطهر»

گردآورنده: عبدالمجید دشتی

انتشارات: آخرین وصی

این کتاب دارای شش فصل

می باشد که مؤلف در ۱۹۸

صفحه، سعی در تجمیع کامل

بیانات استاد

شهید مرتضی

مطهری در

خصوص عفاف و

حجاب، عشق،

ازدواج، غریزه

جنسی، زن و

...

